

محتوای ویژه کتاب

- ترجمه دروس به صورت کلمه به کلمه و کلی
- ترجمه دروس و همه تمرین های کتاب
- پاسخ به همه تمرین ها و فعالیت ها
- ارزشیابی مستمر همراه با پاسخ و بارم بندی
- آزمون های پایانی با پاسخ و بارم بندی

ع ب

۱ الف الف الف آهلاً و سهلاً: خوش آمدید

يَبْتَدِئُ	الْعَامَ	الدَّرَاسِيَّ	الْجَدِيدُ.	يَذْهَبُ	الطُّلَابَ وَ	الطَّالِبَاتِ	إِلَى	الْمَدْرَسَةِ	يَفْرَحُ؛	هُمْ
شروع می شود	سال	تحصیلی	جدید	می روند	دانش آموزان	دانش آموزان دختر	به	مدرسه	با شادی	آنها

سال تحصیلی جدید شروع می شود. دانش آموزان پسر و دختر با شادمانی به مدرسه می روند؛

یخیلون	حقایقهم؛	الشوارع	مملوءة
برمی دارند	کیف هایشان	خیابان ها	پر

آنها کیف هایشان را برمی دارند؛ خیابان ها پر

بالبنین و	البنات.	یبتدی	فصل	الدراسة و	القراءة و	الكتابة و	فصل	الصداقة	تبین	التلاميذ.
از پسران و	دختران	شروع می شود	فصل	درس و	خواندن و	نوشتن و	فصل	دوستی	بین	دانش آموزان

از پسران و دختران است. فصل درس و خواندن و نوشتن و فصل دوستی بین دانش آموزان شروع می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده و مهربان

أبدأ	ياشيم	الله	كلامي	أذكر	رَبِّي	عند	قياي
شروع می کنم	با نام	خدا	سخنم	به یاد می آورم	پروردگارم	هنگام	برخاستم

با نام خدا کلامم را آغاز می کنم و به هنگام برخاستم پروردگارم را به یاد می آورم.

أبدأ	ياشيم	الله	دروسي	أذكر	رَبِّي	عند	جلوسي
شروع می کنم	با نام	خدا	درس هایم	به یاد می آورم	پروردگارم	هنگام	نشستم

با نام خدا درس هایم را شروع می کنم و به هنگام نشستم پروردگارم را به یاد می آورم.

أَفْرَأُ	پاشم	الله	کتابي	أَسْأَلُ	رَبِّي	حَلَّ	صیغایي
می‌خوانم	با نام خدا	کتابم	درخواست می‌کنم	پروردگارم	حَلَّ	مشکلاتم	

با نام خدا کتابم را می‌خوانم، حل مشکلاتم را از پروردگارم درخواست می‌کنم.

مَكْتَبُنا	نُورُ حَيَاةٍ	فِيهِ دُعَاءُ	فِيهِ صَلَاةٌ
مکتب ما نور و زندگی	در آن دعا	در آن نماز	

مکتب ما نور است و زندگی در آن دعا و نماز است.

فِيهِ عُلُومٌ	فِيهِ كَمَالٌ	فِيهِ كُنُوزٌ	فِيهِ جَمَالٌ
در آن علوم	در آن رشد	در آن گنج‌ها	در آن زیبایی

در آن علوم، رشد، گنج‌ها، زیبایی است.

يُفَضِّلُ	مِنْهُ	الْعُلَمَاءُ وَ	يُدْرُسُ	فِيهِ	الْحُكَمَاءُ
فارغ‌التحصیل می‌شوند	از آن	دانشمندان	درس می‌دهند	در آن	حکیمان

دانشمندان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند و حکیمان در آن درس می‌دهند.

ها	كُتِبِي	أَنوَارٌ	سَمَاتِي	مَرْخَمَةٌ	كَثْرٌ	كَذَوَاتِي
هان	کتاب‌هایم	نورهای آسمانی من	رحمت گنج	مانند داروی من		

هان کتاب‌هایم نورهای آسمانم هستند؛ رحمت، گنج همچون داروی من هستند.

أَنْتَ	پاشم	الله	أُمُورِي	فَاشِمُ	إِلَهِي	زَادَ	شُرُورِي
شروع می‌کنم	با نام خدا	خدا	کارهایم	زیرا نام	خدای من	زیاد کند	شادی‌ام

با نام خدا کارهایم را شروع می‌کنم زیرا نام خدا شادی‌ام را زیاد می‌کند (می‌افزاید).

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ

ترجمه احادیث زیر را کامل کنید.

- ۱- «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ».
- ۲- «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ».
- ۳- «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا؛ فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ».
- ۴- «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ».
- ۵- «أَكْثَرُ خَطَايَا آدَمَ فِي لِسَانِهِ».

بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.

قطعاً خدا زیباست زیبایی را دوست می‌دارد.

هرکس دانشی را پنهان کند؛ پس مثل اینکه او نادان است.

هیچ خیری در سخنی نیست مگر با عمل.

بیشتر گناهان آدمیزاد در زبان اوست.

الْتَّمِرِينَ الثَّانِي

احادیث زیر را بخوانید سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

- ۱- «إِنَّ الْخَسَدَ يَأْكُلُ الْخَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطَبَ».

- (الف) به راستی که حسادت نیکی را از بین می‌برد؛ مانند آتش که محصول را از بین می‌برد. ☐
- (ب) قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد. ☒

- ۲- «أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ».

(الف) داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش بیفزاید. ☒

(ب) عالم‌ترین مردم، کسی است که علم خودش را از علم مردم کمتر بداند. ☐

- ۳- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ».

(الف) سخن مثل درمان است. اندک آن سریع شفا می‌دهد و بسیار آن می‌کشد. ☐

(ب) سخن مانند داروست. اندکش سود می‌رساند و بسیارش گشنده است. ☒

۴- «إِنَّ خَوَاصِّ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ».

الف) قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

ب) حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

۵- «الْقَرِيبُ مِنْ لَيْسَ لَهُ خَبِيبٌ».

الف) غریب کسی است که دوستی ندارد.

ب) غریب آن کسی است که با دوستش رابطه خوبی ندارد.

الْقَمَرِيُّنَ الثَّالِثُ

به فارسی ترجمه کنید.

۱- «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ»
آنچه در آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان است برای او سجده می‌کند.

۲- «إِنِّي رَأَيْتُ أَخَذَ عَشْرَ كَوْكَبٍ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»
قطعا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم. آنها را در حالی دیدم که برای من سجده می‌کردند.

۳- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»
قطعا خداوند چیزی را به مردم ظلم نمی‌کند اما مردم خودشان ظلم می‌کنند.

۴- «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُشْكُ وَأَنْتَ تَخْرُشُ الْمَالَ»
علم بهتر از ثروت است. علم تو را حفظ می‌کند و تو ثروت را حفظ می‌کنی.

۵- «يَكُنْ شَيْءٌ طَرِيقٌ وَطَرِيقُ الْحَقِّ الْمَلْمُ».

برای هر چیزی راهی است و راه بهشت دانش است.

الْقَمَرِيُّنَ الرَّابِعُ

فعل‌های ماضی و مضارع را در آیات زیر معلوم کنید.

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَفْضَرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (الزَّهَر ۵۳)
قطعا خداوند همه گناهان را می‌امرزد.

۲- «مَا ظَلَمْنَاكُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (هود ۱۰۱)
ما به آنها ستم نکردیم اما آنها به خودشان ظلم کردند.

۳- «صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» (الزَّوْم ۵۸)
در این قرآن از هر مثالی برای مردم زدیم.

۴- «وَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس ۵۵)
آگاه باش که وعده خداوند حق است اما بیشتر آنها نمی‌دانند.

۵- «وَلَا يَذَلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْقَبِيبُ إِلَّا اللَّهُ» (النَّمْل ۶۵)
هیچ‌کس جز خداوند اسرار آسمان‌ها و زمین را نمی‌داند.

الْقَمَرِيُّنَ الْخَامِسُ

ترجمه ناقص را کامل کنید.

۱- «لَكُمْ فِيهَا قُوَاكِبٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (المؤمنون ۱۹)
برای شما در آن میوه‌های بسیاری هست و از آن می‌خورید.

۲- «يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٍ عَلَيْهِمُ» (التور ۳۵)
خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند و خداوند به هر چیزی دانا است.

۳- «وَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس ۶۲)
هان، قطعاً برگزیدگان خدا نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند.

۴- «الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (الحجر ۹۶)
کسانی که همراه خدا خدایی دیگر قرار می‌دهند پس در آینده خواهند دانست.

التمرین السادس

کدام فعل از نظر زمان یا بقیه فعل‌ها «ناهماهنگ» است؟

- | | | | | |
|---------------------------------------|--|--------------------------------------|---|--------------------------------------|
| ☐ ١- جَعَلْنَا | ☐ ٢- أَخَذْتُمْ | ☐ ٣- جَلَسْتُ | ☐ ٤- تَخَرَّجْتُ | ☐ ٥- نَظَرْتُ |
| ☐ ١- جَعَلْنَا | ☐ ٢- أَخَذْتُمْ | ☐ ٣- جَلَسْتُ | ☐ ٤- تَخَرَّجْتُ | ☐ ٥- نَظَرْتُ |
| ☐ ١- جَعَلْنَا | ☐ ٢- أَخَذْتُمْ | ☐ ٣- جَلَسْتُ | ☐ ٤- تَخَرَّجْتُ | ☐ ٥- نَظَرْتُ |
| ☐ ١- جَعَلْنَا | ☐ ٢- أَخَذْتُمْ | ☐ ٣- جَلَسْتُ | ☐ ٤- تَخَرَّجْتُ | ☐ ٥- نَظَرْتُ |
| ☐ ١- جَعَلْنَا | ☐ ٢- أَخَذْتُمْ | ☐ ٣- جَلَسْتُ | ☐ ٤- تَخَرَّجْتُ | ☐ ٥- نَظَرْتُ |

التمرین السابع

کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

- | | | | | |
|----------------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|----------------------------------|
| ☐ ١- هُمَ | ☐ ٢- أَنتُمْ | ☐ ٣- تَحْنُ | ☐ ٤- هُمَا | ☐ ٥- هِيَ |
| ☐ ١- هُمَ | ☐ ٢- أَنتُمْ | ☐ ٣- تَحْنُ | ☐ ٤- هُمَا | ☐ ٥- هِيَ |
| ☐ ١- هُمَ | ☐ ٢- أَنتُمْ | ☐ ٣- تَحْنُ | ☐ ٤- هُمَا | ☐ ٥- هِيَ |
| ☐ ١- هُمَ | ☐ ٢- أَنتُمْ | ☐ ٣- تَحْنُ | ☐ ٤- هُمَا | ☐ ٥- هِيَ |
| ☐ ١- هُمَ | ☐ ٢- أَنتُمْ | ☐ ٣- تَحْنُ | ☐ ٤- هُمَا | ☐ ٥- هِيَ |

التمرین الثامن

فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

ما جَلَسْتُ	نمیشدست	لا یَجْلِسُ	نمی‌نشیند	سَجَلَسْتُ	خواهد نشست
فَهَيْتُمْ	رفتید	تَذْهَبُونَ	می‌روید	سَوْفَ تَذْهَبُونَ	خواهید رفت
سَمِعْتُمْ	شنیدند	سَمِعْتُمْ	شنیدید	مَا سَمِعْنَا	نشنیدیم
يَنْظُرُ	نگاه می‌کند	نَظَرْتُ	نگاه می‌کنیم	أَنْظُرُ	نگاه می‌کنم
صَدَقْتُ	راست گفت	صَدَقْتُ	راست گفتی	صَدَقْتُ	راست گفتم
يَعْرِفُونَ	می‌شناسند	تَعْرِفُونَ	می‌شناسید	تَعْرِفِينَ	می‌شناسی

التمرین التاسع

با توجه به تصویر پاسخ دهید.



هَلْ هَذَا زَيْمِيكُ؟ (آیا این هم کلاسی تو است؟)
نعم، هَذَا زَيْمِي. (بله، این هم کلاسی من است.)



مَاذَا عَلَى الشَّجَرَةِ؟ (چه چیزی روی درخت است؟)
الْحَمَامَتَانِ. (دو کبوتر)

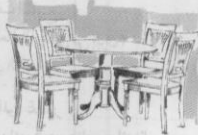
۱۰



لِمَنْ هَذَا الْمَقَرَّدُ؟ (این مرقد مال کیست؟)
سعدی شیرازی. (سعدی شیرازی)



أَيْنَ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ (آن مرد کجاست؟)
جَنْبَ الشَّجَرَةِ. (کنار درخت)



كَمْ كُرْسِيًا حَوْلَ الْمُنْفَصَّةِ؟ (چند صندلی اطراف میز است؟)
أربعة. (چهار)



فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟ (این دانشمند در چه علمی معروف است؟)
علم الكيمياء (علم شیمی)



مَتَى تَلْعَبُ كُرَةَ الْمُنْفَصَّةِ؟ (چه موقع تنیس روی میز بازی می کنید؟)
نَحْنُ نَلْعَبُ بَعْدَ الدَّرْسِ. (ما بعد از درس بازی می کنیم.)



مَاذَا فِي هَذِهِ الشَّاحَةِ؟ (چه چیزی در این میدان است؟)
السَّيَّارَةُ وَالْبَيْتُ. (ماشین و خانه)



يَمُ تَسَافِرُ الْخِجَاجَ إِلَى مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ؟ (حاجیان با چه چیزی به مکه مکرمه سفر می کنند؟)
يَسَافِرُ الْخِجَاجَ بِالطَّائِرَةِ. (حاجیان با هواپیما سفر می کنند.)



يَا تَلْمِذَاتِ كَيْفَ حَالُكُنَّ؟ (حالتان چگونه است ای دانش آموزان؟)
نَحْنُ بِخَيْرٍ. (ما خوبیم.)

التَّحْرِيرُ الْعَاشِرُ

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

- ۱- واحد / اثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعة / عشرة / أحد عشر / اثناعشر
- ۲- الأول / الثاني / الثالث / الرابع / الخامس / السادس / السابع / الثامن / التاسع / العاشر / الحادي عشر / الثاني عشر
- ۳- يوم السبت / الأحد / الاثنين / الثلاثاء / الأربعاء / الخميس / الجمعة
- ۴- الربيع / الصيف / الخريف / الشتاء
- ۵- الفطور في الصباح / الغداء في الظهر / العشاء في الليل

۱۱

التَّحْمِيزُ الْوَاحِدُ عَشْرُ

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱- مَنْ أَنْتَ؟

أنا كاتبٌ.

۲- كَيْفَ حَالُكَ؟

أنا بخيرٍ.

۳- مَنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

أنا من إيران.

۴- فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ؟

أنا في الصفِّ التاسع.

۵- مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟

يَبْدَأُ فِي أَوَّلِ الْخَرِيفِ.

تو کیستی؟

من یک نویسنده هستم.

حالت چطور است؟

من خوبم.

تو اهل کجا هستی؟

من ایرانی هستم.

تو در کدام کلاس هستی؟

من در کلاس نهم هستم.

چه موقع سال تحصیلی در ایران شروع می‌شود؟

در اول فصل پاییز شروع می‌شود.

۱۱

نام (دوره اول متوسطه)

التَّحْمِيزُ الثَّانِي عَشْرُ

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أَنْتَ ☒ أَنتُمْ ☐ فَهَلْ	تو می‌دانی	أَنْتُمْ ☒ أَنتُمْ ☐ هَلْ	تو می‌دانی
هَمَّ ☒ هَمَّ ☐ تَضَحَّكَانِ	آنها می‌خندیدند	هَمَّ ☒ هَمَّ ☐ تَضَحَّكَانِ	آنها می‌خندیدند
هَمَّ ☒ تَحَنَّنَ ☐ تَحَنَّنَ	ما موفق شدیم	هَمَّ ☒ تَحَنَّنَ ☐ تَحَنَّنَ	ما موفق شدیم
هَمَّ ☒ أَنتُمْ ☐ يَتَضَرَّعُونَ	آنها پیروز می‌شوند	هَمَّ ☒ أَنتُمْ ☐ يَتَضَرَّعُونَ	آنها پیروز می‌شوند
أَنْتَ ☒ أَنتُمْ ☐ لَا تَكْذِبُ	تو دروغ نمی‌گویی	أَنْتَ ☒ أَنتُمْ ☐ لَا تَكْذِبُ	تو دروغ نمی‌گویی
هَمَّ ☒ تَحَنَّنَ ☐ وَجَدْنَا	ما پیدا کردیم	هَمَّ ☒ تَحَنَّنَ ☐ وَجَدْنَا	ما پیدا کردیم
أَنْتَ ☒ أَنَا ☐ أَنْظُرُ	من نگاه می‌کنم	أَنْتَ ☒ أَنَا ☐ أَنْظُرُ	من نگاه می‌کنم

التَّحْمِيزُ الثَّالِثُ عَشْرُ

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

۱- مَوْظَعَةٌ	طَبِيبَةٌ	طَبِيبَةٌ	حَقِيقَةٌ
کارمند	پزشک	پزشک	کیف
۲- مُحَافَظَةٌ	قَرْيَةٌ	قَرْيَةٌ	عَامِلٌ
استان	روستا	روستا	کارگر
۳- بِنْتُ	أَخْتُ	أَخْتُ	جَدَّةٌ
دختر	خواهر	خواهر	مادر بزرگ
۴- قَدَمٌ	قَوْلٌ	قَوْلٌ	عَيْنٌ
پا	سخن	سخن	چشم
۵- بَقَرَةٌ	جَنَّةٌ	جَنَّةٌ	سِنَجَابٌ
گاو	بهشت	بهشت	سنجاب
۶- أَسْرَةٌ	قَمَرٌ	قَمَرٌ	شَمْسٌ
خانواده	ماه	ماه	خورشید
۷- أَشْبُوعٌ	ذَهَبٌ	ذَهَبٌ	سَنَةٌ
هفته	طلا	طلا	سال
۸- تَفَاحٌ	زُجْجَانٌ	زُجْجَانٌ	سَحَابٌ
سیب	انار	انار	ابر

۱۴

۱۲

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرَ

هَرِّ كَلِمَةً رَا بَه تَوْضِيحٍ مُنَاسِبٍ أَنْ وَصَلْ كُنْتَ. «يَكْ كَلِمَةً اِضَافِي اسْت.»

مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْعَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.

جَائِي كَهْ دَرِ أَنْ مَرْدَمِ صَبْحَانَه، نَهَارِ وَ شَامِ مِي خُورَنْد.

هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.

كُشِّي كَهْ بَا دَعْوَتِ يَا بِي دَعْوَتِ وَارِدِ خَانَه مِي شُود.

رِيَاضَةُ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدٌ غَشْرَ لَايِيَا.

بَازِي كَهْ دَرِ أَنْ يَارَدَه بَازِيَكُنْ بَازِي مِي كُنَنْد.

طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلُ الصُّوْبِ.

پَرَنْدَه سِيَاهِ رَنْگِ كَهْ صَدَائِي زِيْبَائِي نِدَارَد.

أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.

زَمِينٌ وَسِيعِي كَهْ دَرِ أَنْ دَرِخْتَانِ زِيَادِي وَجُودِ دَارَد.

وَقْتُ نِهَآيَةِ النَّهَارِ وَ بَدَآيَةِ اللَّيْلِ.

زَمَانِ يَآيَانِ رُوزِ وَ شُرُوعِ شَبِّ.

۱- كُرَّةُ الْقَدَمِ

فُوتْبَال

۲- الْمُحَافَظَةُ

أَسْتَان

۳- الْخَطْعَمُ

رِسْتُورَان

۴- الْمَسَاءُ

عَصْر

۵- الْعَابَةُ

جَنْگَل

۶- الْغُرَابُ

كَلَاغ

۷- الشَّيْثُفْ

مِهْمَان

۱۳

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ عَشَرَ

دَرِ جَايِ خَالِي، يَكِي اَزْ كَلِمَه هَايِ زِيرِ رَا بِنُویسید. «دُو كَلِمَةً اِضَافَه اسْت.»

عَلَيْكَ / ذَمِيهِ / الْجُلُوسُ / الْحَجَرُ / الْجَاهِلُ / الْأَمَانُ / الضَّعَابُ

ادب آدمی بهتر از طلای اوست.

علم در کودکی همانند نقاشی در سنگ است.

دو نعمت نامعلوم هستند؛ سلامتی و امنیت.

روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی علیه تو.

دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

۱- أَذْبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

۲- الْعِلْمُ فِي الصَّبْرِ، كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ.

۳- نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّلَاحُ وَالْإِيمَانُ.

۴- الْمَذْهَبُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

۵- عِدَاؤُهُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

۱۴

التَّمْرِينُ السَّادِسُ عَشَرَ

مُتَضَادَّ كَلِمَه هَايِ دَاخِلِ جَدْوَلِ رَا دَرِ كَلِمَاتِ زِيرِ پيدا كنيد و بنويسيد.

كثير / لئيل / نهابة / قريب / جميل / صداقة / يمين / غالية / شراء / فرح / كذب / حار

رخيصه ≠	غالية	بعيد ≠	قريب	تسار ≠	يمين
تبع ≠	شراء	بداية ≠	نهاية	بارد ≠	حار
حزن ≠	فرح	قيح ≠	جميل	صدق ≠	كذب
قليل ≠	كثير	عداوة ≠	صداقة	نهار ≠	ليل

۱۵

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق / فُلَّاحان / شَجَرَة / رِیاضِیون / سَیِّدات / مُدَرِّسات

شَجَرَة	مفرد مؤنث
فُلَّاحان	مثنای مذکر
مُدَرِّسات	مثنای مؤنث
رِیاضِیون	جمع مذکر سالم
سَیِّدات	جمع مؤنث سالم
أوراق	جمع مکتور

آرزشیابی مستمر

الف) جواب صحیح را مشخص کنید.

- ۱- «تَبَدُّهُ» فعل مضارع از «ابتدا» است. (۲۵/۰ نمره)
 ۲- آیا فعل های «جَعَلْتُمْ وَأَجْعَلُ» از نظر زمان یکی هستند؟ (۲۵/۰)
 ب) گزینه درست را انتخاب کنید.
 ۳- کدام گزینه از نظر زمان با بقیه گزینه ها ناهمگون است؟ (۵/۰)
 الف) (۱) یَحْمِلُونَ (۲) تَجْعَلُونَ (۳) يَنْجِذُ (۴) سَجَدُوا
 ب) (۱) يَضْرِبُ (۲) تَضْرِبُ (۳) ضَرَبْنَا (۴) تَضْرِبُ
 ۴- کدام گزینه از نظر جنسیت با بقیه ناهمگون است؟ (۵/۰)
 الف) (۱) فُلَّاحون (۲) شَجَرَتان (۳) رِیاضِیات (۴) مدرِّسة
 ب) (۱) هُوَ (۲) أَنْتَ (۳) أَنتُمْ (۴) هُمْ
 ۵- برای ضمیر «أَنْتُمْ» کدام فعل مناسب نیست؟ (۵/۰)
 (۱) شَرِبْتُمْ (۲) تَخْرُجُونَ (۳) ذَهَبُوا (۴) تَشْرَبُونَ
 ۶- منفی ماضی، مضارع و مستقبل فعل «سَجِنَ» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۰)
 (۱) لَا سَجِنَ، يَسْجِنُ، سَجِنَ
 (۲) مَسْجِنٌ، سَجِنَ، سَجِنَ
 (۳) مَسْجِنٌ، يَسْجِنُ، سَجِنَ
 (۴) مَسْجِنٌ، يَسْجِنُ، لَا يَسْجِنُ
 ۷- کدام گزینه از نظر معنی با بقیه کلمات هماهنگ نیست؟ (۵/۰)
 الف) (۱) الزَّيْبُ (۲) الْجُمُعَةُ (۳) الصَّبْفُ (۴) الشَّاءُ
 ب) (۱) أَرْيَعَةُ (۲) بَيْتَةٌ (۳) الثَّلَاثاءُ (۴) ثَمَانِيَةٌ
 ۸- در پاسخ به سؤال «مَنْ أَنْتَ؟» کدام گزینه صحیح است؟ (۵/۰)
 (۱) أَنَا مُعَلِّمَةٌ (۲) فَاطِمَةُ (۳) أَنَا إِبْرَانِئُ (۴) أَنَا تَلْمِذَةٌ فِي الصَّبْفِ الثَّاسِعِ

ج) عبارت های مرتبط را به هم وصل کنید.

- ۹- کلمات متضاد در ستون «الف و ب» را به هم وصل کنید (یک کلمه اضافی است). (۱/۵)

حَازَ	»	رَخِيصَةٌ
بَدَأَ	»	بَدَائِيَّةٌ
شَرَا	»	شَرَاءٌ
بَارَأَ	»	بَارَةٌ

۱۰- کلمات کامل کننده جملات ستون «الف» را از ستون «ب» پیدا کنید و به آن وصل کنید (یک کلمه اضافی است). (۱/۵)

الف	أدبُ المرء خَيْرٌ مِنْ ...	ب
الجاهل	العلمُ في الصغر كالنقش في ...	ج
الحَجَرُ	عداوةُ العاقل خَيْرٌ مِنْ صداقة ...	د
الأمان		
ذَهَبِهِ		

(د) ترجمه کنید.

۱۱- ترجمه کلمات مشخص شده را بنویسید. (۱/۵)

الف) جابرین حیان عالمُ الكيمياء.

ب) اليوم يومُ الأخذ.

ج) الفطورُ في الصباح.

۱۲- جملات زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) الذُّخْرُ نومان؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

ب) العابةُ أرضٌ واسعةٌ فيها أشجارٌ كبيرةٌ.

ج) يُسافِرُ الحجاج إلى مكة المكرمة.

د) أنتم تُخيلون حقایقكم.

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ نادرست (۵/۲۵) ۲ خیر (۵/۲۵) ۳ الف) سجدوا (۵/۲۵) ب) صَرَبْنَا (۵/۲۵) ۴ الف) فآحون (۵/۲۵) ب) أنت (۵/۲۵)
 ۵ ذهبوا (۵/۵) ۶ گزینه ۳ (۵/۵) ۷ الف) الجفعة (۵/۲۵) ب) الثلثاء (۵/۲۵) ۸ گزینه ۴ (۵/۵) ج) ۹ (رخصه ۳ غالية) (۵/۵)
 (شراء ۳ بیع) (۵/۵) (بارد ۳ حاز) (۵/۵) ۱۰ أدب المرء خیر مِنْ ذهبِهِ. (۵/۵) العلمُ فی الصغر كالنقش فی الحجر. (۵/۵)
 عداوةُ العاقل خیر مِنْ صداقةُ الجاهل. (۵/۵) ۱۱ الف) شیمی (۵/۵) ب) یکشنبه (۵/۵) ج) صبحانه (۵/۵) ۱۲ الف) روزگار دو
 روز است؛ روزی با تو و روزی علیه تو. (۵/۵) ب) جنگل زمین وسیعی است که در آن درختان زیادی است. (۵/۵) ج) حاجیان
 به مکه مکرمه سفر می کنند. (۵/۵) د) شما کیف هایتان را برمی دارید (حمل می کنید). (۵/۵)

قوانین المُرور: قوانین راهنمایی و رانندگی

رَجَعَ	سَجَدَ	مِنْ	الْمَدْرَسَةِ	خَرَبْنَا	عِنْدَمَا	جَلَسَ	عَلَى	الْمَائِدَةِ	مَعَ	أُسْرَتِهِ،
برگشت	سجاد	از	مدرسه	ناراحت	هنگامی که	نشست	بر	سفره	همراه	خانواده اش

سجاد با ناراحتی از مدرسه برگشت؛ هنگامی که با خانواده اش بر سفره نشست

بَدَأَ	بِالْبُكَاءِ	فُجَاءَةً	وَدَهَبَ	إِلَى	عُرْفَتِهِ؛	ذَهَبَ
شروع کرد	گریه	ناگهان	رفت	به	اتاقش	رفت

ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت؛

أَبُوهُ	إِلَيْهِ وَ	تَكَلَّمَ	مَعَهُ وَ	سَأَلَهُ:	«لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»
پدرش	به سوی او	صحبت کرد	با او	از او پرسید	چرا نخوردی غذا

پدرش به سوی او رفت و با او صحبت کرد و از او پرسید: چرا غذا نخوردی؟!

أَجَابَ:	«هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»	قَالَ:	«نَعَمْ؛	أَعْرِفُهُ؛
جواب داد	ایا می شناسی دوستم حسین گفت	بله	او را می شناسم	

جواب داد: آیا دوستم حسین را می شناسی؟ گفت: بله؛ او را می شناسم؛

هو وَلَدٌ ذَكَرٌ وَ هَادِيٌّ. ماذا حَدَثَ لَهُ؟
او پسر باهوش و آرامی است. چه اتفاق افتاده است برای او
او پسر باهوش و آرامی است. چه اتفاقی برای او افتاده است؟

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ
جواب داد سجاد او بستری شد در بیمارستان تصادف کرد

سجاد جواب داد: او در بیمارستان بستری شد!

بِالسَّيَّارَةِ: حَدَثَ التَّصَادُمُ
با ماشین تصادف افتاده است تصادف

با ماشین تصادف کرد!

أمامي؛	عندما	شاهدته	على	الرصيف	المقابل؛	ناديته	فتبر	الشَّاع
مقابل من	هنگامی که	او را مشاهده کردم	در	پیادهرو	مقابل	او را صدا زدم	عبور کرد	خیابان

تصادف در مقابل من اتفاق افتاد؛ هنگامی که او را در پیادهرو مقابل دیدم، او را صدا زدم؛ ناگهان از خیابان عبور کرد

فَجَاءَ	وَمَا نَظَرَ	إِلَى	السيار	واليمين؛	افترشت	سيارة
ناگهان	نگاه نکرد	به	چپ	راست	تزدیک شد	ماشین

و به سمت چپ و راست نگاه نکرد؛ ماشینی به او نزدیک شد

مَنَهُ وَ	صَدَّقَتْهُ.
به او	تصادف کرد با او

و با او تصادف کرد.

قَالَ	أَبُوهُ	كَيْفَ	حَالُهُ	الآن؟
گفت	پدرش	چگونه	حالش	الان

پدرش گفت: الآن حالش چطور است؟

قَالَ	سَجَادٌ:	«هُوَ	بَحَيْرٍ؛	كَانَتْ	سُرْعَةُ	السيارة	قليلةً.»
گفت	سجاد	او	خوب است	بود	سرعت	ماشین	کم

سجاد گفت: او خوب است؛ سرعت ماشین کم بود.

في اليوم	التالي	طلب	المدرّس من	تلاميذ	كتابة	قوانين	الشُّرور	في	صحيحة	جدارية.	
در روز بعد	بعد	درخواست کرد	معلم	از	دانش آموزانش	نوشتن	قوانین	کدر کردن	در	روزنامه	دیواری

در روز بعد، معلم از دانش آموزانش نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی را در روزنامه دیواری درخواست کرد.

ثُمَّ	طَلَبَ	مُديرُ	المدرسة	من	إدارة	الشُّرور	شرح	الإشارات	الشُّرور	في	المدرسة.
سپس	درخواست کرد	مدیر	مدرسه	از	اداره	راهنمایی و رانندگی	آموزش	علامت	راهنمایی و رانندگی	در	مدرسه

سپس مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی آموزش علامت راهنمایی و رانندگی در مدرسه را درخواست کرد.

جاءَ	شُرطِي	الشُّرور	وشرح	الإشارات	اللازمة	لللاحيذ	وَأمرهم
آمد	پلیس	راهنمایی و رانندگی	توضیح داد	علامت	لازم	برای دانش آموزان	امر کرد به آنها

پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علامت لازم برای دانش آموزان را توضیح داد و از آنها خواست که از محل

١٨

بِالْمُبَوَّرِ مِنْ مَشْرِئِ الْمَشَاةِ
عَبُورَ كَرْنٍ اَزْ كَنْزَاكِهْ پياده

عبور پیاده (پیاده‌رو) عبور کنند.

کَتَبَ الْقَلَامِ	صَحِيحَةُ	جِدَارِيَّة	وَرَسَمُوا فِيهَا	عَلَامَاتِ	الْشُّرُورِ	وَضَرَحُوا	مَعَانِيهَا.
نوشت	دانش آموزان	دیواری	کشیدند	علامت‌های	راهنمایی و رانندگی	توضیح دادند	معانی آنها را

دانش آموزان روزنامه دیواری را نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را کشیدند و معانی آنها را توضیح دادند.



السُّورُ فِي هَذَا الطَّرِيقِ مَنعُوجْ.
ورود ممنوع



الدُّورَانْ عَلَى الْيَمِينِ مَنعُوجْ.
گردش به راست ممنوع



الدُّورَانْ عَلَى الْبَسَارِ مَنعُوجْ.
گردش به چپ ممنوع



تَقَرَّبُ مِنَ الْمَطْعَمِ.
به رستوران نزدیک می‌شوید



مَمَرُ الْمَشَاةِ
محل عبور عابر پیاده



الْعَمَالُ يَعْمَلُونَ.
کارگران مشغول کارند

سؤال متن

درستی یا نادرستی گزینه‌های زیر را براساس متن درس بنویسید.

نادرست	درست
☐	☒
☒	☐
☒	☐
☒	☐
☐	☒

۱- كان موضوع الصحفية الجدارية قوانين الشُّرُورِ.
موضوع روزنامه دیواری قوانین راهنمایی و رانندگی بود.

۲- رَقَّدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوْصِفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.
حسین در درمانگاه نزدیک خانه‌اش بستری شد.

۳- رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.
سجاد خوشحال به خانه‌اش بازگشت.

۴- أَسْرَعَ سَجَادٌ مَا عَرَفَتْ حُسْبِيًّا.
خانواده سجاد حسین را شناخت.

۵- كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.
سرعت ماشین کم بود.

وزن و حروف اصلی
نکته ۱: حروف اصلی (ریشه)
بیشتر کلمات عربی ۳ حرف اصلی دارند که به این سه حرف اصلی «ریشه کلمه» گفته می‌شود.
مانند: عالم ← علم منصور ← نصر رحیم ← رحم

برای پیدا کردن ریشه کلمه می‌توانیم از کلمات هم‌خانواده استفاده کنیم. در حقیقت، ریشه یا حروف اصلی یک کلمه «۳ حرف مشترک» در کلمات هم‌خانواده که به ترتیب تکرار می‌شوند، به جدول زیر دقت کنید:

ریشه	کلمات هم‌خانواده
ن ظ ر	ناظر- منظور- نظیر
ع م ل	عامل- معمول- یثمل
ش ه د	شاهد- مشهور- شهید
ه ج م	مهاجم- هجوم- تهاجم

نکته ۲: حروف زائد (اضافه)

به حروف غیر از حروف اصلی «حروف زائد» می‌گویند.

مثال:

عالم ← «ع» سه حرف اصلی و «الف» زائد است.

منصور ← «ن» سه حرف اصلی و «م-و» زائد است.

رحیم ← «ر» سه حرف اصلی و «ی» زائد است.

نکته ۳: وزن کلمه

اگر به جای «۳ حرف اصلی» به ترتیب «ف ع ل» بگذاریم و حروف زائد و حرکات را تغییر ندهیم، وزن کلمه به دست می‌آید.

مثال:

ص	ا	د	ق	← صادق
ف	ا	ع	ل	← فاعل

پس وزن «صادق»، «فاعل» است.

وزن‌های مهم و معنی آن‌ها

مهم‌ترین وزن‌هایی که شما می‌خوانید عبارتند از: ۱- فاعل ۲- مفعول ۳- قعیل

۱- فاعل: انجام دهنده کار را نشان می‌دهد.

۲- مفعول: کلمه‌ای که کار روی آن انجام شده است.

۳- قعیل: صفت مطلق (صفت ساده فارسی) است.

مثال:

وزن	کلمه	معنی
فاعل	ناصر	یاری کننده
مفعول	منصور	یاری شده
قعیل	سمیع	شنوا

فَی ترجمه

ترجمه کنید.

یا سائِعٌ قُلٌّ مَخْلُوقٌ یا خالِقٌ قُلٌّ مَخْلُوقٌ؛

ای سازنده هر ساخته شده‌ای و ای آفریننده هر آفریده شده‌ای.

التَّسْمِیْنِ الْأَوَّلَ

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عبادت کننده	عبادت شده	ع ب د
فتح کننده	فتح شده	ف ت ح
نویسنده	نوشته شده	ک ت ب

عابد، متبوع:

فاتح، مفتوح:

کاتب، مکتوب:

ضارِب، مَضْرُوب:

خَادِم، مَخْدُوم:

شاهد، مشهود:

زنده

خدمت کننده

پیتندہ

زده شده

خدمت شده

دیدہ شدہ

ضرب

خدم

ش ه د

التَّامِرِينَ الثَّانِي

وژن کلمات جدول را بنویسید.

مضارع	ماضی	ریشه
يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
يُفْعِلُ	أَفْعَلَ	
يُسَلِّمُ	سَلَّمَ	س ل م
يُفْعِلُ	فَعَّلَ	
يَتَعَامَلُ	تَعَامَلَ	ع م ل
يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ	
يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ	ع ل م
يَنْفَعِلُ	نَفَعَلَ	
يَسْتَعْدِمُ	اسْتَعْدِمَ	خ د م
يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ	
يُسَافِرُ	سَافَرَ	س ف ر
يَتَفَاعَلُ	فَاعَلَ	
يَنْكَسِرُ	انْكَسَرَ	ك س ر
يُفْعِلُ	أَفْعَلَ	
يُسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ	ش غ ل
يَفْعُلُ	افْعَلَّ	

التَّامِرِينَ الثَّالِثُ

پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به هم را به یکدیگر وصل کنید.

- ۱- قوانین التمريض
قوانین راهمایی و رانندگی
۲- التمريض
بیمارستان
۳- التمريض
بیادهورو
۴- التمريض
روزنامه
۵- التمريض
گریه کردن

- قواعد السير و المرور في الشارع و الجادة .
قوانين عبور و مرور در خیابان و جاده .
جانب من الشارع لشرور الناس .
قسمتی از خیابان برای عبور مردم .
أوراق فيها اختبار و معلومات أخرى .
برگه‌هایی که در آن خبرها و اطلاعات دیگر
مکتب تجزئ ليقض الرضی .
مکتبی مجزئ برای الرضی که به بیماران .
جزایان الذموم من السجون .
جزایان اشک از ناراحتی .

۲۲

التَّحْرِينُ الرَّابِعُ

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ / هُما / هُم / هي / هُنَّ / أَنْتَ / أَنْتما / أَنْتم / أَنْتِ / أَنْتِ / أنا / نَحْنُ

۲۲



من



أنا



أنتِ



أنت



هي



هو



نَحْنُ



أَنْتُمْ



أَنْتِ



أَنْتُمْ



أَنْتُمْ



أَنْتِ



هُما



هُنَّ



هُنَّ



هُم

۲۳

التَّحْرِينُ الْخَامِسُ

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافی است.»

التَّالِي / جَدَارِيَّة / نَصَادَنَّا / تَلْمِيذُ / الذَّمُوعُ / خَذَتْ

- ۱- یا زَمِيلِي ما پَك؟ لِمَ أَنْتِ حَزِينٌ؟ ماذا حَدَثَ؟
- ای هم‌کلاسی تو را چه شده است؟ برای چه ناراحت هستی؟ چه اتفاقی افتاده است؟
- ۲- التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيْفَةٍ جَدَارِيَّةٍ.
- دانش‌آموزان مشغول تهیه روزنامه دیواری هستند.
- ۳- أَخِي تَلْمِيذٌ فِي الصَّلَبِ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.
- برادرم دانش‌آموز کلاس ششم ابتدایی است.
- ۴- السِّيَّارَتَانِ نَصَادَنَّا أَمَامَ بَابِ المَصْنَعِ.
- دو ماشین مقابل درب کارگاه تصادف کردند.
- ۵- الذَّمُوعُ جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ المَطْلَعَةِ.
- اشکها بر صورت کودک جاری هستند.

۳۳

۲۴

التَّحْقِيقُ السَّادِسُ

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

۱- هادئ ☒ آرام ۲- شارع ☐ خیابان ۳- أَكَل ☒ خورد ۴- ماء ☐ آب ۵- يَد ☐ دست	سَيَّارَةٌ ☐ ماشین سَاحَةُ ☒ میدان رَأَى ☐ دید شَرَّاب ☐ نوشیدنی لِسَان ☐ زبان	سَغِيَّةٌ ☐ کشتی خَاتَم ☐ انگشتر شَاهَدٌ ☐ دید شَاي ☐ چای سِنٌّ ☐ دندان	طَائِرَةٌ ☐ هواپیما رَصِيفٌ ☐ پلادهرو نَظَرٌ ☐ دید جَارٌ ☒ همسایه نَادَى ☒ صدا زد
--	---	---	---

التَّحْقِيقُ السَّابِعُ

آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی براین وزن‌ها در آنها بیابید.

فاعِل، عالم ۱- مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِيِّ وَ عَن شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِيِّ. (رسول الله) از خوشبختی آدمیزاد اخلاق خوب و از بدبختی آدمیزاد اخلاق بد است. ۲- شَرَّفَ النَّبِيُّ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَهْلِ وَالنَّسَبِ. (الإمام علي) ارزش انسان به علم و ادب است نه به اصل و نسب. ۳- إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْصَحُهُمْ لِمَا بِهِ. (رسول الله) قطعا محبوب‌ترین بندگانش خدا نزد او اندر زودترین آنها برای بندگانش است. ۴- حُسْنُ الْأَدَبِ يَشْفِ قُلُوبَ النَّاسِ. (الإمام علي) ادب نیکو زشتی‌ها را می‌پوشاند. ۵- هُوَ اللَّهُ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿الْفَاطِرُ ۳۸﴾ قطعا خداوند به اسرار آسمان‌ها و زمین دانا است.	فَاعِل، جهاد فَعْل، عالم	فَعَالَةٌ، سَعَادَةٌ	فَعْل، عالم
--	--	-----------------------------	--------------------

التَّحْقِيقُ الثَّامِنُ

متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الشَّصِّ الثَّامِنِ، اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أَخْتَانٌ، مَهْدِيمٌ وَ لَالِينٌ، هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ، هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ، أَنَّهُ تَخْرُجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ خُلُونِي. جَوَادُ فِي الشَّصِّ الثَّامِنِ، نَحْنُ مِنَ مَدِينَةِ «سِرْوَان» فِي مُحَافَظَةِ «سِيستان و بلوچستان».

ترجمه متن: من دانش‌آموزی در کلاس هشتم هستم. اسم من اسحاق است. دو خواهر دارم: مهدیم و لالین، آن دو کوچک هستند و به مدرسه نمی‌روند و دو برادر دارم: هاشم و جواد. هاشم بزرگترین فرزند خانواده است. همانا او از مدرسه فارغ‌التحصیل شده و اکنون قنات است. جواد در کلاس هفتم است. ما در شهر «سروان» در استان سیستان و بلوچستان هستیم.

۱- لِمَاذَا لَا تَذْهَبُ مَهْدِيمٌ وَ لَالِينٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ لَأَنَّ هُمَا صَغِيرَتَانِ.

چرا مهدیم و لالین به مدرسه نمی‌روند؟ زیرا آنها کوچک هستند.

۲- مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنَيْنِ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟ هَاشِمٌ.

اسم بزرگ‌ترین پسر این خانواده چیست؟ هاشم

نہم (دورہ اول متوسطہ)

٣- مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ تَخْرُجْ هَاشِمٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.

چه کسی از مدرسه فارغ التحصیل شد؟ هاشم از مدرسه فارغ التحصیل شد.

٤- مِنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةُ؟ مِنْ مَدِينَةِ «زَاهِدَان» فِي مُحَافَظَةِ «سَيِسْتَان وَبَلُوشْتَان».

این خانواده اهل کجا هستند؟ اهل زاهدان در استان سیستان و بلوچستان.

٥- في أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟ في الصَّفِّ الثَّامِنِ.

اسحاق در کدام کلاس است؟ در کلاس نهم.

۶۔ گم اختا لإسحاق؟ اختان.

اسحاق چند خواهر دارد؟ دو خواهر

التَّامِرِينَ التَّاسِعُ ..

با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز را به دست بیاورید.

تَصَادُمَاتُ / تَكَلُّمُ / تَلَامِيذُ / نَادَيْشُمُ / مَلَاعِبُ / أَزْهَارُ /

مُسْتَشْفَى / اِفْتَرَبْتُ / شَقَاوَةً / اَنْصَحُ / تَنْظُرُونَ / حَدِّثْنَاهُ /

أَخَوَاتُ / إِخْوَةٌ / بُكَاءُ / سَيَّارَاتُ / وَقَعْتُ / أَلَوَانُ / يَزْشْفُنُ /

اسماک / فیضہ / حزیۃ / فجاءۃ

رمز: «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ».

گنج‌های روزی در وسعت اخلاق است.

سچ-سی زوری-ہر وقت-ہر جگہ

رمز: «فِي سِعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ».

گنج‌های روزی در وسعت اخلاق است.

نور السماء

نور آسمان

بخوانید و ترجمه کنید.

١- ﴿مَنْ آمَنَ يَأْتِ الْيَوْمَ الْعَمَلُ وَأَعْمَلُ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (البقرة ٦٢)

کسانی که به خداوند و روز قیامت ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند پس پاداششان نزد پروردگارشان است.

٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف ٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا می‌گویید چیزی را که انجام نمی‌دهید.

۳- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (الأحزاب ۲۱)
 به راستی که رسول خدا (ص) الگوی خوبی برای شما است.

۴- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ (البقرة ۱۸۶)
 هنگامی که بندگانم درباره من از تو بپرسند پس همانا من نزدیک هستم.

۵- ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ﴾ (المجادلة ۱۱)
 خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)
 الف) هَوِّدَ فِي الْمَسْتَشْفَى.
 ب) الرِّصْفُ جَانِبُ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.
 ج) الدَّمْعُ جاريةٌ عَلَى وَجْهِ الطِّفْلِ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)
 الف) إِنَّهُ تَخْرُجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَالآنَ هُوَ السَّائِقُ.
 ب) التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ.
 ج) يَا صَانِعَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)
 الف) فَاتَخَ: ☐ فتح کننده ☐ نویسنده
 ب) مَكْتُوبٌ: ☐ فتح شده ☐ نوشته شده

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)
 الف) رَفَعَ سَجَادًا فِي مُتَوَصِّفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.
 ب) رَجَعَ سَجَادًا وَبَدَأَ بِالِكَلَامِ.
 ج) ظَلَبَ السُّدْرُسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُزَوَّرِ.
 د) الشَّيَارِثَانِ تَصَادَفَا أَمَامَ بَابِ الْمَكْتَبَةِ.

۵- در جملات زیر کلمات هم وزن «فاعل، مفعول، فعل» را مشخص کنید. (۱/۵)
 الف) الضَّحِيفَةُ أَوْرَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَمَغْلُومَاتٌ أُخْرَى.
 ب) إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
 ج) كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

کلمه	هم خانواده	حروف اصلی	حروف زائد
مظلوم			م - و
فاتخ		ف - ت - ح	
قادر			

۷- وزن کلمات مشخص شده را بنویسید. (۱)
 الف) شَرَفَ الْعَمْرُ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ.
 ب) أَنَا طَالِبٌ فِي الضَّفِّ الثَّاسِعِ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ الف بیمارستان (۵/۵) ب پیاده‌رو (۵/۵) ج اشک‌ها (۵/۵) د الف فارغ‌التحصیل، راننده. (هر مورد ۵/۲۵)
 ب) روزنامه‌دیواری (۵/۵) ج) ساخته شده‌ای، آفریننده (هر مورد ۵/۲۵) د) الف فتح‌کننده (۵/۵) ب) نوشته‌شده (۵/۵)
 ۴ الف) سجاد در درمانگاه نزدیک خانه‌اش بستری شد. (۵/۵) ب) سجاد برگشت و شروع به گریه کرد. (۵/۵) ج) معلم از دانش‌آموزانش نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی را درخواست کرد. (۵/۵) د) دو عاشقین مقابل درب کتابخانه تصادف کردند. (۵/۵)
 ۵ الف) معلوم بر وزن مفعول (۵/۵) ب) عالم بر وزن فاعل (۵/۵) ج) قلیل بر وزن فعل (۵/۵) د) هر مورد (۵/۲۵)

کلمه	هم خانواده	حروف اصلی	حروف زائد
مظلوم	ظالم	ظ - ل - م	م - و
فانیخ	مفتوح	ف - ح - ح	ا
قدیر	قادر	ق - د - ر	ی

۷ الف) عَلم بر وزن فِعل (ب) طالب بر وزن فاعل (هر مورد ۵/۵ نمره)

۳ الدرس الثالث جِئْتُ الصَّدَاقَةَ: ثُلُ رَاسْتِغَوِي

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ فِي مَزْرَعَةٍ قَمَحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عِدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا	بود حمید و سعید دو برادر در مزرعه گندم در یکی روزها افتاد دشمنی بین آن دو
--	---

و غَضِبَ	الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ
و خشمگین شد	برادر بزرگتر حمید بر برادر

حمید و سعید دو برادر در مزرعه گندم (گندم‌زار) بودند؛ در یکی از روزها بین آن دو دشمنی افتاد و حمید برادر بزرگ‌تر بر

الْأَصْغَرَ «سَعِيدٌ» وَقَالَ لَهُ: «أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي.»	کوچک‌تر سعید گفت به او خارج شو از مزرعه من
--	--

سعید برادر کوچک‌تر خشمگین شد و به او گفت: «از مزرعه من خارج شو.»

و قَالَتْ زَوْجَتُهُ حَمِيدٌ لِرَؤُوسِهِ سَعِيدٌ: «أَخْرُجِي مِنْ بَيْتِنَا.»	و گفت همسر حمید به همسر سعید: «خارج شو از خانه ما»
---	--

و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه ما خارج شو.»

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ ظَرَقَ رَجُلٌ بَابَ حَمِيدٍ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ نَجَّارٌ	در صبح یکی روزها کوبید مردی درب خانه حمید هنگامی که باز کرد حمید درب خانه مشاهده کرد نجار
---	---

در صبح یکی از روزها، مردی در خانه حمید را کوبید (زد)؛ هنگامی که حمید در خانه را باز کرد، نجاری را دید؛

فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَفْعَلُ؟»	پس از او پرسید چه می‌خواهی از من
--------------------------------	----------------------------------

پس از او سؤال کرد: «از من چه می‌خواهی؟»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْهَثُ جِسْتِ وَ جَوِي مِي كُنَم»	عَنْ عَمَلٍ	عَمَلٌ	عَمَلٌ	عَمَلٌ	عَمَلٌ
جواب داد نجار جست و جوی می‌کنم	از کار	آیا	نزد تو	کار	کار

نجار جواب داد: «چه دنبال کار می‌گردم؛ آیا تو کاری داری؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «يَا لَتَأْكِيدَ: عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا يَبْذُكَ.»
 پس گفت حمید: «با تأکید نزد من مشکل و حل آن در دست تو»

حمید گفت: «البته! مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»

قَالَ التَّجَارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ تَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي»
 گفت: تجار چیست آن مشکل تو جواب داد حمید: «آن خانه همسایه من است؛ او برادرم»

تجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه من است؛ او برادرم و دشمنم است»

«وَعَدُوِّي: أَلَمْ تَرَ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؟ هُوَ قَسَمٌ دُشْمَنِمِ نَگاه کن به آن رود او تقسیم کرد»

به آن رود نگاه کن!

الْمَزْرَعَةُ إِلَى تَصْلِفِينَ بِذَلِكَ النَّهْرِ إِنَّهُ خَلَزَ النَّهْرُ لَأَنَّهُ قَضِيَانٌ عَلِيٌّ. عِنْدِي أَخْشَابُ مَزْرَعَةٍ بِهِ دُونِمِ بَا أَنْ رُودَ هَمَانَا أَوْ كُنْدَ رُودَ زَبِرَا خَشْمَكِينَ بَرَمِنْ نَزْدَ مِنْ جُوبِهَا

كَثِيرًا فِي الْمَطَرِ: رَجَاءُ: اخْلَعْ زِيَادَ دَرِ آببار لطفًا بازار

او مزرعه را به وسیله آن رود به دو نیم تقسیم کرده است؛ همانا او رود را حفر کرده زیرا او بر من خشمگین (از دست من عصبانی) است. من چوبهای زیادی در انبار دارم؛ لطفًا

جِدَارًا خَفِيًّا تَيْنَا.»
 دیوار چوبی بین ما درست کن.»

ثُمَّ قَالَ لِلتَّجَارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَأَرْجِعُ نِسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى
 پس گفت تجار من می‌روم به بازار برمی‌گردم عسر هنگامی که برگشت حمید به

مَزْرَعَتِهِ نِسَاءً تَحْبِبُ كَرْدَ كَثِيرًا التَّجَارُ مَا مَزْرَعَتِش عَصِرَ تَحْبِبُ کرد زیاد تجار

سپس به تجار گفت: «من به بازار می‌روم و عسر برمی‌گردم.» هنگام عسر که حمید عسر به مزرعه‌اش برگشت بسیار تعجب کرد:

صَنَعَ جِدَارًا يَلْ صَنَعَ جَسْرًا عَلَى النَّهْرِ فَخَصِبَ حَمِيدٌ وَقَالَ لِلتَّجَارِ
 ساخت دیوار بلکه ساخت پل بر رود پس عصبانی شد حمید گفت به تجار

«مَاذَا فَعَلْتَ؟ لِمَ صَنَعْتَ جَسْرًا؟»
 چه کردی برای چه ساختی پل

تجار دیواری نساخت؛ بلکه پلی روی رود ساخت؛ حمید عصبانی شد و به تجار گفت: «چه کرده‌ای؟ چرا پلی ساختی؟»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَضَلَ سَعِيدٌ وَشَاهَدَ جَسْرًا فَخَصِبَ أَنْ حَمِيدًا أَمَرَ بِسَنَعَ
 در آن زمان رسید سعید و دید پل پس فکر کرد که حمید امر کرد به ساختن

الْجَسْرِ: فَعَبَّرَ الْجَسْرُ وَتَدَا بِالنَّكَاةِ وَتَبَّلَ أَخَاءُ وَ
 پل پس عبور کرد پل شروع کرد به گریه کردن و بوسید برادرش را

در این هنگام، سعید رسید و پلی را مشاهده کرد؛ پس گمان کرد که حمید دستور ساختن پل را داده است؛ پس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و

اعْتَذَرْتُ؟	فَهَبْ	حميد	إلى	التجار	و شكرت	وقال:	أنت	صيفي	لثلاثة أيام..
معذرت‌خواهی کرد	رفت	حمید	به سوی	تجار	از او تشکر کرد	گفت	تو	میهمان من	برای سه روز

معذرت‌خواهی کرد؛ حمید به طرف تجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز میهمان من هستی.»

اعْتَذَرْتُ	التجار	وقال:	«جسور»	كثيراً	باقية؛	عليّ	الذهاب	ليصنعها.
عذرخواهی کرد	تجار	گفت	پلهای	زیاد	باقی است	برای من	رفتن	برای ساختن آنها

تجار معذرت‌خواهی کرد و گفت: «پلهای زیادی باقی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم.»

إثنان	لا ينظر	الله	إليهما:	قاطع	الرحم	وجار	السوء.	الإمام	عليّ
دو چیز	نگاه نمی‌کند	خدا	به آن دو	قطع‌کنند	فامیل	همسایه	بد	امام	علی

دو چیز است که خداوند به آنها نگاه نمی‌کند؛ جداکننده فامیل و همسایه بد. امام علی (ع)

۳۲

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

۳۲

سؤال متن

با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست

نادرست

- ☐ ☒
- ☒ ☐
- ☒ ☐
- ☐ ☒
- ☐ ☒
- ☒ ☐

- ۱- «قالت زوجة حميد لزوجته سعيد: أخرجني من بيتنا.»
همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ما خارج شو.
- ۲- «صنع التجار جدراً خشبياً بين الأخوين.»
تجار دیواری چوبی بین دو برادر ساخت.
- ۳- «بقي التجار في بيت حميد لثلاثة أيام.»
تجار سه روز در خانه حمید ماند.
- ۴- «سعيد قسم المزرعة إلى نصفين.»
سعید مزرعه را به دو قسمت (نصف) تقسیم کرد.
- ۵- «ما ندم سعيد وما قيل أخاه.»
سعید پشیمان نشد و برادرش را نبوسید.
- ۶- «حميد أكثر من سعيد.»
حمید از سعید بزرگ‌تر است.

۳۲

فَعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فَعْلُ الْأَمْرِ ← «يا ولد، افعل»، «يا بنت، افعلي»



لم أنت وحيد؟ الغني مع زملائك.
چرا تو تنها هستی؟ با هم‌کلاسی‌هایت بازی کن.



لم أنت وحيد؟ أنت مع زملائك.
چرا تو تنها هستی؟ با هم‌کلاسی‌هایت بازی کن.

۳۸



۳۴

۲۹

فعل امر ۱

فعل امر: فعلی است که به کمک آن به کسی یا چیزی دستور می‌دهیم تا کاری انجام دهد.

نکته: فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود.

به الگوی زیر دقت کنید.

ضمیر	فعل مضارع	فعل امر
أَنْتَ	تُعَلِّمُ	إِنَّمَا
أَنْتِ	تُعَلِّمِينَ	إِنَّمَا

تفاوت فعل‌های مضارع و امر را کشف کنید.

به جدول زیر دقت کنید:

فعل مضارع (مذكر)	فعل امر (مذكر)	فعل مضارع (مؤنث)	فعل امر (مؤنث)
تُعَلِّمُ = بلند می‌شوی	إِنَّمَا = بلند شو	تُعَلِّمِينَ = بلند می‌شوید	إِنَّمَا = بلند شو
تُشْرِيبُ = می‌نوشی	إِنَّمَا = بنوش	تُشْرِيبِينَ = می‌نوشید	إِنَّمَا = بنوش
تُظَلِّبُ = می‌خواهی	أُظَلِّبُ = بخواب	تُظَلِّبِينَ = می‌خواهید	أُظَلِّبِي = بخواب

نکته ۱: با دقت در حرکت حرف وسط ریشه فعل مضارع متوجه «حرکت» همزه در فعل امر خواهیم شد.

نکته ۲: در فعل امر، حرکت آخر فعل تغییر می‌کند.

ترجمه کنید.

إِنَّمَا عَنْ الْفَتْحِ.	کلید را پیدا کن.	إِنَّمَا قُمْنَا.	گندم را درو کن.
إِنَّمَا عَلَّمَ إِيْرَانِ.	پرچم ایران را بلند کن.	إِنَّمَا إِلَى زَيْكِ.	به سوی پروردگارت باز گرد.
أُظَلِّبُ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین کارها را طلب کن.	أُظَلِّبُ أَمْرِي.	از مادرت تشکر کن.

الْتَمَرِيْنُ الْأَوَّلُ

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱- الفلاح يَعمَلُ في المَصْنَعِ وَ الْمُؤَلَّفُ يَعمَلُ في الإِدَارَةِ. کشاورز در کارگاه و کارمند در اداره کار می‌کند. ۲- رَفَقَ الْإِمَامُ الثَّالِثُ فِي مَدِيْنَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ. مرفق امام سوم در شهر مشهد در استان خراسان است. ۳- الْمُخْزَنُ مَكَانٌ تَجْمَعُ وَ تُحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءٌ مُخْتَلَفَةٌ. انبار مکانی است که در آن چیزهای مختلفی را قرار می‌دهیم و نگهداری می‌کنیم. ۴- يَمْدُ تَصَادُمَ سَيَّارَتَيْنِ يَأْتِي شَرْطِي الْمُرُورِ. بعد از تصادف دو ماشین پلیس راهنمایی و رانندگی می‌آید. ۵- الْجَنْتَرُ مَكَانٌ يَرَفَقُ فِيهِ الْمُعْرَضُ لِلْعِلَاجِ. پل مکانی است که در آن بیماران برای معالجه بستری می‌شوند.	درست ☒ ☐ ☒ ☐ ☒ ☐ ☒	نادرست ☐ ☒ ☐ ☒ ☐ ☐ ☒
--	---	--

۳۴

التَّمرينُ الثَّاني

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



زجاء، اَلَيْسَ مَعَنَا كُرَّةُ الْمُنْبَذَةِ.
لطفاً یا ما تنیس روی میز بازی کن.



زجاء، اَلَيْسَ مَعَنَا كُرَّةُ الْقَدَمِ.
لطفاً، یا ما فوتبال بازی کن.

۳۴

تیم (دوره اول متوسطه)

۳۵

التَّمرينُ الثَّالِثُ

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

- ۱- ﴿وَرَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (المؤمنون ۱۰۹) فعل امر: اغفر - إرحم
پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.
- ۲- ﴿...وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (الشعراء ۸۴) فعل امر: اجعل
در زیانم راستی برای دیگران قرار بده.
- ۳- ﴿وَرَبَّنَا آمَنَّا فَاثْبِتْنا عَمَ الشَّاهِدِينَ﴾ (المائدة ۸۳) فعل امر: اثبت
پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس.
- ۴- ﴿...وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران ۱۴۷) فعل امر: أنصر
و ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

۳۵

التَّمرينُ الرَّابِعُ

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صعاب / صالحات / راجمون / زوجه / چترین / تلمیذتان

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکثر
زوجه	چترین	تلمیذتان	راجمون	صالحات	صعاب

۳۶

التَّمرينُ الْخَامِسُ

ترجمه کنید.

- ۱- یا اُخْی، اِسْمِعْ کَلَامَ مُدَرِّسِنَا. برادرم، سخن معلممان را گوش کن.
- ۲- یا اُخْی، اِسْمَعْ مَسْتَقْبَلِکَ. خواهرم آیندهات را بساز.
- ۳- یا اُیُّهَا التَّلْمِیذُ، اَشْکُرْ رَبَّکَ. ای دانش‌آموز، پروردگارت را شکر کن.
- ۴- یا اُیُّهَا التَّلْمِیذَةُ، اَشْکُرِي رَبَّکَ. ای دانش‌آموز، پروردگارت را شکر کن.

۳۰

۳۸

۳۷

۳۶

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ

گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

۱- مَنْ فِي الْأَرْضِ يَزَحْمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ
به کسی که در زمین است رحم کن تا آنکه در آسمان است به تو رحم کند.

۲- الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا _____ لِمَجُورِ الشَّيَارَاتِ.
مهندسان پلی برای عبور ماشین ها ساختند.

۳- سَعِيدٌ _____ الْمَرْزُوقَةُ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ.
سعید با آن رود مزرعه را به دو نیم تقسیم کرد.

۴- عَجَزَ الْمَرِيضُ فِى _____ فِي الْمُسْتَشْفَى.
بیمار ناتوان شد پس در بیمارستان بستری شد.

۵- ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ _____ عَلَيْكَ.
به دوست ستم کردی پس او بر تو خشمگین شد.

۶- جَائِزًا يَغْتَلُ فِي _____ الْكَرَاسِيِّ.
همسایه ما در کارگاه صندلی سازی کار می کند.

الْتَمَرِينُ السَّابِقُ

کلمه های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جمال / تلمیذ / جندها / خزین / قُبْح / مخزون / لَمَّا / شَقَاوَة / طالب / سَعَادَة
جمال = قُبْح / تلمیذ = طالب / جندها = لَمَّا / خزین = مخزون / سعادَت = شَقَاوَة
زیبایی = زشتی / دانش آموز / هنگامی که / غمگین / خوشبختی = بدبختی

كَلِمَاتُ الْجُمْلَةِ

گنج دانش

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- اَعْلَمُ أَنَّ التَّضَرُّعَ الْعُظْمَى.
بدان که پیروزی همراه با شکست است.

۲- لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ.
کسی که از مردم تشکر نمی کند خدا را شکر نمی کند.

۳- أَجْزَلُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنْ اِثْتِسَابِ الْإِخْوَانِ.
عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران (دوستان) عاجز باشد.

۴- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.
هنگامی که بر دشمنت قدرت یافتی؛ پس بخشش را شکری بر قدرت علیه او قرار بده.

۵- اَلْعِلْمُ وَالْحَالُ يَنْشُرَانِ كُلَّ غَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِيَانِ كُلَّ عَيْبٍ.
علم و ثروت هر عیبی را می پوشانند و نادانی و فقر هر عیبی را نمایان می کنند.

فَعَالِيَتُ

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

اَلْإِسْبَامَةُ (لبخند)
قَالَتْ الْوَالِدَةُ لِطِفْلَتِهَا:
مادر به دختر کوچکش گفت:

لجیم (دوره اول: متوسطه)

إذْهَبِي إِلَى سَاحَةِ الْمَنْزِلِ وَأَنْظُرِي هَلِ السَّمَاءُ صَافِيَةٌ أَمْ سَحَابِيَّةٌ؟
به حیاط خانه برو و ببین آسمان صاف است یا ابری؟
ذَهَبْتُ الْظُّفْلَةَ ثُمَّ رَجَعْتُ وَقَالَتُ:
کودک رفت، سپس برگشت و گفت:
«أسَفَةٌ يَا وَالِدَتِي، لِأَنِّي مَا قَدَرْتُ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى السَّمَاءِ لِأَنَّ الْمَطَرَ كَانَ شَدِيدًا.»
متأسفم مادر چون من نتوانستم به آسمان نگاه کنم آخر باران شدید بود.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)
(الف) صَنَعَ التَّجَارَازَ جِسْرًا خَشِيبًا بَيْنَ الْأَخْوِيَيْنِ.
(ب) أَظْلُبُ خَيْرَ الْأُمُورِ.
(ج) الْمُؤْتَظَفُ يُمَثِّلُ فِي الْإِدَارَةِ.
۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)
(الف) أَنْصُرْنَا عَلَى قَوْمِ الْكَافِرِينَ. ما را بر قوم کافران
(ب) الْمَعْلَمُ وَالْمَالُ يَنْتَرَانِ كُلُّ عَيْبٍ. دانش و پول هر عیبی را
(ج) أَنْتَ صَبِيٌّ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. تو به مدّت روز میهمان من هستی.
۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)
(الف) يَسْتَمِعُ: می شنوی ☐ می شنود ☐
(ب) إِغْلَى: بدان ☐ می دانی ☐

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)
(الف) أَفَرَحِمِيذُ يَصْنَعُ الْجِسْرَ.
(ب) التَّجَارَازُ مَا صَنَعَ جِدَارًا.
(ج) يَا أَخِي، أَشْكُزُوكَ.
(د) يَا أَبْنَاهُ التَّلْمِيذُ، اِسْمَعْ كَلَامَ مَدْرَسِنَا.
۵- جدول زیر را کامل کنید. (۱)

«ستارین - آتام - سوق - مؤظفون»

مفرد مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مکثر
-----------	------------	---------------	----------

۶- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱)
(الف) رَجَاءٌ: تمنّا کثرة القدم.
(ب) الْفَلَاحُ يَمَثِّلُ فِي: الإِدارَةِ ☐ الْعَمَلِ ☐
۷- کلمات مترادف و متضاد را با (= ، ≠) مشخص کنید. (۱)
(الف) كَلِمَاتٌ مُتَرَادِفٌ وَمُتَضَادٌّ رَأً بِأَ (= ، ≠) مشخص کنید. (۱)
(ب) اِسْمَعْ كَلَامَ مَدْرَسِنَا (لَسْتُ / عِنْدَمَا) (شقاوة / سعادة)
۸- در جملات زیر فعل‌های امر را بنویسید و آن‌ها را معنی کنید. (۱)
(الف) اِسْمَعْ أَنْ تَلْعَنَ مَعَ الْعَشِيرِ.
(ب) اِجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ.

۳۳

یاسخ آروشیایی مستمر

- ۱ الف یل (۵/۵) ب طلب کن (۵/۵) ج کارمند (۵/۵) ۲ الف پیروزگردان (۵/۵) ب می‌یوشانند (۵/۵) سه (۵/۵)
 ۳ الف می‌شنود (۵/۵) ب بدان (۵/۵) ۴ الف حمید دستور به ساختن یل داد. (۵/۵) ب نجر دیواری نساخت. (۵/۵)
 ج، برادرم: پروردگارت را شکر کن. (۵/۵) د ای دانش‌آموز: سخن معلم را گوش کن. (۵/۵) ۵ (هر مورد ۲۵/۵)

مفرد مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مکثر
سوق	سُوقَاتِینَ	مُوظَّفُونَ	أَیَّام

۶ الف اَلْعَبَّ (۵/۵) ب المزرعة (۵/۵) ۷ لَمَّا = عندما (۵/۵) شَقَاوَةٌ = سعادة (۵/۵) ۸ الف اِغْلَمَ = بدان (۵/۵)
 ب اِجْعَل = قرار بده (۵/۵)

۴ الدَّعْوَةُ الصَّبْرُ وَمِفْتَاحُ الْفَرَجِ: صبر کلید گشایش است.

وقعت	هذه	الحكاية	قبل	أزیمین	سنة	في	يلاد	ذهب	اثنا عشر	طالبا	من	طلّاب
افتاد	این	حکایت	قبل	چهل	سال	در	کشور	رفت	دوازده	دانشجو	از	دانشجویان

الجامعة	مع	أستاذهم	إلى	سفرة	علمية
دانشگاه	با	استادشان	به	سفر	علمی

این حکایت چهل سال قبل در کشوری اتفاق افتاد؛ دوازده دانشجو از دانشجویان دانشگاه به همراه استادشان به سفری علمی

لتهية	أبحاث	عن	الأسماء	كانت	مياه	البحر	هادئة	فجأة	ظهر	سحاب	في
برای تهیه	پژوهش‌ها	درباره	ماهی‌ها	بود	آب‌ها	دریا	آرام	ناگهان	آشکار شد	ابر	در

السماء	ثم	عصف	رياح	شديدة	وصار
آسمان	سپس	وزید	باد	شدید	و گشت

برای تهیه پژوهش‌هایی درباره ماهی‌ها رفتند. آب‌های دریا آرام بود، ناگهان ابری در آسمان آشکار شد پس باد شدیدی وزید و دریا موج شد.

البحر	مواجاً.	فأصابته	سفينة	ضخمة	فخافوا
دریا	مواج	پس برخورد کرد	کشتی آنها	صخره	پس ترسیدند

السفينة	انكسرت	قليلاً	ولكنها
کشتی	شکست	اندکی	اما

پس کشتی آنها به صخره‌ای برخورد کرد؛ پس ترسیدند؛ کشتی اندکی ترک برداشت اما غرق نشد.

ما غرق؛	عندما	وصلوا	إلى	جزيرة	مجهولة،	فرحوا	كثيراً	وشكروا	ربهم
غرق نشد	هنگامی که	رسیدند	به	جزیره	ناشناخته	خوشحال شدند	زیاد	و شکر کردند	پروردگارشان

ونزلوا	فيها	مضى	يوماً	فما وجدوا	أخذاً في
پیاده شدند	در آن	گذرانیدند	دوروز	نیافتند	کسی را

هنگامی که به یک جزیره ناشناخته رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آنجا پیاده شدند؛ دو روز را در آنجا گذرانیدند پس کسی را در

الجزيرة	وما جاء	أخذ	لنجائهم	قال	لهم	الأستاذ	«يا شباب	عليكم	بالمحاولة.
جزیره	نیامد	کسی	برای نجات آنها	گفت	به آنها	استاد	ای جوانان	بر شما	تلاش کردن

اشتهوا	کلامی	واعتلوا	به	کَنَانَهُ	ماخَذَتْ
بشنوید	سخنم را	انجام دهید	به آن	مثل اینکه	اتفاقی رخ نداد.

جزیره نیافتند و کسی برای نجات آنها نیامد؛ استاد به آنها گفت: «ای جوانان شما باید تلاش کنید. سخنم را گوش کنید و به آن عمل کنید، مثل اینکه هیچ اتفاقی رخ نداده است.

عَمِيءٌ.	عَلَيْكُمْ	بِمُواصَلَةٍ	أَبْحَاثُكُمْ.
یا چیزی	بر شما	به ادامه دادن	پژوهستان

باید پژوهستان را ادامه دهید.»

ثُمَّ	قَسَمَهُمْ	إِلَى	أَرْبَعَةِ	أَفْرَقَةٍ	وَقَالَ	لِلْفَرِيقِ	الأَوَّلِ:	«يَا غُلَّابُ،	الْإِخْتِارُ	عَنْ:
پس	تقسیم کرد آنها را	به	چهار	تیمها	و گفت	به تیم	اول	دانشجویان پسر	جست و جو کنید	درباره

صَيِّدٍ	و	اِخْتَمَرُوا	الْخُطْبَ.
شکار		و جمع کنید	هیزم

پس آنها را به چهار گروه (تیم) تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان (پسر) به دنبال شکاری بگردید و هیزم جمع کنید.»

وَقَالَ	لِلْفَرِيقِ	الثَّانِي:	«يَا	طَالِيانَ،	إِجْلِبَا	بِقَضَى	الأَشْيَاءِ	الضَّرُورِيَّةِ	مِنْ	الشَّيْئَةِ.
گفت	به گروه	دوم	ای	دو دانشجوی پسر	بردارید	بعضی	چیزها	ضروری	از	کشتی

و به گروه دوم گفت: «ای دو دانشجو (پسر) بعضی از چیزهای ضروری را از کشتی بردارید.»

وَقَالَ	لِلْفَرِيقِ	الثَّالِثِ:	«يَا	طَالِيانِ،	أُظْهِرْ	لَنَا	طَعَاماً.
گفت	به گروه	سوم	ای	دانشجویان دختر	نیزد	برای ما	غذا

و به گروه سوم گفت: «ای دانشجویان دختر برایمان غذا ببزید.»

وَقَالَ	لِلْفَرِيقِ	الرَّابِعِ:	«يَا	طَالِيانِ،	إِخْشَا	عَنْ	مَوَادِّ	غِذَائِيَّةٍ.
گفت	به گروه	چهارم	ای	دو دانشجوی دختر	جست و جو کنید	از	مواد	غذایی

و به گروه چهارم گفت: «ای دو دانشجو (دختر) به دنبال مواد غذایی بگردید.»

ثُمَّ	قَالَ	لِلْجَمْعِ:	اضْبِرُوا:	إِنَّ	اللَّهَ	مَعَ	الصَّابِرِينَ	مَعْنَى	أَشْيَوْعُ.	فِي	يَوْمٍ	مِنْ	الْأَيَّامِ
پس	گفت	به همگی	صبر کنید	همانا	خدا	با	صبرکنندگان	گذشت	یک هفته	در	روزی	از	روزها

تَزَلَّ	مَطَرٌ	شَدِيدٌ	وَأَصَابَتْ	صَاعِقَةٌ
نازل شد	باران	شدید	برخورد کرد	رعد و برق

سپس به همگی گفت: «صبر کنید؛ قطعاً خدا با صبرکنندگان است.» یک هفته گذشت. در روزی از روزها، باران شدیدی بارید و رعد و برق

سَفَيْتَهُمْ	فَاخْتَرَتْ.	قَالَ	الْغُلَّابُ:	«لَا رَجَاءَ	لِنَجَاتِنَا.	فَقَرَأَ	الْأَسَاطُ	هَذِهِ	الْآيَةُ	يَا أَيُّهَا
کشتی آنها	سوخت	گفت	دانشجویان	امیدی نیست	به نجات ما	پس خواند	استاد	این	آیه	ای

الَّذِينَ	آمَنُوا	اضْبِرُوا
کسانی که	ایمان آورده‌اید	صبر کنید

به کشتی آنها برخورد کرد و کشتی سوخت. دانشجویان گفتند: «هیچ امیدی به نجات ما نیست.» پس استاد این آیه را خواند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر پیشه کنید.»

حَرْنُ	الطَّلَابُ	وَقَالُوا:	«نَحْنُ بِنَا	سَفِينَتَنَا»	وَيَعْبُدُ	أَدَاءَ	الصَّلَاةِ	وَالدُّعَاءِ	صَرَخَ	أَحَدُهُمْ	بِقَهْةٍ:
--------	------------	------------	---------------	---------------	------------	---------	------------	--------------	--------	------------	-----------

ناراحت شد دانشجویان گفتند: «کشتی ما را از دست دادیم. کشتی ما را بعد خواندن نماز دعا فریاد زد. یکی از آنها ناگهان دانشجویان ناراحت شدند و گفتند: «کشتی ما را از دست دادیم.» و بعد از ادای نماز و دعا ناگهان یکی از آنها فریاد زد:

حَرْنُ	الطَّلَابُ	وَقَالُوا:	«نَحْنُ بِنَا	سَفِينَتَنَا»	وَيَعْبُدُ	أَدَاءَ	الصَّلَاةِ	وَالدُّعَاءِ	صَرَخَ	أَحَدُهُمْ	بِقَهْةٍ:
--------	------------	------------	---------------	---------------	------------	---------	------------	--------------	--------	------------	-----------

«ای هم کلاسی‌های من (پسر) نگاه کنید. ای هم کلاسی‌های من (دختر) نگاه کنید. آن کشتی به ما نزدیک می‌شود.»

السَّفِينَةُ	الْحَرَبِيَّةُ	اِقْتَرَبَتْ	مِنْهُمْ	وَنَزَلَ	مِنْهَا	جُنُودٌ	فَرَحَ	الطَّلَابُ	وَسَأَلُوا	الْجُنُودَ:	«كَيْفَ
--------------	----------------	--------------	----------	----------	---------	---------	--------	------------	------------	-------------	---------

کشتی جنگی نزدیک شد به آنها پیاده شد از آن سربازان خوشحال شد دانشجویان پرسیدند سربازان چگونه

وَجَدْتُمْ	مَكَانَنَا؟	أَجَابَ	الْجُنُودُ:
------------	-------------	---------	-------------

یافتید جای ما جواب داد سربازان

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازانی از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند: «چگونه جای ما را پیدا کردید؟» سربازان جواب دادند:

«رَأَيْنَا	دُخَانًا	مِنْ	يَعْمَلُ	فَأَتَيْنَا	وَأَشْهَدْنَاكُمْ»
------------	----------	------	----------	-------------	--------------------

دیدیم دودی از دور آمدیم مشاهده کردیم شما را

«دودی را از دور دیدیم. پس آمدیم و شما را مشاهده کردیم.»

سؤال متن

با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

☒ ☐

۱- دَخَبَ الطَّلَابُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِنَهْيَةِ أَنْحَاثِ عَنِ الْبَاتَاتِ.

دانشجویان برای تهیه پژوهش درباره گیاهان به این سفر رفتند.

☐ ☒

۲- مَا وَجَدَ الطَّلَابُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.

دانشجویان انسانی غیر از خودشان در جزیره نیافتند.

☒ ☐

۳- «عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ».

ده دانشجو در سفر علمی بودند.

☐ ☒

۴- كَانَتْ مِاءُ الْبَحْرِ هَادِئَةً فِي الْبِدَايَةِ.

در ابتدا آب دریا آرام بود.

☒ ☐

۵- وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سِتِّينَ.

این حکایت دو سال قبل اتفاق افتاد.

فِعْلُ الْأَمْرِ (۲)

فِعْلُ الْأَمْرِ (۲) ← (یا أَوْلَادُ، اِفْعَلُوا)، (یا بَنَاتُ، اِفْعَلْنَ)، (یا وَلَدَانِ، اِفْعَلَا)، (یا بَنَاتِی، اِفْعَلُوا)



رَجَاءُ، اِجْلِسْ هُنَاكَ.
لطفاً اینجا بنشینید.



رَجَاءُ، انْزِلُوا مِنَ الْحَافِلَةِ
لطفاً از اتوبوس پیاده شوید.



اِیْحَا عَنْ الْجَوَابِ فِی الْکِتَابِ.
جواب را در کتاب جستجو کنید.



اِیْحَا عَنْ الْجَوَابِ فِی الْکِتَابِ.
جواب را در کتاب جستجو کنید.

۴۲

نهم (دوره اول متوسطه)



فعل امر ۳

همان طور که در درس گذشته با فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث آشنا شدیم، در این درس با فعل امر مثنی و جمع آشنا خواهیم شد.
به الگوی زیر دقت کنید:

فعل امر	فعل مضارع	ضمیمه
اِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	اَنْتُمَا
اِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	اَنْتُمْ
اِفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	اَنْتُنَّ

تفاوت فعل های مضارع و امر را کشف کنید.

فعل مضارع (مذكر)	فعل امر (مذكر)	فعل مضارع (مؤنث)	فعل امر (مؤنث)
تَهْضَبَانِ = بلند می شوید	اِهْضَبَا = بلند شوید	تَهْضَبَانِ = بلند می شوید	اِهْضَبَا = بلند شوید
تَكْتُوبُونَ = می نوشید	اَكْتُبُوا = بنویسید	تَكْتُوبُونَ = می نوشید	اَكْتُبُوا = بنویسید
تَقْرَأُونَ = می خواهید	اقْرَأُوا = بخوانید	تَقْرَأُونَ = می خواهید	اقْرَأُوا = بخوانید

نکته: با دقت در فعل های جمع مؤنث متوجه می شوید که آخر فعل در امر تغییر نمی کند.

۴۶

ترجمه کنید.

اَقْبِلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.	سخن حق را بپذیر.	اَوْصِي صَوْرَةَ الشَّهِيدِ.	عکس شهید را رسم کن.
اَغْسِلَا اَيْدِيَكُمَا قَبْلَ الْغَدَاءِ.	دستانتان را قبل از غذا بشوید.	اَسْجِدَا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	برای خداوند، پروردگار جهانیان سجده کنید.
﴿ذَكِّرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾	نعمت خداوند بر شما را یاد کنید.	اُفْرِنْ مِنْ جَلِيسَاتِ الشُّوْءِ.	از همنشینان بد دوری کنید.

۴۴

۳۷

التمرين الأول

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- ۱- بلادٌ كبيرةٌ جداً في شرق آسيا. کشور بسیار بزرگ در شرق آسیا. الصين: چین.
- ۲- اِدامةُ العمل والاستمرارُ عليه. ادامه کار و استمرار آن. مواصلة: ادامه دادن
- ۳- شيءٌ ضروريٌ للحياة نُشرُّهُ ولا لَوْنٌ له. برای زندگی ضروری است و هیچ رنگی ندارد. ماء: آب.
- ۴- يَدْرُسُ فيها الأستاذُ ويَخْرُجُ منها الطلابُ. استاد در آنجا درس می دهد و دانشجویان از آن فارغ التحصیل می شوند. جامعة: دانشگاه
- ۵- الذين وصلوا إلى سن البلوغ وليس أطفالاً. کسانی که به سن بلوغ رسیدند و بچه نیستند. شباب: جوانان
- ۶- مجموعةٌ من الرياضيين أو جماعةٌ من الزملاء في العمل. مجموعه ای از ورزشکاران یا مجموعه ای از هم کلاسی ها در کار. فريق: تیم.

۴۴

التمرين الثاني

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صديقتي، رجاءاً أخرجيني من المكتبة.

ای دوستان من، لطفاً از کتابخانه خارج شوید.



يا أصدقائي، رجاءاً، أخرجوا من الصف.

ای دوستان من، لطفاً از کلاس خارج شوید.



يا صديقان، اكتبيا جواب السؤالين.

ای دو دوست، جواب این دو سؤال را بنویسید.



يا صديقان، احملا هذه المتصدة.

ای دو دوست، این میز را بردارید.

۳۷

التمرین الثالث

۴۵

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

۱- ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ (القصص ۱۶) فعل امر: اغفر

۲- قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ ﴿إِذْخَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ (طه ۴۳) فعل امر: اذخبا

خداوند به موسی و هارون گفت (به سوی فرعون بروید)

۳- ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (المؤمنون ۱۱۸) فعل امر: اغفر - ارحم

پروردگارا بیامرز و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی.

۴- ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾ فعل امر: اسجدوا

و هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید پس سجده کردند.

۵- ﴿...إِغْتَابُوا صَالِحًا إِنَّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (المؤمنون ۵۱) فعل امر: اغتلبوا

عمل صالح انجام دهید همانا من به آنچه انجام می دهید دانا هستم.

۴۵

بهم (دوره) قبل متوسطه

التمرین الرابع

۴۶

جمله های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يَا ظُلَّالِب، أَنْظُرُوا إِلَىٰ نُزُولِ الْمَطَرِ.	ای دانش آموزان به نزول باران	چون در زبان فارسی جمع مذکر و
يَا طَالِبَاتِ، أَنْظُرْنَ إِلَىٰ نُزُولِ الْمَطَرِ.	نگاه کنید.	جمع مؤنث وجود ندارد.
يَا طَالِبَانِ، الْبَسَا مَلَابِيسَ مُنَاسِبَةً.	ای دانش آموزان لباس های	چون در زبان فارسی مثنی مذکر
يَا طَالِبَتَانِ، الْبَسَا مَلَابِيسَ مُنَاسِبَةً.	مناسب بپوشید.	و مثنی مؤنث وجود ندارد.

دانش آموزان عزیز، برای مطالعه آزمون پایانی دی ماه به انتهای کتاب قسمت آزمون پایانی مراجعه کنید.

التمرین الخامس

۴۶

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- ۱- قاطع الزجم جداکننده فامیل
۲- الْمُوَاصَلَة ادامه دادن
۳- الْجَامِعَة دانشگاه
۴- الْحَقِطْ هیزم
۵- الدُّخَانُ رود
۶- الْفَرْجُ گشایش
- مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَدَرَّسُ فِيهِ.
محل تحصیلات عالی بعد از مدرسه.
هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِبَارَةِ أَقْرَبَائِهِ.
کسی که به دیدار نزدیکانش نمی رود.
الشَّيْءُ الَّذِي يَضَعُهُ مِنَ النَّارِ.
چیزی که از آتش بالا می رود.
أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِإِخْتِرَاقِ فِي النَّارِ.
چوب های مناسب برای آتش زدن
حَلُّ الصَّعَابِ وَالْمُشْكَلَاتِ.
حل سختی ها و مشکلات

دوره پایانی

۳۸

۴۷

تَنْزِ الْجُحْمَةِ

پخوانید و ترجمه کنید.

۱- لَا عَمَلَ كَالْحَقِيقِ.

هیچ کاری مانند تحقیق کردن نیست.

۲- أَلْعِلْمُ أَضَلُّ كُلَّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ.

اصل هر خوبی علم و اصل هر بدی نادانی است.

۳- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

علم را طلب کنید اگرچه در چین باشد زیرا طلب علم واجب است.

۴- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ.

خیر دنیا و آخرت در علم و شر دنیا و آخرت در نادانی است.

۵- لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَغْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الْقَرَى وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَتَرَفَّعُ خَيْرَ الْقَرَى.

عاقل کسی نیست که خیر را از شر بازشناسد بلکه عاقل کسی است که خیر دو (چیز) شر را دریابد.

۴۸

تحقیق

با استفاده از نرم افزار قرآن سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ رج» و «ذ ه ب» است بیابید.

سورة بقره ← آیات ۷۵-۱۷-۲۳

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) نَضَى أَسِيرٌ.

ب) كَانَتْ مِاءُ الْبَيْتِ هَادِئَةً فِي الْبِدَايَةِ.

ج) يَا صَدِيقَانِ، إِخْمِلَاهُمَا الْمُنْضَدَةَ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي.

ب) الْخَطْبُ أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلْإِحْتِرَاقِ.

ج) رَجَاءُ انْزِلُوا مِنَ الْحَافِلَةِ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) تَرْخَمُونَ:

زخم می‌کنید

زخم می‌کنند

ب) اَشْكُرُوا:

تشکر کردند

تشکر کنید

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

(الف) عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةً وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا.

(ب) رَأَيْتُ دُخَانًا مِنْ بُعِيدٍ.

(ج) يَا طَالِبَاتُ، أَطْلُبُخُنَ لَنَا طَعَامًا.

(د) قَقَدْنَا سَفِينَتِنَا.

۵- در جملات زیر فعل‌های امر را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۱)

(الف) اِبْحِلُوا عَنْ صَيْدٍ وَاجْتَمِعُوا الْخَطْبَ.

(ب) اِسْمَعْنَ كَلَامِي وَاعْمَلْنَ بِهِ.

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

فعل مضارع	معنی	فعل أمر	معنی
تَغِيلَانِ			
تَضَعْدَنَ			

۷- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱/۵)

(الف) مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ.

(ب) خَلَّ الصَّبَابُ وَالْمَشْكَلَاتِ.

(ج) هُوَ الَّذِي لَا يَذْمُبُ لِرَبِّهِ أَقْرَبَانِيهِ.

- ☐ الجامعة ☐ المواصله
☐ الفجر ☐ قاطع الزحم
☐ الضيق ☐ صديق

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ (الف) هفته (ب) آرام (ج) حمل کنید (د) ۲ (الف) ظلم کردم (ب) هیزم (ج) پیاده شوید (د)
 ۳ (الف) رحم کنید (ب) تشکر کنید (د) ۴ (الف) باد شدیدی وزید و دریا طوفانی شد. (ب) دودی از دور مشاهده کردم. (ج) ای دانش‌آموزان برای ما غذا ببزید. (د) کشتی‌مان را گم کردیم. (ب) ۵ (الف) اِبْحِلُوا = جست‌وجو کنید، اِجْمَعُوا = جمع کنید. (هر مورد ۰/۲۵) (ب) اِسْمَعْنَ = بشنوید، اِعْمَلْنَ = انجام دهید. (هر مورد ۰/۲۵) ۶ (هر مورد ۰/۲۵)

فعل مضارع	معنی	فعل أمر	معنی
تَغِيلَانِ	می‌شوید	اِغْسِلَا	بشوید
تَضَعْدَنَ	بالا می‌روید	اِصْعَدْنَ	بالا بروید

۷ الجامعة (ب) الفجر (ج) قاطع الزحم (د)

الْحَيَوَانَاتُ الرَّجَاءُ: اميد

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنْ الْخَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ الْأَسَدِ وَ الثَّغْلَبِ وَ الذَّنَبِ وَ الْغَزَالَةِ وَ الْكَلْبِ	بود مجموعه‌ای از حیوانات در جنگلی شیر و روباه و گرگ و آهو و سگ و
---	--

مجموعه‌ای از حیوانات در جنگلی بودند: شیر و روباه و گرگ و آهو و سگ و...

فِي نِيَمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سَيْفٌ صَيَّادِينَ وَ خَفَرُوا خُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا	در روزی از روزها آمد شش شکارچی و خفر کردند چاله‌ای عمیق سپس پنهان کردند آن را
--	---

لِصَيْدِ الْخَيَوَانَاتِ وَ بَيْمِهَا	لِخَدِيقَةِ الْخَيَوَانَاتِ
برای شکار حیوانات	برای فروش آنها

در روزی از روزها شش شکارچی آمدند و چاله عمیقی حفر کردند (کنندند) سپس آن را برای شکار حیوانات و فروش آنها به باغ وحش پوشاندند (پنهان کردند).

وَقَعَ ثَمَلٌ وَ غَزَالَةٌ فِي الْخُفْرَةِ بَغْتَةً فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً لَكِنَّ الْخَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنْهَلْنَ	افتاد ثعلب و غزاله در چاله ناگهان طلب کردند کمک اما حیوانات فرار کردند زیرا آنها
---	--

سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ	شنیدند از دور صداهای شکارچیان
--	-------------------------------

ناگهان روباهی و آهوئی در چاله افتادند؛ کمک خواستند؛ اما حیوانات فرار کردند زیرا آنها از دور صداهای شکارچیان را شنیدند.

حَاوَلَ الثَّغْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ	تلاش کرد روباه و آهو برای نجات
---	--------------------------------

روباه و آهو برای نجات تلاش کردند.

بَعْدَ دَقَائِقٍ:	بعد چند دقیقه
-------------------	---------------

بعد از چند دقیقه:

قَالَتْ خَمَامَةٌ لِلثَّغْلَبِ «لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَضَعْدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.»	گفت کبوتر به روباه نیست فایده برای تلاش کردن بالا نیا تو نمی‌توانی به راستی که مجروح کردی بدنت را
--	---

کبوتری به روباه گفت: «تلاش کردن هیچ فایده‌ای ندارد، بالا نیا. تو نمی‌توانی. به راستی خودت را مجروح کردی.»

وَقَالَ كَلْبٌ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَضَعْدِي. أَنْتَ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.»	گفت سگی به آهو نیست امیدی به نجات تو بالا نیا تو نمی‌توانی به راستی که مجروح کردی بدنت را
---	---

سگی به آهو گفت: «هیچ امیدی به نجات تو نیست، بالا نیا. تو نمی‌توانی. همانا که خودت را مجروح کردی.»

حَاوَلَ الثَّغْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بَدُونِ فَائِدَةٍ	تلاش کرد روباه و آهو خروج بار دیگر اما بدون فایده
---	---

وَبَقِيَ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّغْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا	نا امید شد آهو و باقی ماند در جایش اما روباه تلاش کرد فراوان
---	--

آهو ناامید شد و درجایش باقی ماند اما روباه بسیار تلاش کرد.

قَالَ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟» إِبِلٌ مَصِيرُكَ؛

گفت به او کبوتر تو نمی‌توانی چرا تلاش می‌کنی؟ قبول کن سرنوشت را
کبوتر به او گفت: «تو نمی‌توانی، چرا تلاش می‌کنی؟ سرنوشت را قبول کن.

لَكِنَّ الثَّمَلَبَ خَرَجَ مِنْ الْخَفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدُودُ وَقَالَ:
اما روباه خارج شد از چاله در آن وقت رسید هُدهُد و گفت

اما روباه از چاله خارج شد، در آن هنگام هُدهُد رسید و گفت:

«أَنَا أَغْرِفُ هَذَا الثَّمَلَبَ هُوَ ثَمَلٌ الشَّيْءُ هُوَ ظَلَمٌ أَنْ الْحَمَامَةَ تُشَيِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»

من می‌شناسم این روباه او سنگین گوش او گمان کرد که کبوتر تشویق می‌کند او را به خارج شدن
«من این روباه را می‌شناسم او کم‌شنو است. او گمان کرده که کبوتر برای خارج شدن او را تشویق می‌کند.»

قَالَتِ الْخَيَوَانَةُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»

گفت حیوانات ما ظلم کردیم اهو بر ما کمک به او
حیوانات گفتند: «ما به اهو ظلم کردیم، کمک کردن به او بر ما واجب است.»

قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أَفْرَجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ. لَا تَيْأَسِي.»

گفت کبوتر به اهو خارج شو تو می‌توانی به راحتی خارج شوی. نا امید نشو.
کبوتر به اهو گفت: «خارج شو، تو می‌توانی به راحتی خارج شوی. نا امید نشو.»

حَاوَلَتْ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَفَرِحَتْ الْخَيَوَانَةُ.

تلاش کرد اهو خارج شدن بار دیگر خارج شد خوشحال شد حیوانات
اهو بار دیگر تلاش کرد و خارج شد و حیوانات خوشحال شدند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «مَنْ ظَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَجَدَ.»

گفت پیامبر خدا کسی که طلب کند با چیزی را و تلاش کند می‌یابد.
کسی که چیزی را طلب کند و تلاش کند به دست می‌آورد. رسول الله (ص)

سؤال متن

با توجه به متن درس گزینه‌ی درست و نادرست را معلوم کنید.

۵۲

درست نادرست

☒
☐

۱- شَجَعَتِ الْخَيَوَانَةُ الثَّمَلَبَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنَ الْخَفْرَةِ.

حیوانات روباه را برای خروج از چاله تشویق کردند.

☐
☒

۲- قَبِلَتِ الْغَزَالَةُ مَصِيرَهَا فِي الْبِدَايَةِ.

اهو از ابتدا سرنوشتش را قبول کرد.

☒
☐

۳- مَا سَرَّ الْعَصِيَادُونَ الْخَفْرَةَ فِي الْغَايَةِ.

شکارچیان چاله را در جنگل نبوشاندند (پنهان نکردند)

☒
☐

۴- كَانَتِ الْخَفْرَةُ قَلِيلَةً الْعُمِقِ.

چاله کم‌عمق بود.

☒
☐

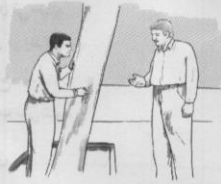
۵- أَرَبَعَةُ صَيَادِينَ كَانُوا فِي الْغَايَةِ.

چهار شکارچی در جنگل بودند.

۵۲

فَعْلُ النَّهْيِ (۱)

فَعْلُ النَّهْيِ (۱) ← (يَا وَلَدُ، لَا تَفْعَلْ)، (يَا بَنْتُ، لَا تَفْعَلِي)



لَا تَكْتُبِ شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.
روی درخت چیزی ننویس.



لَا تَكُنْتِ شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.
روی درخت چیزی ننویس.



فعل نهی ۱

فعل نهی: فعلی است که به کمک آن به کسی یا چیزی دستور می‌دهیم تا کاری را انجام ندهد.

نکته: فعل نهی از مضارع ساخته می‌شود.

به الگوی زیر دقت کنید:

أَنْتَ	تَفْعَلْ	لَا تَفْعَلْ
أَنْتِ	تَفْعَلِينَ	لَا تَفْعَلِينَ

تفاوت فعل‌های مضارع منفی و نهی را کشف کنید.

به الگوی زیر دقت کنید.

فعل منفی	فعل نهی
لَا تَخْزَنُ: غمگین نمی‌شوی	لَا تَخْزَنِي: غمگین نشو
لَا تَشْرِبُ: نمی‌نوشی	لَا تَشْرِبِي: ننوش

نکته: با دقت در آخر فعل مضارع منفی و نهی متوجه می‌شویم که آخر فعل نهی تغییر می‌کند، در حالی که آخر فعل مضارع منفی بدون تغییر باقی می‌ماند.

ترجمه کنید.

لَا تَيْأَسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.	از رحمت خداوند ناامید نشو.
لَا تَشْرَبِي شَيْئاً حَارًّا.	چای داغ را ننوش.

۵۴

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱- مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَيُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٌ مُخْتَلِفَةً.

خَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ

جایی که مردم به آنجا می‌روند و در آنجا حیوانات مختلفی را مشاهده می‌کنند.

باغ وحش

۲- السَّعْيُ وَالْإِجْتِهَادُ وَمُواصَلَةُ الْعَمَلِ لِلتَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.

مُحَازَلَةٌ

سعی و تلاش و ادامه دادن کار برای موفقیت در زندگی.

تلاش کردن

۳- حیوانٌ یخزُّسُ أموالَ الناسِ.

حیوانی که از اموال مردم محافظت می کند.

۴- عاقِبَةُ الإنسانِ فی حیاتیهِ.

عاقبت انسان در زندگی اش.

۵- الَّذِی لَا یَسْمَعُ جِدِّدًا.

کسی که خوب نمی شنود.

کَلْبٌ

سگ

مَضِیْرٌ

سرنوشت

ثَقِیلُ السَّمْعِ

کم شنوا

۵۴

التمرین الثاني

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



یا حبیبی، لا تَجْعَلِ حَقِیقَتِکَ هُنَا.

ای دوست من، کیفیت را اینجا قرار نده.



یا حبیبی، لا تَجْعَلْ حَقِیقَتِکَ هُنَا.

ای دوست من، کیفیت را اینجا قرار نده.

۵۵

التمرین الثالث

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل های امرو نهی را معلوم کنید.

۱- «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ».

هنگامی که عصبانی شدی پس سکوت کن.

۲- ﴿لَا تَخْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

اندوهگین مباش قطعاً خدا با ماست.

۳- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

پروردگارا ما را همراه قوم ستمکاران قرار نده.

۴- «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا».

برای دنیایت کار کن گویی که تو تا ابد زندگی می کنی و برای آخرت کار کن گویی که فردا می میری.

أُسْكُتْ: فعل امر

لَا تَخْزَنْ: فعل نهی

لَا تَجْعَلْنَا: فعل نهی

اعْمَلْ: فعل امر

۵۶

التمرین الرابع

ترجمه کنید.

۱- اِزْوَاجٌ صَدَاقَةٌ وَ لَا تَزْوَاجٌ عَدَاوَةٌ.

دوستی بکار و دشمنی نکار.

۲- أَسْكُنِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَضْرُخِي.

ای کودک ساکت شو و فریاد نزن.

۳- أَصْدُقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.

در زندگی ات راستگو باش و هرگز دروغ نگو.

۴- الْبَيْتُ قَمِيصًا أَيْضًا فِي اللَّيْلِ لِمَيُورِ الشَّيَاحِ وَ لَا تَلْبَسُ أَسْوَدَ.

برای عبور از خیابان در شب لباس سفید بپوش و لباس سیاه نبوش.

۵۶

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ

کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها ناهماهنگ است؟

- | | | | |
|---|---|---|---|
| ☐ ۱- خَدَّاد | ☒ ۱- بِصْبَاح | ☐ ۱- خَلَوَاتِي | ☐ ۱- شُرْطِي |
| ☐ ۲- جَابِغَة | ☐ ۲- مَلَقَب | ☒ ۲- فَاكِهَة | ☐ ۲- مَكْتَبَة |
| ☐ ۳- خَطَب | ☐ ۳- نَار | ☐ ۳- دُخَان | ☒ ۳- نَجَاح |
| ☐ ۴- شُهْر | ☒ ۴- غَابَة | ☐ ۴- أَيْام | ☐ ۴- لَيْالِي |
| ☐ ۵- رِيح | ☐ ۵- مَطَر | ☐ ۵- سَحَاب | ☒ ۵- أُخَذ |
| ☐ ۶- زَيْتَان | ☐ ۶- عَيْب | ☐ ۶- نُفَاح | ☒ ۶- جَدَّ |
| ☒ ۷- كَبِير | ☐ ۷- تَخْت | ☐ ۷- قَوْقُ | ☐ ۷- أُمَام |
| ☐ ۸- أَرْزَق | ☐ ۸- أَحْمَر | ☐ ۸- إِفْتِخ | ☐ ۸- أَخْضَر |
| آبی | قرمز | بازکن | سبز |

۵۷

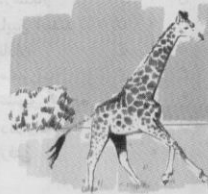
التَّمَرِينُ السَّادِسُ

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

الْحَمَامَة / الذَّنْبُ / الزَّرافَة / المصْفور / الشمكَة / الفيل / القرش / الأسد / الثعلب



الثَّعْلَبُ حَيَوَانٌ مَكَاَرٌ.
روپاه حیوان مکاری است.



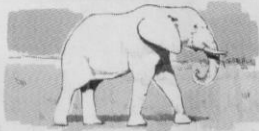
الزَّرافَة حَيَوَانٌ طَوِيلٌ.
زرافه حیوان بلندی است.



الْشَّمْكَة فِي الْبَهِرِ.
ماهی در رودخانه است.



الْأَسَدُ سُلْطَانُ الْغَابَةِ.
شیر سلطان جنگل است.



الْفِيلُ حَيَوَانٌ كَبِيرٌ.
فیل حیوان بزرگی است.



الْحَمَامَة طَائِرٌ جَمِيلٌ.
کبوتر پرندۀ زیبایی است.



الفَرَسُ حَيَوَانٌ نَجِيبٌ.
اسب حیوان نجیبی است.



الذَّنْبُ حَيَوَانٌ خَرِيفٌ.
گرگ حیوان طمع کاری است.



الْعَصْفُورُ طَائِرٌ صَغِيرٌ.
گنجشک پرنده کوچکی است.

۵۸

نهم (دوره اول متوسطه)

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

۵۸

با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

يُحَاوِلُ / مُوَاصِلَةٌ / إِنْبَحَثَ / شَجَعْنَا / تَزَلُّوا / مُهَيَّمَةٌ / كَلَبَ / ذَهَابَ
إِثْنَانُ / مُهَيَّمَةٌ / جَاهِلٌ / خَزِينٌ / إِذَا / أَسْنَانٌ / صَالِحٌ

رمز

ب	ل	ك	سگ
و	ا	ح	تلاش می کند
ر	ق	ا	نزدیک شد
ب	ب	ح	جست و جو کن
ث	ي	ح	غمگین
ن	ا	ث	دو
ا	ن	ا	هرگاه
ذ	ا	م	شغل
ن	ه	م	ادامه دادن
ص	ل	م	درستکار
ل	ح	ص	پایین آمدند
ا	و	ن	نادان
ل	ه	ج	ماموریت
م	ه	م	تشویق کردیم
ا	ع	ش	دندانها
ن	ا	ا	دندانها
ب	ا	ذ	رفتن

رمز: ﴿لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَغْنَمٌ﴾ (التوبة ۴۰)

اندوهگین مباش قطعاً خدا با ما است.

۵۹

كُنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع) عَنْ الْعِلْمِ:

۱- «قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نَضِيفُ الْعِلْمِ».

۲- «مَنْ سَأَلَ فِي صِفَتِهِ، أَحَابَ فِي كِبَرِهِ».

۳- «كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ».

۴- «جَمَالَ الْعِلْمُ تَشْرُوءَ وَتَمَرَّتُهُ الْعَمَلُ بِهِ».

۵- «أَيُّهَا النَّاسُ، اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الَّذِينَ ظَلَبُوا الْعِلْمَ وَالْعَمَلَ بِهِ».

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره علم فرمود:

گفتن نمی دانم نصف علم است.

هرکس در کودکی اش سؤال کند، در بزرگی اش جواب می دهد.

هر چیزی با انفاق کم می شود جز علم.

زیبایی علم انتشار آن است و میوه اش عمل به آن است.

ای مردم بدانید که کمال دین طلب علم و عمل به آن است.

۴۶

دو نمونه کتاب معروف در ادبیات فارسی از زبان حیوانات مثال بزنید.

کلیله و دمنه - مرزبان نامه

آرژشیایی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) خَرَجَ الثَّلَبُ مِنَ الْخَفَرَةِ.

ب) لَا تَكْتُمِي شَيْءً عَلَى الشَّجَرِ.

ج) الْبَيْتُ قَمِيصًا أَيْبَضَ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ.

ب) إِرْزُغَ صَدَاقَةً وَلَا تَزُغَ عَدَاوَةً.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) لَا تَخْزَنْ: ☐ اندوهگین نمی‌شوی

ب) لَا تَكْذِبِي: ☐ دروغ نگو

☐ اندوهگین نشو

☐ دروغ نمی‌گویی

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) وَقَعَ غَزَالَةٌ فِي الْخَفَرَةِ يَمَنَةً.

ج) مَا سَتَرَ الصَّيَادُونَ الْخَفَرَةَ فِي الْعَابَةِ.

ب) أَنْتَ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ.

د) قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ يَصِفُ الْعِلْمَ.

۵- نام هر تصویر را از گزینه‌های داده شده انتخاب کنید. (۱)



الف) ☐ الثَّلَبُ ☐ الْكَلْبُ ☐ الْخِمَامَةُ



ب) ☐ الْأَسَدُ ☐ الذَّبَّابُ ☐ الثَّلَبُ

۶- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱)

الف) حَيَوَانٌ يَخْرُشُ أَمْوَالَ النَّاسِ.

ب) عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.

☐ الزَّرَافَةُ

☐ الْكَلْبُ

☐ نَجَاحٌ

☐ مَصِيرٌ

۷- در جملات زیر فعل‌های نهی و امر را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۲)

الف) الْبَيْتُ قَمِيصًا أَيْبَضَ وَلَا تَلْبِسِ أَسْوَدَ.

ب) أَسْكُنِي وَلَا تَضْرُخِي.

پاسخ آرژشیایی مستمر

۱ الف) روباه (ه/ه) ب) ننویس (ه/ه) ج) پیراهن (ه/ه) ۲ الف) کم می‌شود (ه/ه) ب) بکار، نکار (هر مورد ه/ه) ۳ الف)

اندوهگین نمی‌شوی (ه/ه) ب) دروغ‌نگو (ه/ه) ۴ الف) ناگهان آهو در چاله‌ای افتاد. (ه/ه) ب) تو می‌توانی به راحتی خارج

شوی. (ه/ه) ج) شکارچیان چاله را در جنگل پنهان نکردند. (ه/ه) د) گفتن نمی‌دانم نیمی از علم است. (ه/ه) ۵ الأسد

۶ الف) الْكَلْبُ ب) (ه/ه) ۷ الف) الْبَيْتُ = فعل امر =

بیوش، لا تلبس: فعل نهی = نبوش (هر مورد ه/ه) ب) أَسْكُنِي = فعل امر = سکوت کن، لَا تَضْرُخِي: فعل نهی = فریاد نزن (هر مورد ه/ه) ۴۷

ع المذكرة

تغيير الحياة: تغيير زندگی

ابتداءً العام الدراسي الجديد وَذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً
شروع شد سال تحصیلی جدید و رفت دانش‌آموزان روستا به مدرسه بود روستا کوچک

وَجَمِيلَةٌ. دَخَلَتْ الْمَدْرَسَةَ فِي الصَّبِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّبُّ
و زیبا داخل شد معلم خانم در کلاس چهارم بود کلاس

سال تحصیلی جدید شروع شد و دانش‌آموزان روستا به مدرسه رفتند. روستا کوچک و زیبا بود. خانم معلم وارد کلاس چهارم شد.

مُرَدَحِمًا. قَالَتْ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنَيْنِ: «اجلسوا عَلَى الْيَمِينِ». وَقَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجلسن عَلَى الْيَسَارِ». هِيَ شَاهِدَتْ
شروع گفت خانم معلم به پسران بنشینید سمت راست و گفت به دختران بنشینید سمت چپ او مشاهده کرد
کلاس شروع بود. خانم معلم به پسران گفت: «سمت راست بنشینند.» و به دختران گفت: «سمت چپ بنشینید.» او

تَلَمِيذَةً رَاسِيَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». فَخَزِنَتْ وَذَهَبَتْ لِشَاهِدَةِ مِلْفِهَا لِلإِطْلَاعِ عَلَى مَاضِيهَا.
دانش‌آموزی مردودی به نام ساره ناراحت شد و رفت برای دیدن پرونده او برای اطلاع از گذشته‌اش
دانش‌آموز مردودی به نام «ساره» را دید. پس ناراحت شد و برای مشاهده پرونده او و اطلاع از گذشته‌اش رفت.

فِي مِلْفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلَمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جَدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ تَشْطِطُ وَذَكِيَّةٌ
در پرونده سال اول او دانش‌آموزی خوب بسیار می‌نویسد تکالیفش خوب او فعال و باهوش

و فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ
و در پرونده سال دوم او

در پرونده سال اول: او دانش‌آموزی بسیار کوشا است. تکالیفش را بسیار خوب می‌نویسد. او فعال و باهوش است و در پرونده سال دوم:

تَلَمِيذَةً جَيِّدَةً جَدًّا. لَكِنَّهَا خَزِنَتْ. أَتَمَّا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَقَى.
دانش‌آموزی خوب بسیار اما او ناراحت مادرش بستری در بیمارستان

او دانش‌آموزی بسیار کوشا است. اما او ناراحت است. مادرش در بیمارستان بستری است.

و فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّالِيَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ خَزِنَتْ جَدًّا.
در پرونده سال سوم او از دست داد مادرش در این سال او ناراحت بسیار

و در پرونده سال سوم: او مادرش را در این سال از دست داد. او بسیار ناراحت است.

و فِي مِلْفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدَّرَاسَةَ وَلَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَتَأْتِمُ فِي الصَّبِّ.
در پرونده سال چهارم او ترک کرد درس خواندن و دوست ندارد مدرسه و می‌خواهد در کلاس

و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را رها کرده و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می‌خواهد.

الْمَدْرَسَةَ لِأَمْتِ نَفْسِهَا وَغَيْرِهَا طَرِيقَةً تَدْرِيسِيًّا.
خانم معلم سرزنش کرد خودش را و تغییر داد روش درس دادن خود را
خانم معلم خودش را سرزنش کرد و روش تدریسش را تغییر داد.

بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَقْلَةِ مِلَادِ الْمَدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَجَلِبَتْ سَارَةَ
بعد مدتی در جشن تولد خانم معلم آورد دانش‌آموزان هدیه‌ها برای او و آورد ساره

لِلْمَدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ
برای خانم معلمش هدیه‌ای در ورقه روزنامه بود

بعد از مدتی در جشن تولد خانم معلم دانش‌آموزان هدیه‌هایی برای او آوردند و ساره هدیه‌ای در ورق روزنامه برای خانم معلمش آورد.

تعليم (دوره اول متوسطه)

تعليم (دوره اول متوسطه)

الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةٌ عَطَرٌ أَتَمُّهَا فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعَطْرِ فَضَحِكَ التَّلَامِيذُ فَقَالَتْ هَدِيَّةٌ شَيْشَهْ عَطَرٌ مَادَرَشْ دَرِ آنْ اَنْدَكِي اَزْ عَطَرِ پَسْ خَنْدِيدِ دَانِشْ-آمُوزَانِ پَسْ گُفْتُ

الْمُدْرَسَةُ لِلْبَيْنِ: «لَا تَضْحَكُوا» وَقَالَتْ خَانِمُ مَعْلَمٍ بَهْ پَسْرَانِ نَخْنَدِيدِ وَ گُفْتُ

هَدِيَّة شَيْشَهْ عَطَرِ مَادَرَشْ بُوْدْ كِهْ دَرِ آنْ اَنْدَكِي عَطَرِ بُوْد. دَانِشْ-آمُوزَانِ خَنْدِيدَنْد؛ خَانِمُ مَعْلَمٍ بَهْ پَسْرَانِ گُفْتُ: «نَخْنَدِيدِ»

لِلْبَنَاتِ «لَا تَضْحَكُنَّ». الْمُدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعَطْرِ. خَانِمُ مَعْلَمٍ عَطَّرَ زِدْ بَهْ خُودَشْ بَا آنْ عَطَرِ بَهْ دَخْتَرَانِ نَخْنَدِيدِ

و بَهْ دَخْتَرَانِ گُفْتُ: «نَخْنَدِيدِ». خَانِمُ مَعْلَمٍ خُودَشْ رَا بَا آنْ عَطَرِ مَعَطَّرْ كَرْد.

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا وَقَالَتْ: «رَانِخَكْ مِثْلُ رَانِخَةِ أُمِّي». أُمُّ سَارَةِ سَارَهْ نَزْدِ مَعْلَمَشْ گُفْتُ بُوِيْ تُوْ مِثْلُ بُوِيْ مَادَرَمِ

سَارَهْ نَزْدِ خَانِمِ مَعْلَمَشْ أَمْدَ وَ گُفْتُ: «بُوِيْ تُوْ مِثْلُ بُوِيْ مَادَرَمِ اسْت.»

شَجَعَتْ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ فَصَارَتْ تَلْمِيذَةً مِثَالِيَةً خَانِمُ مَعْلَمٍ سَارَهْ پَسْ شَدِ دَانِشْ-آمُوزِيْ نُمُونَهْ

خَانِمُ مَعْلَمٍ سَارَهْ رَا تَشْوِيقْ كَرْد؛ پَسْ دَانِشْ-آمُوزِيْ نُمُونَهْ شَد.

و تَعَمَّدَ سَوَاتِبَ؛ اشْتَلَمَتْ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوبَةً فِيهَا: «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ بَعْدَ سَالِهَا» دَرِیَافْتْ كَرْدِ خَانِمُ مَعْلَمٍ نَامَهْ اَزْ سَارَهْ نُوْشْتَهْ شَدَهْ دَرِ آنْ تُوْ بَهْتَرِیْنِ مَعْلَمِيْ

شَاهَدْتُهَا فِي خَيَاتِي. أَنْتِ غَيْرَتِ مَشَاهِدَهْ كَرْدَمِ دَرِ زَنْدِگِیْامِ تُوْ تَغْیِیْرِ دَادِيْ

و بَعْدَ اَزْ چَنْدِ سَالِ خَانِمُ مَعْلَمٍ نَامَهْیْ اَزْ سَارَهْ دَرِیَافْتْ كَرْدْ كِهْ دَرِ آنْ نُوْشْتَهْ شَدَهْ بُوْد: «تُوْ بَهْتَرِیْنِ مَعْلَمِيْ هَسْتِيْ كِهْ دَرِ زَنْدِگِیْامِ دِیْدَم.»

مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَلِبَةٌ وَ تَعَمَّدَ مُدَّةً، اشْتَلَمَتْ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنْ الطَّبِيبَةِ سَرِنُوشْتَمِ مَنِ الْاَنِ پَزْشَكِ بَعْدِ مَدَّتِيْ دَرِیَافْتْ كَرْدِ خَانِمُ مَعْلَمٍ نَامَهْ دِیْگَرِيْ اَزْ خَانِمِ دَكْتَرِ

سَارَةَ؛ طَلَبْتُ مِنْهَا الْخُضُورَ فِي سَارَهْ دَرْخُوسْتْ كَرْدِ اَزْ اَوْ حُضُورِ دَرِ

تُو سَرِنُوشْتَمِ رَا تَغْیِیْرِ دَادِيْ. مَنِ اَكْتُونِ پَزْشَكِ هَسْتَم.» وَ بَعْدَ اَزْ مَدَّتِيْ خَانِمُ مَعْلَمٍ نَامَهْ دِیْگَرِيْ اَزْ خَانِمِ دَكْتَرِ سَارَهْ دَرِیَافْتْ كَرْد؛ اَزْ اَوْ بَرَايِ حُضُورِ دَرِ

حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَالْجُلُوسِ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعُرُوسِ. جَشْنِ اَزْدَوَاجَشْ وَ نَشَسْتَنْ دَرِ جَايِ مَادَرِ عُرُوسِ

جَشْنِ اَزْدَوَاجَشْ وَ نَشَسْتَنْ دَرِ جَايِگَاهِ مَادَرِ عُرُوسِ دَرْخُوسْتْ كَرْد.

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ: شُكْرًا جَزِيلًا هَنْگَامِيْ كِهْ حَاضِرْ شَدِ خَانِمِ مَعْلَمَشْ دَرِ جَشْنِ اَزْدَوَاجَشْ گُفْتُ بَهْ اَوْ سَارَهْ تَشْكُرْ بَسْیَارَ

يَا سَيِّدَتِي! أَنْتِ غَيْرَتِ خَيَاتِي. فَقَالَتْ لَهَا اِيْ خَانِمِ تُوْ تَغْیِیْرِ دَادِيْ زَنْدِگِیْامِ پَسْ گُفْتُ بَهْ اَوْ

هَنْگَامِيْ كِهْ خَانِمِ مَعْلَمَشْ دَرِ جَشْنِ اَزْدَوَاجَشْ حَاضِرْ شَد، سَارَهْ بَهْ اَوْ گُفْتُ: «بَسْیَارِ مَتَشْكِرَمِ اِيْ خَانِمِ؛ تُوْ زَنْدِگِیْامِ رَا تَغْیِیْرِ دَادِيْ.»

الْمُدْرَسَةُ: «لَا يَا بَتِي! أَنْتِ غَيْرَتِ خَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أَدْرُسُ.» خَانِمِ مَعْلَمِ نَهْ اِيْ دَخْتَرَمِ تُوْ تَغْیِیْرِ دَادِيْ زَنْدِگِیْ مَنِ پَسْ شَنَاخْتَمِ چِگونَهْ دَرْسِ بَدَهْمِ

پَسْ خَانِمِ مَعْلَمِ بَهْ اَوْ گُفْتُ: «نَهْ اِيْ دَخْتَرَمِ، تُوْ زَنْدِگِیْ مَرَا تَغْیِیْرِ دَادِيْ؛ پَسْ شَنَاخْتَمِ (فَهْمِیْدَمِ) كِهْ چِگونَهْ دَرْسِ بَدَهْمِ.»

۴۹

۶۴

سؤال متن

با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

- ۱- آين جَلَسَتِ البنات؟
 دختران کجا نشستند؟
☐ عَلَى الْيَمِينِ ☐ عَلَى الْبَسَارِ
- ۲- لِمَنْ كَانَتْ رُجَاجَةُ الْعُظُرِ؟
 شیشه عطر مال چه کسی بود؟
☐ لِبِوَالِدَةِ سَارَةَ ☐ لِبِوَالِدِ سَارَةَ
- ۳- فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِيَةً؟
 ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟
☐ فِي السَّادِسِ ☒ فِي الرَّابِعِ
- ۴- مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟
 هدیه ساره به معلمش چه بود؟
☒ صَحِيفَةُ جِدَارِيَّةٍ ☐ رُجَاجَةُ عِطْرِ
- ۵- هَلْ كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةٍ خَفَلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ؟
 آیا هدایا به مناسبت تولد معلم بود؟
☐ لَا ☒ نَعَمْ

۶۴

بهم ادورف اول متوسطه

۶۴

فِعْلُ النَّهْيِ (۲)

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ← (یا أَوْلَادُ، لَا تَفْعَلُوا)، (یا بَنَاتُ، لَا تَفْعَلْنَ)، (یا وَلَدَانِ، لَا تَفْعَلَا)، (یا بَنَتَانِ، لَا تَفْعَلَا)



یا زَمِيلَاتِي، رَجَاءُ، لَا تَنْزِلْنَ، اِصْعَدْنَ.
 ای هم کلاسی ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِلَاتِي، رَجَاءُ، لَا تَنْزِلُوا، اِصْعَدُوا.
 ای هم کلاسی ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءُ، لَا تَنْزِلَا، اِصْعَدَا.
 ای هم کلاسی ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَانِ، رَجَاءُ، لَا تَنْزِلَا، اِصْعَدَا.
 ای هم کلاسی ها، لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



فعل نهی ۲

همان طور که در درس گذشته با فعل نهی مفرد مذکر و مفرد مؤنث آشنا شدیم، در این درس با فعل نهی مثنی و جمع آشنا خواهیم شد.
 به الگوی زیر دقت کنید:

ضمیر	فعل مضارع	فعل امر
أَنْتَ	تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلَا
أَنْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لَا تَفْعَلُوا
أَنْتُمْ	تَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ

درس نهی

۵۰

تفاوت فعل‌های مضارع منفی و نهی را کشف کنید.

فعل مضارع منفی (مذكر)	فعل نهی (مذكر)	فعل مضارع منفی (مؤنث)	فعل نهی (مؤنث)
لا تَهْضُن = بلند نمی‌شوی	لا تَهْضُ = بلند نشوید	لا تَهْضَيْن = بلند نمی‌شوید	لا تَهْضِي = بلند نشوید
لا تَشْرَبُن = نمی‌نوشید	لا تَشْرَبْ = ننوشید	لا تَشْرَبَيْن = نمی‌نوشید	لا تَشْرَبِي = ننوشید
لا تَقْلُبُن = نمی‌خواهید	لا تَقْلُبْ = نخواهید	لا تَقْلُبَيْن = نمی‌خواهید	لا تَقْلُبِي = نخواهید

نکته: با دقت در فعل‌های مضارع منفی و نهی جمع مؤنث متوجه می‌شویم که هیچ تفاوتی ندارند و ترجمه آن‌ها باید با توجه به جمله انجام شود.

ترجمه کنید.

لا تَرْتَدُّوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.	در شب زیر درخت دراز نکشید.
يَا أَخَوَاتِي، لَا تَنْظُرِينَ بِدُونِ حِجَابٍ.	ای خواهرانم بدون حجاب ظاهر نشوید.
يَا أَخِي، لَا تَضْحَكْ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ.	ای برادرم با صدای بلند نخند.
لَا تَخْرِجِي وَخَدَّكَ؛ أَخْرِجِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.	تنها خارج نشو، با دوستانت خارج شو.

التَّيْمَرِينَ الْأَوَّلَ

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- ۱- الإِْتِمَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ. (روزه)
جلوگیری از خوردن غذا و آب برای فریضه دینی.
- ۲- الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَيُحَاوِلُ كَثِيرًا. (مرد)
شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش می‌کند.
- ۳- صِبْغَةُ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ. (شلوغ)
ویژگی یک مکان پر از اشخاص و اشیاء.
- ۴- الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجُحُ فِي الْإِْتِمَاعَاتِ. (مردود)
دانش‌آموزی که در امتحانات پایان سال موفق نشود.
- ۵- إِجْتِمَاعُ النَّاسِ لِقَرَحٍ. (جشن)
اجتماع مردم برای شادی.

التَّيْمَرِينَ الثَّانِي

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ إِنْجَلِسْنَ هُنَا.
آنجا ننشینید، اینجا بنشینید.



لا تَكْشِفُوا غُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.
عیب‌های دوستانتان را آشکار نکنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.
از این آب ننوش.

۶۷



لا تَذْهَبِي مِنْ هُنَا.
از این جا نرو.

۶۷

نیم (دوره اول متوسطه)

التَّحْرِيمُ الثَّالِثُ

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱- ﴿ أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ﴾ (الأعراف ۱۵۶) أَكْتُبْ = فعل امر

در این دنیا و در آخرت برای ما نیکی بنویس.

۲- ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾ (الأعراف ۴۷) لَا تَجْعَلْنَا = فعل نهی

پروردگارا ما را از قوم ستمکاران قرار نده.

۳- قَالَ اللَّهُ لَادَمُ وَخَوَاءُ: ﴿ لَا تَقْرِبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴾ (الأعراف ۱۹) لَا تَقْرِبَا = فعل نهی

خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴- ﴿ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ... ﴾ (المُزَمِّل ۱۰) اصْبِرْ = فعل امر

بر آنچه می گویند صبر کن.

۵- ﴿ وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ... ﴾ (التَّغْل ۱۱۴) اشْكُرُوا = فعل امر

نعمت خداوند را شکر کنید.

التَّحْرِيمُ الرَّابِعُ

فعل های زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

سَوْفَ يَنْكُثُ / أَتْرَكَ / لَا يَذَرُشُ / ظَهَرَ / تَفَرَّقَ / لَا تَقْطَعُ / مَا طَبِخَتْ

يَنْفَعُ / لَا يَضُرُّ / لَا تَخْسَبُ / قَدْ قُتِمَ / سَخِفَطُونَ / مَا رَسَمْنَا / إِشْرَبَ

ماضی مثبت	ماضی منفی	مضارع مثبت	مضارع منفی	امر	نهی	مستقبل
ظَهَرَ	مَا طَبِخَتْ	تَعْرِفِينَ	لَا يَذَرُشُ	أَتْرَكِي	لَا تَقْطَعِ	سَوْفَ يَنْكُثُ
آشکار شد	نپخت	می شناسی	درس نمی دهد	ترک کن	قطع نکن	ساکت خواهد شد
قَدْ قُتِمَ	مَا رَسَمْنَا	يَنْفَعُ	لَا يَضُرُّ	إِشْرَبِي	لَا تَخْسَبِي	سَخِفَطُونَ
انداختید	نکشیدیم	سود می رساند	فریاد نمی زند	بنوش	محاسبه نکن	حفظ خواهید کرد

۶۹

كَلَّمَ الْحِكْمَةَ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْخَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به زیادی نمازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید بلکه به راستگویی و امانت داری نگاه کنید.

۲- «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّاسِ مِنَ الْجَسَدِ.»

بر شما باد شکیبایی زیرا شکیبایی در ایمان همچون سر در بدن است.

۵۲

۳- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالُوا لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ»
به آنچه گفته شد نگاه کن و به گوینده نگاه نکن.

۴- «لَا فَتْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ»
هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵- «مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ»
کسی که خشمش را دفع کند، خداوند عذابش را از او دفع می‌کند.

تحقیق
آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا پیامی که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.
هر کس به حساب خود رسیدگی کند، به عیب‌هایش آگاه شود.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)
الف) ذَهَبَ لِشَاهِدَةٍ يَلْفُهَا.
ب) كَانَ الضُّفَى مُرْدَحِمًا.
ج) يَارْمِلَانِي رَجَاءٌ لَا تَنْزِلُوا.
۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)
الف) رَتْنَا لِاتَّجَمُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الْفَالِقِينَ.
ب) لِاتَّجَلِّسُنَّ هُنَاكَ، اِجْلِسْنَ هُنَا.
۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)
الف) لَا تَذْهَبُونَ؛
ب) لَا تَشْرَبِينَ؛
ج) نَمِي رَوِيدَ
د) نَمِي نَوْشَ
۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)
الف) أَتُهَا رَاقِدَةً فِي السُّمْنِ.
ب) صَارَتْ تَلْمِذَةً مَثَالِيَةً.
ج) يَا بَنِيَّ! أَتَبِ عَزِزَتِ حَيَاتِي.
د) كَانَتْ رُجَائِيَّةَ الْمُعَلِّمِ الْوَالِدَةِ سَارَةً.
۵- در جملات زیر فعل‌های نهی را پیدا کنید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۱)
الف) يَا أُخِي، لَا تَضْحَكْ بِصَوْتٍ مَرْتَفِعٍ.
ب) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا.
۶- جدول زیر را کامل کنید. (۱/۵)

فعل مضارع	فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مستقبل
تَرْجَمُونَ			
يُرْمِي كَرْدِيدَ			

۷- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱/۵)
الف) الْقَائِلُ الَّذِي لَا يَنْجُ فِي الْامْتِحَانَاتِ.
ب) اجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرْحِ.
ج) الْإِمْتِنَاعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالْشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.
د) مَثَالِي
ه) رَاقِدَ
و) صَوْمَ
ز) رَاسِبَ
ح) خَفَلَةَ
ط) نَشِيطَ

۱ الف پرونده ب شلوغ ج پیاده نشوید. (هر مورد ۵/۵) ۲ الف قرار نده ب ننشینید، بنشینید. (هر مورد ۵/۵) ۳ الف گزینه ۱ ب گزینه ۱ (هر مورد ۵/۵) ۴ الف مادرش در بیمارستان بستری است. (۵/۵) ب دانش آموز نمونه‌ای شد. (۵/۵) ج دخترم، تو زندگی من را تغییر دادی. (۵/۵) د شیشه عطر مال مادر ساره بود. (۵/۵) ه الف لاتَصَحَّحْ: نَخْدُ لاتَخْرُجْ: ناراحت نشو (هر مورد ۵/۵)

۶ (هر مورد ۵/۲۵)

فعل مضارع	فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مستقبل
تَرْجِعُونَ	لَا تَرْجِعُونَ	لَا تَرْجِعُوا	سَوْفَ تَرْجِعُونَ
برمی‌گردید	بر نمی‌گردید	برنگردید	برخواهید گردید

۷ الف رَابِعٌ ب حَقْلَةٌ ج صوم (هر مورد ۵/۵)

۷ الدَّعْوَالِيَّةُ سَمَرَةُ الْحَجْدِ: نتیجه تلاش

كان	إديسون	في	التيابعة من	عمره،	عندما	عجزت	أشركت	عن دفع	ثقافات	وراسته؛
بود	ادیسون	در	هفتمین از	عمرش	هنگامی که	ناتوان شد	خانوادهاش	از پرداخت	هزینه‌های	درس خواندن او

ادیسون در هفتمین سال عمرش بود، هنگامی که خانوادهاش از پرداخت هزینه‌های درس خواندن او ناتوان شد؛

المُطَلَّوَلَةُ	شديداً	مدرسته	من المدرسة	وقال	غنة،
پس او را راند	مدیر	مدرسه‌اش	از	مدرسه	گفت درباره او

پس مدیر مدرسه‌اش او را از مدرسه بیرون کرد و درباره او گفت:

برائة	تلميذ	أخفق..»	فشار	باتع	القواكية	ولكنه	ما ترك	الدراسة؛
همانا او	دانش آموزی	نادر	پس شد	فروشنده	میوه‌ها	اما او	ترک نکرد	درس خواندن

يل دروس	يساعذة	أته؛	هي	ساعذة	كثيراً.	كان	إديسون
بلکه درس خواند	با کمک	مادرش	او	کمک کرد به او	بسیار	بود	ادیسون

همانا او دانش آموزی نادان است. پس میوه فروش شد؛ اما او درس خواندن را ترک نکرد؛ بلکه با کمک مادرش درس خواند؛ او (مادرش) بسیار به او کمک کرد.

شيل	الشفح	سحب	حادثة	أو	مرض	أصابه	أنام	المُطَلَّوَلَةُ.
سنگینی	کوش	به دلیل	حادثه	به	بیماری	رسید به او	روزگار	کودکی

ادیسون کم شنوا بود به دلیل حادثه یا بیماری‌ای که در دوران کودکی به او دچار شد.

إديسون	أحب	الكيمياء.	فصلع	شخصياً	ضميراً	في	تنزله	و بعد	عُدو	قدر
ادیسون	دوست داشت	شیمی را	پس ساخت	آزمایشگاهی	کوچک	در	خانهاش	بعد از	مدتی	توانست

غلى شراة	بعضى	المواد	الكيميائية	والأدوات
بخرید	بعضی	مواد	شیمیایی را	ادوات

ادیسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاه کوچکی در خانه‌اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ادوات

پنج (دوره فیل متوسطه)

۵۴

العلمية	وتعد	محاوالت	كثيرة	صار	مسؤولاً	في أخذ	القطارات	وقدر	على شراء	آلة	طباعة
علمی	بعد	تلاش‌های	بسیار	شد	مسؤول	در یکی از	قطارها	توانست	بخرد	ابزار	چاپ

و وضعها	في عربة	البضائع
قرار داد او را	در واگن	کالاها

علمی را بخرد و پس از تلاش‌های بسیار مسؤول یکی از قطارها شد و توانست ماشین چاپ بخرد و آن را در واگن کالاها قرار داد.

وفي السنة	الخامسة عشرة	من عمره	كتب	صحيفة	اسبوعية	وطبقها	في القطار
در	سال	پانزدهم	عمرش	نوشت	روزنامه	هفتگی	چاپ کرد آن را

في أخذ الأيام	الكثيرة	إحدى
در یکی از	روزها	شکست

و در پانزدهمین سال عمرش روزنامه هفتگی (هفته‌نامه) نوشت و آن را در قطار چاپ کرد. در یکی از روزها، یکی از شیشه‌های

زجاجات	المواد الكيميائية	في	الطبيعة	فجئت	سريع	قطرة	رئيس القطار
شیشه‌های	مواد	شیمیایی	در	چاپخانه	پس اتفاق افتاد	آتش سوزی	پس بیرون کرد او را

وعندما	أخذ	طفلاً	من تحت	القطار	جعلته
هنگامی که	نجات داد	کودکی را	از زیر	قطار	قرار داد او را

مواد شیمیایی در چاپخانه شکست؛ پس آتش‌سوزی رخ داد و رئیس قطار او را اخراج کرد و هنگامی که

والد الطفل	رئيساً	في شركته.
پدر	کودک	رئیس

کودکی را از زیر قطار نجات داد، پدر کودک او را رئیس شرکتش قرار داد.

كان	إديسون	مشمولاً	في مختبره	ليلاً و نهاراً.	هوأول	من	صنع	مختبراً	للآبحاث	الضاهية.
بود	ادیسون	مشمول	در آزمایشگاهش	شب و روز	اولین	کسی که	ساخت	آزمایشگاهی	برای پژوهش‌ها	صنعتی

ادیسون شبانه‌روز در آزمایشگاه مشغول بود. او اولین کسی است که آزمایشگاهی برای پژوهش‌های صنعتی ساخت.

اخترع	إديسون	أكثر	من	ألب	الطباع	ثم؛	منها	الطاقة الكهربائية	و المصباح الكهربائي
اختراع کرد	ادیسون	بیشتر	از	هزار	اختراع	مهم	از جمله آن‌ها	نیروی برق	و چراغ برق

وشغل الموسيقي	و الطوير	و الشوؤ
و شغلای موسیقی	و تصاویر	و دستگاه ضبط موسیقی

ادیسون بیش از هزار اختراع مهم دارد؛ از جمله نیروی برق و چراغ برق و دستگاه ضبط موسیقی و تصاویر

المشرفة	والدة السينما
متحرک	دستگاه سینما

متحرک و دستگاه سینما و باتری ماشین.

والطاقة الكهربائية	في هذا	النصر	صيت رئيسي	تقدم	الضاهات	الجديدة.
نیروی برق	در این	زمان	دلیل اصلی	پیشرفت	صنایع	جدید

و در این دوره نیروی برق دلیل اصلی پیشرفت صنایع جدید است.

الكهف ٣٠	إن الذين	أمتوا	وعملوا	الضالحات	إننا	لا نضع	أجر	من	أحسن	عملنا
کهف ۳۰	همانا کسانی	ایمان آوردند	و انجام دادند	کارهای نیک	قطعا ما	از بین نمی‌بریم	پاداش	کسانی	کار نیک	انجام دهند

همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند قطعاً ما پاداش کسانی را که کار نیک انجام دهند از بین نمی‌بریم. کهف/۳۰ ۵۵

سؤال متن

۷۴

- درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.
- ۱- عَدَدُ اختراعاتِ اِديسون سبعون.
تعداد اختراعات اديسون هفتاد تا است.
- ۲- إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.
قطعاً خداوند پاداش کسانی که به مردم سود برسانند را ضایع نمی‌کند.
- ۳- أَخْبَرِ اِديسونَ عِلْمَ الكيمياءِ فِي صَغَرِهِ.
اديسون علم شیمی را از کودکی‌اش دوست داشت.
- ۴- سَاعَدَتْهُ اُمُّ اِديسون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.
مادر ادیسون فرزندش را در درس خواندن کمک کرد.
- ۵- وَضَعَ اِديسون آلَةَ الْقَلْبَاعَةِ الَّتِي اسْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.
ادیسون دستگاه چایی را که خریده بود در خانه‌اش قرار داد.

نادرست

درست

☒☐☐☒☐☒☐☒☒☐

۷۴

پنج (دوره اول متوسطه)

ترکیب وصفی، ترکیب اضافی

ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)
(موصوف و صفت)



أَناثَرُ تَحْتِ جَمَشِيدٍ فِي مُحَافَظَةِ فَارَسٍ
هَذَا اَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مُحَافَظَةِ كَبِيرَةٍ.
این یک اثر تاریخی در یک استان بزرگ است.



قَلْعَةٌ فَلَكِ الْأَفْلَاحِ فِي مُحَافَظَةِ لُورِسْتَانٍ
هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مُحَافَظَةٍ جَمِيلَةٍ.
این یک قلعه تاریخی در یک استان زیبا است.

(مضاف و مضاف‌الیه)



يُمَثِّلُ الْمُنْتَظِلُ، فِي مَدِينَةِ بَغدَادِ،
تَدْنِيسَ مَبْنًى فِي شَهْرِ بَغدَادِ اسْت.



تُمَثِّلُ الْعُلَمَاءُ، فِي مَقَرِّ مُنْتَظِمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ،
تَدْنِيسَ هَيْ دَاشْمَنْلَن در مَقَرِّ سَازْمَانِ مِلَلِ مُتَّحِدَاسْت.

دوازدهم

۵۶



موصوف و صفت - مضاف و مضاف الیه

صفت: اسمی است که حالت و چگونگی اسم قبل از خود (موصوف) را توصیف می‌کند.

مضاف الیه: اسمی است که به اسم قبل از خود (مضاف) اضافه شده باشد.

به الگوی زیر دقت کنید.

موصوف و صفت	مُحافَظَةُ جَمِيلَةٍ	استان زیبا
مضاف و مضاف الیه	عِلْمُ الكِیمِیاء	علم شیمی

تفاوت ترکیب وصفی و اضافی را کشف کنید.

مضاف و مضاف الیه		موصوف و صفت	
بَابُ المَدْرَسَةِ	در مدرسه	مُحافَظَةُ کَبِیرَةٍ	استان بزرگ
مَدِیرُ المَدْرَسَةِ	مدیر مدرسه	المَوَادُّ الغِذائیةُ	مواد غذایی
بَاطِرِی الشَّیَارَةِ	باطری ماشین	جندِئُ غُومِن	سرباز مؤمن

۷۶

فَنِّ ترجمه

جمله‌های زیر را ترجمه کنید. «به ترجمه ترکیب داده شده دقت کنید.»

۱- لَبِسْتُ أَقْبَى خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي. مادرم انگشتر طلایی‌اش را در جشن تولدم پوشید.

۲- حَبَّخْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزِي فِي نِهَایَةِ الْمُسَابَقَةِ. تیم پیروزمان را در پایان مسابقه تشویق کردیم.

۳- قَسَمْتُ مَرْزَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى ثَلَاثِينَ. مزرعه بزرگمان را به دو نیم تقسیم کردی.

۴- هُوَ يَعْمَلُ بِوَحْدَتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ. او تکالیف مدرسه‌اش را انجام می‌دهد.

۵- كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً. سفر علمی‌مان مفید بود.

۶- أَشْكُجُ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ. به خاطر کار نیکت از تو تشکر می‌کنم.

۷۷

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

نادرست درست



۱- الْفَرَكَةُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.

شرکت یک مؤسسه تجاری یا اقتصادی است که بسیاری از مردم در آن کار می‌کنند.



۲- الْقَطَارُ مَكَانٌ يَبِيعُ الْبَضَائِعَ مِثْلَ الْمَلَابِسِ وَالْقَوَاقِي.

قطار محل فروش کالاهایی همچون لباس‌ها و میوه‌ها است.



۳- الْمَطْبَعَةُ مُخَزَّنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخَبْزِ.

چاپخانه انبار نگهداری مواد غذایی مانند نان است.



۴- الطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.

کودکی سال‌های اولیه زندگی انسان است.



۵- الصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

صاعقه برقی است که همراه رعد از آسمان نازل می‌شود.

۵۷

الْتَمَرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



الْجَسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُون.
پل سفید روی رود کارون است.



مَرْقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمْدَان.
مرقد دانشمند ایرانی ابن سینا در شهر همدان است.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.
سربازان نیرومندان، سربازان با ایمانی هستند.



مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ أَصْفَهَانَ.
مسجد امام یک اثر قدیمی در استان اصفهان است.

۷۷

نهم (دوره اول متوسطه)

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ

کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

عَاقِلٌ ≠ نَجُونٌ	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ	وَضَعٌ = جَعَلَ	صَدَاقَةٌ ≠ عِدَاوَةٌ
عَاقِلٌ ≠ دِيَوَانَةٌ	شَبٌّ ≠ رَوْزٌ	قَرَارِدَادٌ	دُوسْتِيٌّ ≠ دُشْمَنِيٌّ
جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ	صَغْبٌ ≠ سَهْلٌ	أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ
نَشِيسْتَنٌ ≠ بَرَخَاسْتَنٌ	دَشْوَارٌ ≠ آسَانٌ	دُشْمَنَانٌ ≠ دُوسْتَانٌ	مَرْدُودٌ ≠ قَبُولٌ
جَاءَ = أَتَى	فَيِّحٌ ≠ جَمِيلٌ	نَامٌ = رَقْدٌ	ظَوِيلٌ ≠ قَصِيرٌ
أَمَدٌ	زُشْتٌ ≠ زِيَا	خَوَابِيدٌ	بَلَنْدٌ ≠ كُوتَاهُ

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافی است.»

أَنْفَذَ / رَتَبَ / إِخْتَرَقَ / تَلَبَّحَ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةُ / بَضَائِعُ

۱- كَانَتْ نَفَقَاتُ الْجَامِعَةِ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَخَدِي.

۲- اِنْكَسَرَتْ اِخْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي الْمَخْبَرِ فَاِخْتَرَقَ كُلُّ الْأَشْيَاءِ.

۳- يَجْلِبُ التَّاجِرُ بَضَائِعَ جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.

۴- يَتَنَبَّأُ الْوَالِدُ يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ الصَّحِيفَةِ دَائِمًا.

۵- أَتَقَدُّ إِدِيسُونُ طِفْلًا مِنْ نَحْبِ الْقَطَارِ.

۵۸

۷۸

التَّحْرِيْثُ الْخَامِسُ

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل آینده	امر	نهی
مَا ذَهَبَ	لَا يَذْهَبُ	سَيَذْهَبُ	اِذْهَبْ	لَا تَذْهَبْ
نَرَفَتْ	نَمِي رُود	خَوَاهِد رَفَتْ	يُرُو	نُرُو
مَا كُتِبُوا	لَا يَكْتُبُونَ	سَيَكْتُبُونَ	اِكْتُبُوا	لَا تَكْتُبُوا
نَفُوشِدُنْ	نَمِي نُوشِدُنْ	خَوَاهِنْد نُوشِد	نُوشِد	نُوشِد
مَا غَسَلَ	لَا يَغْسِلُ	سَوْفَ يَغْسِلُ	اغْسِلْ	لَا تَغْسِلْ
نُشِئْتُ	نَمِي شُوبِد	خَوَاهِد شِئْتُ	بَشُوبِ	نَشُوبِ

۷۹

التَّحْرِيْثُ السَّادِسُ

با استفاده از کلمات زیر، جدولی را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

مجموع / أبحاث / طفولة / صناعة / ثقافات / أنهار / دفع / مشجعات /
 قطائع / مزدحم / آلات / تماثيل / شهور / غربي / أنشئهم / ابتدأ

رمز

۱ ط ف و ل ة	۱. کودکی
۲ ن ف ق ا ت	۲. هزینه‌ها
۳ م ج و ن	۳. خمیر
۴ ا ن ه ا ر	۴. رودخانه‌ها
۵ ا ب ح ا ت	۵. پژوهش
۶ ا ب ت د ا	۶. شروع شد
۷ ک ر س ی	۷. صندلی
۸ م س ج ل ا ت	۸. ضبط صوت‌ها
۹ ش ه و ر	۹. ماه‌ها
۱۰ ط ا ب ع	۱۰. چاپخانه‌ها
۱۱ م ز د ح م	۱۱. شلوغ
۱۲ ت م ا ت ی ل	۱۲. تندیس‌ها
۱۳ ا ل ا ت	۱۳. ابزارها
۱۴ ص ن ا ع ة	۱۴. صنعت
۱۵ د ف ع	۱۵. برداختن
۱۶ ا ن ف س ه م	۱۶. خودشان

قال امير المؤمنين علي (عليه السلام):
 رمز: «لا جهاد كجهاد النفس»

هیچ جهادی همچون جهاد نفس نیست.

۸۰

کَنْزُ الْجَمَّةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ».

۲- «جَلِشِ الشَّوْءِ شَيْطَانٌ».

۳- «الَّذِي مَزَعَهُ الْآخِرَةُ».

۴- «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ».

۵- «الْقَوْمُ أَخْوَالُ الْمَوْتِ».

یاد خداوند بر تو واجب است همانا او نور دل (قلب) است.

همنشین بد شیطان است.

دنیا مزرعه آخرت است.

علم کنج بزرگی است.

خواب برادر مرگ است.

۸۰

تیم (دوره اول متوسطه)

۸۰

تحقیق

نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی آمده است؟ عنب - زئان - تفاح.

نام کدام یک از آن‌ها در قرآن آمده است؟ رمان - عنب.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

(الف) كَانَتْ تَفَاحَاتُ الْجَامِعَةِ غَالِيَةً.

(ب) الطَّافَةُ الْكَهْرِبَائِيَّةُ سَبَبٌ رَئِيسٌ لِنَقْدَم.

(ج) جَلِشِ الشَّوْءِ شَيْطَانٌ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

(الف) أَتَقْدُّ إِدِيسُونَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقَطَارِ.

(ب) الْمَلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

(الف) مُسَيَّحَاتٌ؛

(ب) أَخْنَى الْكَبِيرَةِ؛

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

(الف) فِي إِخْدِ الْإِيَّامِ الْإِكْسَرَتْ إِحْدَى رُجَاجَاتٍ.

(ب) وَضَعَ إِدِيسُونَ آلَةَ الطَّبَاعَةِ فِي عَرِيَةِ الْبُضَائِعِ.

(ج) إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ.

(د) الضَّاعَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ.

۵- با توجه به ترجمه، جملات زیر را با استفاده از کلمات داده شده کامل کنید. (۲)

(الف) كَانَتْ الشَّوَارِعُ خَيَابَانِهَا شُلُوعٌ بُوْدُنْد.

(ب) لَيْسَتْ أُمِّي هَا الدَّهْنِي. مَادَرَمِ الْكُشْتَرِطَلَايِ اِش رَا بُوْشِيد.

(ج) قَتَحَتْ مَزْعَنَتَا إِلَى نَصْفَيْنِ. مَزْعَةُ بَزْرْگَمَانِ رَا بَه دَوْمِ نِیمِ تَقْسِیمِ کَرْدِی.

(د) صَنَعَ صَغِيرًا فِي مَنَزِلِهِ. أَرْمَایْشْگَاهِ کُوجْکِی دَر مَنَزَلِشْ سَاخْت.

۶- کلمات مترادف و متضاد را با علامت (=، ≠) مشخص کنید. (۱)

(الف) صَغَبٌ □ سَهْلٌ جُلُوشٌ □ قِیَامٌ طَوِيلٌ □ قَصِيرٌ لَیْلٌ □ نَهَارٌ

۷- در جمله‌های زیر ترکیب‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱)

(الف) كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مَفِيدَةً.

(ب) أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱. الف هزینه‌ها ب) اصلی ج) همتشین (هر کدام نیم نمره ۵/۵) ۲ -۲ الف) نجات داد ب) گنج، بزرگی (هر مورد ۵/۵)
 ۳ الف) ضبط صوت‌ها ب) خواهر بزرگم (هر مورد ۵/۵) ۴ الف) در یکی از روزها یکی از شیشه‌ها شکست. (۵/۵)
 ب) ادیسون دستگاه چاپ را در واگن کالاها قرار داد. (۵/۵) ج) قطعاً خداوند پادشاه مؤمنان را از بین نمی‌برد. (۵/۵) د) صاعقه
 برقی است که از آسمان فرود می‌آید. (۵/۵) ۵ الف) مُزْدَحَم ب) خاتم ج) الکبیرة د) مختبراً (هر مورد ۵/۵) ۶ صعب ≠
 سهل، جُلوس ≠ قیام، طویل ≠ قصیر، لیل ≠ نهار (هر مورد ۵/۲۵) ۱ الف) سفر علمی‌مان ب) عمل صالحت (هر مورد ۵/۵)



۹

السلامات

جواز بین الزائر و سائق سیّدَةُ الأُجرة: گفت‌وگوی بین زائر و راننده تاکسی

السلام علیکم

سلام بر شما

سلام بر شما باد.

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

بر شما باد سلام و رحمت خدا و برکاتش کجا می‌روید

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد! کجا می‌روید؟

أَهْلًا وَسَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. إِرْجُوا.

خوش آمدید. بفرمایید. سوار شوید.

خوش آمدید بفرمایید سوار شوید.

أَرْبَعِينَ رِيَالًا.

چهل ریال

چهل ریال.

عَقُودًا؛ ثَلَاثُونَ رِيَالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ

ببخشید سی ریال برای هر زائر

عَشْرَةُ رِيَالَاتٍ.

دهری ریال

ببخشید سی ریال، برای هر زائر ده ریال.

- نَعَمْ. لَا يَأْسُ. يَا سَيَّابُ، هَلْ أَنتُمْ إِيرَانِيِّينَ؟

بله اشکالی ندارد ای جوانان آیا شما ایرانی

بله. اشکال ندارد ای جوانان، آیا شما ایرانی هستید؟

أَنَا بِإِسْطَانِي وَأَسْتَفِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي

من پاکستانی مشغولم اینجا در کشورم

كَتَبْتُ أَسْتَفِلُ فِي الْمَرْزَعَةِ

کار می‌کردم در مزرعه

من پاکستانی هستم و در اینجا مشغولم. در کشورم،

در مزرعه کار می‌کردم.

تَذْهَبُ إِلَى تَخْتِيبِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.

می‌رویم به موزة مکه مکرمه

به موزة مکه مکرمه می‌رویم.

كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟

چند ریال می‌گیری ازمان

چند ریال از ما می‌گیری؟

الْأَجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أَشْخَاصٍ.

اجرت گران است. ما سه نفر هستیم.

كِرَاهِيَةٌ غَرَانٌ أَسْتَ. مَا سَهْ نَفَرٍ هَسْتِم.

- هَلْ تَقْبَلُ التَّقْوَدَ الْإِيرَانِيَّةَ؟

آیا قبول می‌کنی پول‌های ایرانی

آیا پول ایرانی قبول می‌کنی؟

نَعَمْ وَمِنْ أَيْنَ أَنتَ؟

بله از کجا تو

بله و تو اهل کجا هستی؟



تلف (دوره اول متوسطه)

لا، ما رأيته. ما عندي فرصة.
نه ندیدم آن را ندارم فرصت

أرأيت المتحف حتى الآن؟
آیا دیدی موزه تا الان

آیا تا کنون موزه را دیده‌ای؟

لا، لا أشغل من الصباح حتى المساء.
زیرا من مشغولم از صبح تا عصر

لماذا ما ذهبت إلى هناك؟
برای چه نرفتی به آنجا؟

چرا به آنجا نرفتی؟

لأعاشرة تمام.
ده تمام

عفوًا كم الساعة؟
ببخشید چند ساعت

ببخشید ساعت چند است؟

لا، لا أقدر. شكرًا جزيلًا.
نه نمی‌توانم تشکر بسیار

تعال معنا ثم نرجع معًا هل تقبل؟
بیا با ما سپس برمی‌گردیم باهم آیا قبول می‌کنی

با ما بیا. سپس با هم برمی‌گردیم. آیا قبول می‌کنی؟

نه من نمی‌توانم. بسیار تشکر می‌کنم.

جواز بين الزائر والراهنما موزه
گفت‌وگو بین زائر و راهنما

گفت‌وگو بین زائر و راهنمای موزه.

الأثار التاريخية للخرين الشريفين.
آثار تاریخی حرمین شریفین

ماذا في هذا المتحف؟
چیست در این موزه

در این موزه چیست؟

العمود الخشبي للكمية.
ستون چوبی گنبد

ما ذلك العمود؟
چیست آن ستون

آن ستون چیست؟

باب المتجر القديم للمسجد النبوي.
درب منبر قدیم مسجد نبوی

وما هذو الآثار؟
چیست این آثار

و این آثار چیست؟

آثار بشرية: صور الحرفين ومقبرة
آثار چاه زمزم تصاویر حرمین و مقبره

البقيع وآثار جميلة أخرى.
بقیع و آثار زیبای دیگر

درب منبر قدیم مسجد پیامبر، آثار چاه زمزم؛ تصاویر حرمین شریفین و مقبره بقیع و آثار زیبای دیگر.

لا شكر على الواجب.
تشکر نیست بر واجب

أشكركم على توضيحاتكم المفيدة.
تشکر می‌کنم از تو به خاطر توضیحات مفید.

به خاطر توضیحات مفیدت از تو تشکر می‌کنم.

در امر واجب نیازی به تشکر نیست.

سؤال متن

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

نادرست درست

☒

☐

☒

☐

☒

☐

☐

☒

☐

☒

۱- الزَّوَّارُ الْإِيرَانِيَّونَ رَكِبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ.

زائران ایرانی سوار اتوبوس هتل شدند.

۲- كَانَ الزَّوَّارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُتَوَرَّةِ.

زائران به شهر مدینه منوره می‌رفتند.

۳- كَانَ السَّائِقُ يَشْتَقِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظُّهْرِ.

راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

۴- أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزَّوَّارِ.

راننده تاکسی سی ریال از زائران دریافت کرد.

۵- فِي الْمُتَخَفِّبِ أَمَّا زُ تَارِيخِيَّةٌ لِلْحَرْتَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

در موزه آثار تاریخی حرمین شریفین وجود دارد.

۸۴

معادل فعل ماضی استمراری

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی (كَانُوا يَفْعَلُونَ) انجام می‌دادند



الَّتَيْنِ كَانَتَا تَكْتَلِمَانِ وَاجِبَاتِهِمَا.

دختران تکالیفشان را می‌نوشتند.



الطَّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدَقَّةٍ.

دانشجویان به دقت درس می‌خواندند.

۸۵

فَنَ تَرْجَمَهُ

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱- ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ...﴾ (المائدة ۷۵)

۲- ﴿... كَانُوا يَضْمَعُونَ﴾ (المائدة ۶۳)

۳- ﴿... كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (الأنعام ۱۲۷)

۴- ﴿... كَانَ قَرِيبٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ...﴾ (البقرة ۷۵)

۵- كَانَ طُلَابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

آن دو غذا می‌خوردند.

آن‌ها می‌ساختند.

آن‌ها انجام می‌دادند.

گروهی از آن‌ها کلام خدا را می‌شنیدند.

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

التَّحْرِيصُ الْأَوَّلُ

٨٦

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

نادرست

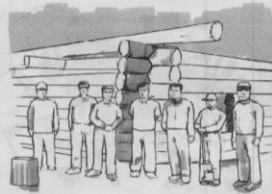
درست

١- دَلِيلُ الْمُتَخَفِّ يَشْتَفِلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ التَّوَافِدِ.
راهنمای موزه در کارگاه دربها و پنجرهها کار می کند.☒☐٢- الْبَيْتُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.
چاه حفرة عمیقی است در زمین که در آن آب یا چیز دیگری است.☐☒٣- فِي الْمُتَخَفِّ أُنَارٌ تَارِيخِيٌّ لِلْبَيْعِ وَالشَّرَاءِ.
در موزه آثار تاریخی برای خرید و فروش وجود دارد.☒☐٤- الْبَطَارِيَّةُ مَخْزَنُ الْكَهْرِبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ.
باتری انبار (مخزن) برق در اتومبیل است.☐☒٥- بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.
خانه خدا در مکه مکرمه است.☐☒

٨٦

التَّحْرِيصُ الثَّانِي

بخوانید و ترجمه کنید.

كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.
برادر کوچکم تکالیفش را می نوشت پس خواب او را گرفت.كَانَ الْعَمَالُ يَضَعُونَ نِيَّاتَهُمْ الْآنَ وَاقِفُونَ.
کارگران خانه می ساختند و آن ها اکنون ایستاده اند.

٨٧

التَّحْرِيصُ الثَّالِثُ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافی است.»

يَرْكَبُونَ / يَشْتَفِلُ / نَقُودُ / تَعَالَى / الْبَيْتُ / تَقْضَلُ / دَلِيلُ

- هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

- او در سازمان ملل کار می کند.

درهم و دینار و ریال و لیره اسم های پول هستند.

حاجیان کاروان به راهنمای سفر نیاز دارند.

کشاورزان برای کشاورزی آبی از چاه استخراج کردند.

دانش آموزان سوار اتوبوس مدرسه می شدند.

١- أَيْنَ يَشْتَفِلُ أَخَوْتُ الْأَكْبَرُ؟

برادر بزرگترت کجا کار می کند؟

٢- الدَّرْهَمُ وَالذِّينَارُ وَالرِّيَالُ وَاللِّيرَةُ أَسْمَاءُ نَقُودٍ.

٣- حُجَّاجُ الْقَافَلَةِ يَحَاجُّونَ إِلَى دَلِيلِ الشَّفَرِ.

٤- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنَ الْبَيْتِ لِلزَّرْعَةِ.

٥- كَانَ التَّلَامِيذُ يَرْكَبُونَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

٨٦

نهم (دوره اول متوسطه)

٦٤

۸۷

التمرین الرابع

جدول زیر را کامل کنید.

شید	شید	یستمع	می شنود	كان یستمع	می شنید
أنقذ	نجات داد	يُنقذ	نجات می دهد	كان يُنقذ	نجات می داد
اشغلا	کار کردند	يُشغِلان	کار می کنند	كانا يُشغِلان	کار می کردند
حاولوا	تلاش کردند	يُحاولون	تلاش می کنند	كانوا يُحاولون	تلاش می کردند
سألنا	پرسیدند	تَسألان	می پرسند	كانتا تَسألان	می پرسیدند
ساعدوا	کمک کردند	يُساعدون	کمک می کنند	كانوا يُساعدون	کمک می کردند

۸۷

التمرین الخامس

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافی است.»

- ۱- الْكَهْرَبَاءُ برق
- ۲- الْمَطَرُ باران
- ۳- الرَّئِيسُ اصلی
- ۴- الْعَدُوُّ دشمن
- ۵- الْفَلَّاحُ کشاورز
- ۶- النَّارُ آتش
- طاقة تستغل بها الآلات والأدوات الصناعية.
- برق نیرویی است که به وسیله آن ابزار و ادوات صنعتی کار می کنند.
- هو الذي لا يظلُّ لك الخير بل يظلُّ الشر.
- دشمن کسی است که برای تو خیر نمی خواهد بلکه شر طلب می کند.
- قطرات الماء التي تنزل من السحاب.
- باران قطرات آب است که از ابر نازل می شود.
- نتيجة احتراق الخشب وغيره.
- آتش نتیجه احتراق چوب و چیزهای دیگر است.
- من يعمل في زراعة الأرض.
- کشاورز کسی است که در زراعت زمین کار می کند.

۸۸

التمرین السادس

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

«شالات شوشتر / علم ایران / چتر جاومیشان / سوق کرمان / غابة مدينة مينودشت / عين بیستون»



شالات شوشتر



سوق کرمان



چتر جاومیشان

۶۵



عَلَمِ ایران



غایة مَدینة مینودشت



عَینِ بیستون

۸۹

نهم (دوره اول متوسطه)

التمرین السایع

۸۹

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

کیمیای / آذرات / مُسلم / تُقود / مُجالتات / مُحاولات / مَلَق / أزهار / إدخال / عَلِموا / لا تَأْسُ /
مَمْرُشاه / تعال / مُنظّمات / أعداء / زراعة / تَقَطَّل / تَلْمِذات / ثلاثون / پالِت / دِراسِیة

رمز ↓

۱. مسلمان	۱ م س ل م
۲. شیمیایی	۲ ک ی م ی ا و ی
۳. ابزارها	۳ ا د و ا ت
۴. بیا	۴ ت ع ا ل
۵. همنشینی ها	۵ م ج ا ل س ا ت
۶. بول	۶ ن ق و د
۷. تلاش ها	۷ م ح ا و ل ا ت
۸. دانستند	۸ ع ل م و ا
۹. داخل کردن	۹ ا د خ ا ل
۱۰. اشکالی ندارد	۱۰ ل ا ب ا س
۱۱. دشمنان	۱۱ ا ع د ا ع
۱۲. سازمان ها	۱۲ م ن ظ م ا ت
۱۳. شکوفه ها	۱۳ ا ز ه ا ر
۱۴. گذرگاه پیاده	۱۴ م ر م ر م ش ا ة
۱۵. پرونده	۱۵ م ل ف
۱۶. دانش آموزان (دختر)	۱۶ ت ل م ی ذ ا ت
۱۷. سی	۱۷ ث ل ا ت و ن
۱۸. ای کاش	۱۸ ی ا ل ی ت
۱۹. تحصیلی	۱۹ د ر ا س ی ة
۲۰. بفرما	۲۰ ت ف ض ل
۲۱. کشاورزی	۲۱ ز ر ا ع ة

قال رسول الله:

رمز: «سید القوم خادیمهم فی السفر»

سرور و آقای قوم خدمتکار آن‌ها در سفر است.

۶۶

کَثْرُ الْحِكْمَةِ

۹۰

بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ (محبوب‌ترین نزد خداوند)

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ.

۱- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْقَرَائِضِ إِدْخَالُ الشُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ».

> محبوب‌ترین کارها پس از فرائض دینی نزد خداوند وارد کردن شادی بر مسلمان است.

۲- «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي».

محبوب‌ترین غذا نزد خداوند آن است که گروهی بسیار بر آن بنشینند.

۳- «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ».

محبوب‌ترین خانه‌های شما در نزد خداوند خانه‌ای است که در آن یتیم بزرگ داشته شود.

۴- «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ».

محبوب‌ترین بندگان خدا در نزد خداوند سودمندترین آن‌ها به بندگانش است.

۵- «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ».

محبوب‌ترین کارها نزد خداوند حفظ زبان است.

۹۰

۹۰

تحقیق

در یک صفحه کتاب درسی فارسی، زیر کلمات دارای ریشه عربی خط بکشید؛ سپس همه کلمات آن را بشمارید و درصد کلمات عربی را معلوم کنید.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

(الف) تَذَخَّرَ إِلَى مُتَخَبِّطٍ طَهْرَانَ.

(ب) ذَلِكَ الْمَسْمُودُ الْخَيْشِيُّ لِلْحَكْمَةِ.

(ج) خَلَّ تَقَبَّلَ الثَّقُوفَةَ الْإِيرَانِيَّةَ.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

(الف) كَانَ الزَّوَارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.

(ب) أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَخْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا.

(ج) الزَّوَارُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكِبُوا سَافِلَةَ الْفُنْدُقِ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

(الف) کاتروآیا کلون؛

(ب) ساعدوا؛

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

(الف) فِي الْمُنْتَخَبِ آثارٌ تَارِيخِيَّةٌ.

(ب) حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى دَلِيلِ الشَّقْرِ.

(ج) الْمَطَرُ قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ.

(د) كَانَ الْعَمَالُ يَضْمَعُونَ بَيْتًا.

۵- گزینه‌ی مناسب را انتخاب کنید. (۱)

(الف) اسْتَفْرَحَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنْ _____ لِلزَّرَاعَةِ.

(ب) كَانَ التَّلَامِيذُ _____ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| ☐ می‌خورند | ☐ می‌خورند |
| ☐ کمک کنید | ☐ کمک کردند |

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ☐ السحاب | ☐ البئر |
| ☐ يشغلون | ☐ يركبون |

۶۷

۶- جدول زیر را کامل کنید. (۲)

ماضی	مضارع	ماضی استمراری
سَاعَدْتُ: کمک کرد	نُسَاعِدُ: کمک می‌کند	كَانَتْ تُسَاعِدُ:
تَسْمَعُوا:	يَسْمَعُونَ:	كَانُوا يَسْمَعُونَ: شنیدند
سَأَلْتُمْ: پرسیدید	تَسْأَلُونَ:	

۷- خطاهای مشخص شده در ترجمه‌ی عبارات زیر را درست کنید. (۱)

(الف) كانوا يَفْعَلُونَ، انجام می‌دهند.

(ب) كان فريقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ، گروهی از آن‌ها می‌شنوند.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ (الف) موزه (ب) چوبی (ج) قبول می‌کنی (هر مورد ۵/۵) ۲ (الف) می‌رفتند (ب) تاکسی (ج) هتل (هر مورد ۵/۵)
 ۳ (الف) می‌خوردند (ب) کمک کردند (هر مورد ۵/۵) ۴ (الف) در موزه آثار تاریخی است. (ب) حاجیان کاروان نیاز به راهنمای سفر دارند. (ج) باران قطرات آبی است که از ابرها فرود می‌آیند. (د) کارگران خانه می‌ساختند. (۵/۵)
 ۵ (الف) بتر (ب) یرکبون (هر مورد ۵/۵) ۶ (هر مورد ۵/۵)

ماضی	مضارع	ماضی استمراری
سَاعَدْتُ: کمک کرد	نُسَاعِدُ: کمک می‌کند	كَانَتْ تُسَاعِدُ: کمک می‌کرد
تَسْمَعُوا: شنیدند	يَسْمَعُونَ: می‌شنوند	كَانُوا يَسْمَعُونَ: شنیدند
سَأَلْتُمْ: پرسیدید	تَسْأَلُونَ: می‌پرسید	

۷ (الف) انجام می‌دادند. (ب) می‌شنیدند. (هر مورد ۵/۵)

الأمثلة

نصوص حول الصّحة: متن‌هایی پیرامون سلامت

أَفْضَلُ	الألوان:	بعضُ	الناسِ	يُظَنُّونَ	بِأَنَّ	الألوانَ	لِلتَّلْوِينِ	أَوْ لِلرَّسْمِ	أَوْ لِلتَّرْتِيبِ	فَقَطْ	وَلَكِنْ	
بهترین	رنگ‌ها	بعضی	مردم	گمان می‌کنند	همانا	رنگ‌ها	برای رنگ‌آمیزی	یا کشیدن	یا ترتیب	فقط	اما	
بهترین رنگ‌ها: بعضی از مردم گمان می‌کنند که رنگ‌ها فقط برای رنگ‌آمیزی یا نقاشی کشیدن یا ترتیب هستند. اما												
هَلْ	سَأَلْنَا	أَنْفُسَنَا	يَوْمًا: «هَلْ	يُمْكِنُ	مُعَالَجَةُ	الْأَمْرَاضِ	بِالْأَلْوَانِ؟	مَا هُوَ	تَأْثِيرُ	الْأَلْوَانِ	الْمُخْتَلِفَةِ؟»	
آیا	سوال کردیم	از خودمان	روزی	آیا	ممکن است	معالجه	بیماری‌ها	با رنگ‌ها	چيست	تأثير	رنگ‌های مختلف	
آیا روزی از خودمان پرسیده‌ایم: «آیا معالجه بیماری‌ها با رنگ‌ها ممکن می‌شود؟ تأثير رنگ‌های مختلف چیست؟»												
يَعْتَقِدُ	بعضُ	الْعُلَمَاءِ	أَنَّ	لِلْأَلْوَانِ	تَأْثِيرًا	عَلِيًّا. إِنََّّ	أَحَبَّ	الْأَلْوَانِ	إِلَى	الْعَيْنِ،	الْأَلْوَانُ	الطَّبِيعِيَّةُ
معتقدند	بعضی	دانشمندان	که	برای رنگ‌ها	تأثيری	برای ما	همانا	دوست‌داشتنی‌ترین	رنگ‌ها	چشم	رنگ‌های طبیعی	
بعضی از دانشمندان معتقدند که رنگ‌ها بر ما تأثير دارند. همانا محبوب‌ترین رنگ‌ها به چشم، رنگ‌های طبیعی هستند												
الَّتِي	نُشَاهِدُهَا	حَوْلَنَا	فِي	الَّيْلِ	وَالنَّهَارِ	وَهِيَ	اللونُ	الأخضرُ	وَاللونُ	الأزرقُ	السَّمَاوِيُّ	
که	مشاهده می‌کنیم	اطرافمان	در	شب	روز	در	رنگ	سبز	رنگ	آبی	آسمان	

۶۸ که ما شبانه‌روز اطرافمان آن را مشاهده می‌کنیم و آن رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی است.

ثُمَّ * اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ	مثل لون بعض أوراق الخريف.
سپس رنگ زرد مانند رنگ بعضی برگ‌های پاییز	

سپس رنگ زرد مانند رنگ بعضی برگ‌های پاییز

أَمَّا التَّوَرُّدُ الْأَحْمَرُ	فَتَشْعُرُ بِالتَّعَبِ	عِنْدَمَا	تَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ	يُحْرِكُ الْأَعْصَابَ.
اما تور قرمز (سرخ)	پس هنگامی که به آن نگاه می‌کنیم	هنگامی که	نگاه می‌کنیم	یعنی زیرا تحریک می‌کند اعصاب را
فَقَانُونُ الشَّرْوَرِ	يَسْتَعْدِمُهُ فِي الْأَمَّاكِينِ الَّتِي بِحَاجَةِ إِلَيَّ الْإِشْيَاءِ كَالْإِشَارَاتِ الشَّرْوَرِيَّةِ	أَمَّا عَرَفَ	قانون راهنمایی و رانندگی به کار می‌گیرد آن را در جاهایی که نیاز به توجه به علامت راهنمایی اتاق قوانین راهنمایی و رانندگی در جاهایی که نیاز توجه به علامت راهنمایی و رانندگی دارد آن را به کار می‌گیرد. اما اتاق‌های	
التَّوَمُ	فَالْأَفْضَلُ فِيهَا	اِشْتِخَادُ	الْأَلْوَانِ الْمَهْدَنَةِ	لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.
خواب برترین	در آنجا به کارگیری	رنگ‌ها	آرام بخش برای اعصاب	مانند رنگ بنفش

خواب پس بهتر است که رنگ‌های آرامش بخش اعصاب مانند رنگ بنفش به کار گرفته شود.

فِيْتَامِين «إ» (A):	مِنْ فَوَائِدِ	فِيْتَامِين «إ»	زِيَادَةُ	وَزْنِ الْأَطْفَالِ وَهُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ
ویتامین	از فایده‌های	ویتامین	زیاد کردن وزن	اطفال آن مفید برای چشم

ویتامین I: از فایده‌های ویتامین I زیاد کردن وزن کودکان است و آن برای چشم مفید است.

كَانَ الْفِتْيَارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ	يَتَنَاوَلُونَهُ	قَبْلَ	اِبْتِدَاءِ	الْعَامَاتِ
بود خلبانان در جنگ جهانی دوم	می‌خوردند آن را	قبل از	شروع	حملات

و خلبانان در جنگ جهانی دوم قبل از شروع حملات شبانه از آن می‌خوردند.

الْبَلْبَنَةِ وَهَذَا الْفِيْتَامِينُ	مَوْجُودٌ فِي الثَّبَاتَاتِ وَالْفَوَاكِهِ	بِالْوَلْوَلِ الْأَصْفَرِ
شبانه این ویتامین	وجود دارد در گیاهان میوه‌ها	با رنگ زرد

و این ویتامین در گیاهان و میوه‌های با رنگ زرد وجود دارد.

كَالْمِشْشِي وَالْجَزَرِ وَقَشِي الثَّرْتَالِ.
مانند زردآلو هویج پوست پرتقال

فِيْتَامِين «سی» (C): ویتامین سی

يَوْجَدُ هَذَا الْفِيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمَحْضَبِ وَ
وجود دارد این ویتامین در شیر تازه اما آن وجود ندارد در شیر خشک

این ویتامین در شیر تازه موجود است اما آن در شیر خشک وجود ندارد و

الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَخَدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَخْذُلُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ
کودکان کسانی که می‌خورند آن را به تنهایی در بیشتر اوقات ایستادگی می‌کند برای آن‌ها ضعف در پاها و

کودکانی که تنها آن را می‌خورند در بیشتر اوقات دچار ضعف ساق‌ها می‌شوند و

يُمْكِنُ تَعْوِيشُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ الْلَيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الثَّرْتَالِ.
ممکن می‌شود جبران این نقص در تغذیه با خوردن عصاره لیمو یا عصارة پرتقال

جبران این کاستی در تغذیه با خوردن آب لیمو و یا آب پرتقال ممکن می‌شود.

سؤال متن

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

94

درست نادرست

☒

درست

۱- كَانِ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَ فَيْتَامِينَ «أ» قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ. خلبانان در جنگ جهانی دوم قبل از شروع حملات شبانه ویتامین A می‌خوردند.

☒☐

۲- يُمكنُ تعويضُ الضَّعْفِ في السَّاقَيْنِ في الأطفالِ بِتَنَاوُلِ الرِّزِّ.
جبران ناتوانی ساق‌های کودکان با خوردن برنج ممکن می‌شود.

☒☐

۳- الأسود أفضل لون مَهْدِي لِلْأَعصاب فِي عُرْف النّوم.
رنگ سیاه بهترین رنگ آرامبخش اعصاب در اتاق خواب است.

☒☐

٤- لَا يَتَقَبَّدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا.

دانشمندان به اینکه رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند اعتقاد ندارند.

☐☒

٤- يوجد فيتامين «سى» في الحليب الطازج.

ویتامین C در شیر تازه وجود دارد.

ساعت شماری

94

ساعت شماری (الخامسة ٥- الخامسة والربع ١٥:٥- الخامسة إلا ربعاً ٢:٤٥)
كَمْ السَّاعَةُ الآن؟
اکنون ساعت چند است؟

کَمِ السَّاعَةِ الْآنَ؟ اکنون ساعت چند است؟



الثَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا.
يَكُ رُبْعٌ بِهِ نَدَ



الثَّاسِعَةُ وَالرَّابِعَةُ.
نه و ربح



لِقَائِبَعْدُ تَمَاماً.
نه تمام

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید.)

الخامسة تماماً / الواحدة والربع / الثامنة والتصف

العاشرة والثبع / القائمة إلا زهما / السادسة إلا زهما

الزراعة والتصريف / القائمة إلا زبعا / العاشرة تماما



الخامسة تماماً



الواحدة والرَّبع



الثَّامِنَةُ وَالْبَيْصَفُ

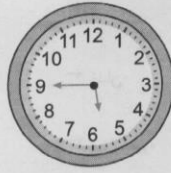
94

فيهم (دوره اول متوسطه)

(5) 500



الثلاثة الأربعة



السادسة الأربعة



العاشره الربع



الرابعة والنصف



الثامنة الأربعة



العاشره تماماً



ساعت خوانی:

ساعت کامل: مثال: الواحدة تماماً، الثانية تماماً، ...

ساعت کامل به اضافه نیم و ربع: مثال: الثالثة والنصف، السادسة والربع، ...

یک ربع مانده به ساعت کامل: مثال: الخامسة الأربعة، التاسعة الأربعة، ...

ترجمه کنید:

الحادية عشرة تماماً: يازده تمام

العاشره والربع: ده و ربع

الثانية عشرة تماماً: دوازده تمام

الواحدة والنصف: یک و نیم

ترجمه کنید

الحادية عشرة تماماً: يازده تمام

الثانية عشرة تماماً: دوازده تمام

التمرين الأول

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱- علامات للتأنيق و التأخير في الطريق: إشارات المرور ← علائم راهنمایی و رانندگی

علائمی برای رانندگان و عابران در راه

۲- ألهجوم بالطائرة على العدو في الليل: غارات ليلية ← حملات شبانه

حمله به هواپیماي دشمن در شب

۳- آخسن صفتی للمخلیپ: طازج

بهترین ویژگی شیر

۴- إسم سائی الطائرة: طیار

اسم راننده هواپیما

۵- ماء الثمر: عصیر الفاكهة

آب میوه

← تازه

← خلبان

← عصارة میوه

۹۷

نهم (دوره اول متوسطه)

التَّحْرِينُ الثَّانِي

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید: سپس هر جمله را ترجمه کنید.

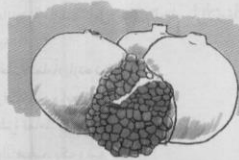
(أخضر، أحمر، أزرق، أبيض، أصفر، أسود)



الفَرَسُ البَیضُ جَنبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ.
اسب سفید کنار ساحل دریا است.



هَذَا الْبُسْتَانُ الْأَخْضَرُ جَمِيلٌ.
این باغ سبز زیباست.



الْزُّبَانُ الْأَخْضَرُ فَاكِهَةُ الْجَنَّةِ.
انار قرمز میوه بهشتی است.



الطَّائِرُ الْأَزْرَقُ عَلَى خَشَبَةٍ.
پرندۀ آبی روی چوب است.



الثَّمَرُ الْأَسْوَدُ فَاكِهَةُ ثَقْوِيَّةٍ.
خرمای سیاه میوه مقوی است.



فِي الْعُصْبِ الْأَصْفَرِ فِيتَامِينَاتٌ كَثِيرَةٌ.
در انگور زرد ویتامین‌های زیادی است.

دوره اول

۷۲

التَّحْرِينُ الثَّالِثُ

با توجه به تصویر پاسخ دهید.

في الساعة السادسة مساءً / في الساعة الثانية عشرة
في الساعة الثامنة ليلاً / في الساعة التاسعة صباحاً



متى تذهبن إلى المُنْحَف؟

چه موقع به موزه می‌روید؟

في الساعة التاسعة صباحاً

در ساعت ۹ صبح



متى تتناول عشاءك؟

چه موقع تو شام می‌خوری؟

في ساعة الثامنة ليلاً

در ساعت ۸ شب



متى تذهبون إلى ساحة الحرب؟

چه موقع به میدان جنگ می‌روید؟

في الساعة السادسة مساءً

در ساعت ۶ عصر



متى موعد أذان الظهر؟

زمان اذان ظهر چه وقت است؟

في الساعة الثانية عشرة

در ساعت ۱۲

التَّحْرِينُ الرَّابِعُ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «ذو کلمه اضافه است.»

إشْرَبَ / الْجَزَرُ / التَّعَبُ / مُهَدِّدَةٌ / أَلْمِشْمِشُ / تَعْوِيشُ / إِنْثِياو

۱- كَتَبَ الطَّيِّبُ لِلْمَرِيضِ خُبْرًا مُهَدِّدَةً لِمُعَالَجَةِ ضِدَاعِهِ.

پزشک برای بیمار قرص‌های آرام‌بخش برای معالجه سردردش نوشت.

۲- إَشْرَبَ عَصِيرَ الْيَمُونِ وَ التَّرْتَالِ لِيَصَحَّتْكَ.

برای سلامتی‌ات عصارة لیمو و پرتقال بنوش.

۳- عِنْدَمَا تَنْظُرُ إِلَى النَّوْرِ الْأَحْمَرِ تَشْعُرُ بِالْأَلْتَعَبِ.

هنگامی که به نور قرمز نگاه می‌کنیم احساس خستگی می‌کنیم.

۴- إِنَّ الْجَزَرَ مُفِيدٌ لِقُوَّةِ الْعِيُونِ.

همانا هویج برای تقویت چشم‌ها مفید است.

۵- تَمُرُ الْجَمِشِشِ فِي بِدَايَةِ الضَّيْفِ.

میوه زردآلود در ابتدای تابستان است.

التَّامِرِينَ الْخَامِسَ

۹۹

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- ۱- التَّهَارُ ۲- التَّخَفُ ۳- التَّلَوِينُ ۴- الدَّلِيلُ ۵- الطَّائِفُ ۶- التَّرْنَمُ ۷- التَّرْقُ
- فُدْرَةُ عَرَضِي الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ.
نَقَاشِي تَوَانِيبي عَرَضِيهِ كَرْدَنِ أَشْيَاءِ بَا خَطُوطِ وَ رَنگ‌ها.
مَكَانٌ يُحْفَظُ الْأَثَارَ التَّارِيخِيَّةَ.
مَوْزَه مَكَانِ نَگْهَدَارِي آثَارِ تَارِيخِي اسْت.
لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ.
أَبْيَ رَنگِي كِه دَرِ اسْمَانِ صَافِ ظَاهِرِ مِي شُود.
صِبْغَةُ خَسَنَةٍ لِلْخَلِيبِ وَالْمَاكِهَةِ.
تَازِه وَبِزْگِي نِيكُوي شِيرِ وَ مِيوَهَا
مَا بَيِّنُ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ.
رُوزِ آن چِه بَيْنِ صَبْحِ وَ شَبِ اسْت.
إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِمَشيءٍ.
رَنگ‌آمِيزِي بِخَشِيدَنِ رَنگ‌ها بِه چِيزِي اسْت.

۹۹

نهم (دوره اول متوسطه)

التَّامِرِينَ السَّادِسَ

۹۹

کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

أَحْسَنُ - أَفْضَلُ	خَرْبٌ ≠ صَلَاحٌ	ثَمَالٌ ≠ إِذْهَبَ	إِسْلَمْتُ ≠ دَفَعْتُ
بَهْتَرُ	جَنَگٌ ≠ صَلَاحٌ	بِیَا ≠ بَرُو	دِرِیَافَتِ کَرْدُ ≠ پَرْدَاخَتِ
قَلَّ ≠ كَثُرَ	مَوْتُ ≠ حَيَاةٌ	بَلْغَةٌ = قِجَافَةٌ	إِشَارَاتٌ - عَلَامَاتٌ
کَمِ کَرْدُ ≠ زیَادِ کَرْدُ	مَرگٌ ≠ زَنْدَگِی	نَاقِهَانِ	عَلَامَت‌ها
قَوِيَ = تَقَوَّى	شَرٌّ = کَثَمَ	فُتِحَ ≠ خُسِنَ	شَاوَلُ - أَقَلُّ
پَارَسَائِي	پُوشَانَد	زَشْتِي ≠ زَبَائِي	خُورْد

كُنْزُ الْجَنَّةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. الْعَذْلُ خَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَثَرِ أَخْسَنُ، وَالشَّهَاءُ خَسَنٌ
عَدَالَتِ نِيكُوسْتِ اَمَّا دَرِ اَمِيرَانِ نِيكُوتَر، سَخَاوَتِ (بِخَشَنْدَگِی) نِيكُوسْتِ
وَلَكِنْ فِي الْأَغْيَامِ أَخْسَنُ، الْوَرَعُ خَسَنٌ
اَمَّا دَرِ دُرُومَنْدَانِ نِيكُوتَر، پَارَسَائِي نِيكُوسْتِ اَمَّا دَرِ دَانِشْمَنْدَانِ نِيكُوتَر،
وَلَكِنْ فِي الْفُلَسَاءِ أَخْسَنُ، الصَّبْرُ خَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَخْسَنُ،
شُكْيَائِي نِيكُوسْتِ اَمَّا دَرِ نِیَازْمَنْدَانِ نِيكُوتَر، تَوْبَه نِيكُوسْتِ اَمَّا
الْوَرَعَةُ خَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَخْسَنُ، الْحَيَاءُ خَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْقِسَامِ أَخْسَنُ.
دَرِ جَوَانَانِ نِيكُوتَر، شَرَمِ وَ حِيَا نِيكُوسْتِ اَمَّا دَرِ زَنَانِ نِيكُوتَر اسْت.

۷۴

۲. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَزَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَزَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ. شرم و حیایش کم شود پارسایی‌اش کمتر می‌شود، و هرکسی پارسایی‌اش کم شود دلش می‌میرد و کسی که دلش مُرد وارد جهنم می‌شود.

۱۰۰

۹۰

تحقیق

در اینترنت جست‌وجو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی درباره‌ی خواص یکی از میوه‌ها بیابید.

العنب (انگور)

العنب من أغنى العناصر بالشكریات.

انگور از سرشارترین عناصر موافق‌فندی است.

هي المادة الأساسية لإيجاد الطاقة في الجسم.

و ماده اصلی برای ایجاد انرژی در بدن است.

ارزشیابی مستمر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)

الف) الزمان فاكهة الجنة.

ب) القرص جنب ساحل البحر.

ج) القمر فاكهة مقوية.

۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)

الف) إن الجزر مفيد لتقوية العيون.

ب) موعد أذان الظهر في الساعة الثانية عشرة.

ج) التوتر الأخير يترك الأعصاب.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)

الف) العاشرة إلا ربعا.

ب) الساعة والأربع.

۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)

الف) في العنب الأصفر فيتامينات كثيرة.

ب) تشرق الشمس في بداية الصباح.

ج) يعتقد بعض العلماء أنَّ للألوان تأثيراً علينا.

د) كان الطيارون يتناولون فيتامين «إ» قبل المارات الملية.

۵- زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (۲)

الف

ب

ج

د



۷۵

۶- کلمات مترادف و متضاد را با (=, ≠) مشخص کنید. (۱)

أبيض □ أسود ثمال □ إذهب تناول □ أكل ستر □ كتم

۷- معنی رنگ‌های داده شده را بنویسید. (۱)

الف) أَخْضَرُ: ب) أَحْمَرُ: ج) أَزْرَقُ: د) أَصْفَرُ:

یاسخ ارزشیابی مستمر

۱ الف) اثار (ب) اسب (ج) خرما (هر مورد ۵/۵) ۲ الف) هویج (ب) دوازده (ج) قرمز (هر مورد ۵/۵) ۳ الف) یک ربع به ده (ب) شش و ربع (هر مورد ۵/۵) ۴ الف) در انگور زرد ویتامین‌های زیادی وجود دارد. (۵/۵) میوه زردآلود اول تابستان است. (۵/۵) ج) بعضی از دانشمندان معتقدند که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. (۵/۵) د) خلیانان قبل از حملات شبانه ویتامین «ا» مصرف می‌کنند. (۵/۵) ۵ الف) الثالثة تماماً (ب) الثامنة و النصف (ج) الماشرة و الزیغ (د) السابعة الاربعاً (هر مورد ۵/۵) ۶ ابيض ≠ اسود، ثمال ≠ إذهب، تناول = أكل، ستر = كتم (هر مورد ۵/۲۵) ۷ الف) سبز (ب) قرمز (ج) آبی (د) زرد (هر مورد ۵/۲۵)

۱۰. الدرس الثانی الأمانة: امانت

أراد	سافر	تسلم	تقود	إلى شخص	أمين	فذهب	إلى قاضي	تلبو	وقال له:
خواست	مسافر	تسلیم کرد	پول‌هایش	به شخصی	امانتدار	پس رفت	به قاضی	شهرش	و گفت به او

إني	سوف	أسافر	وأريد	تسلم	تقود
همان‌طور	می‌خواهم	سفر کنم	و می‌خواهم	تسلیم کنم	پول‌هایم

عندك	أمانة	وسوف	أستلها	يترك	بعد رجوعي.
نزد تو	امانت	و می‌خواهم	دریافت کنم آن	از تو	بعد از برگشتن

مسافری تصمیم گرفت پول‌هایش را نزد شخصی امین بپسارد. پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: «همانا من می‌خواهم سفر کنم و تصمیم دارم پول‌هایم را نزد تو به امانت بپسارم و پس از برگشتن آن را از تو دریافت کنم.»

فقال القاضي: «لا بأس، يجعل تقودك في ذلك الصندوق، فوض الزجل تقود في الصندوق. گفت قاضی: اشکال ندارد. قرار بده پول‌هایت در آن صندوق قرار داد. قرار داد. مرد پول‌هایش در صندوق قاضی گفت: «اشکالی ندارد. پول‌هایت را در آن صندوق قرار بده.» پس مرد پول‌هایش را در صندوق قرار داد.

ولما	رجع	من السفر	ذهب	عند القاضي	وطلب منه الأمانة، فقال القاضي:
هنگامی‌که	برگشت	از سفر	رفت	نزد قاضی	خواست از او امانت گفت قاضی

و هنگامی که از سفر برگشت، نزد قاضی رفت و از او امانت را طلب کرد. پس قاضی گفت:

إني	لا أغرتك.
همانا من	تو را نمی‌شناسم

«همانا من تو را نمی‌شناسم.»

عرت	الزجل	فذهب	إلى حاكم المدينة	وشرح له القضية.	فقال الحاكم:	«سيأتي ناراحت شد	مرد	رفت	به حاکم شهر	و توضیح داد به او قضیه را	گفت حاکم	خواهد آمد
-----	-------	------	------------------	-----------------	--------------	------------------	-----	-----	-------------	---------------------------	----------	-----------

القاضي	إلى	عداء	فدخل	عليها	في المجلس	وطلب أمانتك منه.
قاضی	نزد من	فردا	وارد شو	برها	در مجلس	و درخواست کن امانتت را از او

مرد ناراحت شد و نزد حاکم شهر رفت و قضیه را برای او شرح داد. پس حاکم گفت: «قاضی فردا نزد من خواهد آمد؛ پس در مجلس ما وارد شو و امانتت را از او طلب کن.»

وَفِي الْيَوْمِ الْقَالِي	عِنْدَمَا	جَاءَ الْقَاضِي	إِلَى الْحَاكِمِ،	قَالَ	لَهُ الْحَاكِمُ: «إِنِّي سَوْفَ أَسَافِرُ
در	روز	بعد	هنگامی که	آمد قاضی	نزد حاکم

إِلَى الْحَجِّ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَأُرِيدُ	تَسْلِيمَ	أُمُورِ	الْبِلَادِ	إِلَيْكَ	لِأَنِّي	مَا زِلْتُ	مَعَكَ
به حج	در این	ماه	و می خواهم	تسلیم کنم	امور	کشور را	به تو

إِلَّا الْأَمَانَةَ.»

جز امانتداری

در روز بعد، هنگامی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: «همانا من در این ماه به سفر حج خواهم رفت و می خواهم امور کشور را به تو بسپارم زیرا من از تو جز امانتداری ندیده‌ام.»

وَفِي هَذَا الزَّمَانِ	دَخَلَ	صَاحِبَ الْأَمَانَةِ	وَسَلَّمَ	عَلَيْهِمَا وَقَالَ:
و در این	زمان	داخل شد	صاحب	امانت و سلام کرد

و در این هنگام صاحب امانت داخل شد و سلام کرد به آن دو و گفت:

«أَيُّهَا الْقَاضِي،	إِنَّ	لِي	أَمَانَةً	عِنْدَكَ. وَصَدَّقْتُ	ثَقُودِي	عِنْدَكَ.»
ای قاضی	همانا	دارم	امانتی	نزد تو	قرار دادم	پول‌هایم را

«ای قاضی، همانا من نزد تو امانتی دارم، پول‌هایم را نزد تو گذاشتم.»

قَالَ الْقَاضِي:	«هَذَا	مِفْتَاحُ	الصَّنْدُوقِ.	إِسْتَلِمِ	ثَقُودَكَ.»
قاضی گفت	این	کلید	صندوق	بردار	پول‌هایت را

قاضی گفت: «این کلید صندوق است، پول‌هایت را بردار.»

بَعْدَ ثَوْنَيْنِ ذَهَبَ	الْقَاضِي	عِنْدَ الْحَاكِمِ	وَتَكَلَّمَ	مَعَهُ	حَوْلَ	ذَلِكَ الْمَوْضِعِ.	فَأَجَابَ الْحَاكِمُ:
بعد	دو روز	رفت	قاضی	نزد	حاکم	و سخن گفت	با او

بعد از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد، پس حاکم جواب داد:

«أَيُّهَا الْقَاضِي،	مَا اسْتَخْرَجْنَا	أَمَانَةَ	ذَلِكَ الرَّجُلِ	إِلَّا	بَعْدَمَا	أَغْطَيْنَاكَ	كُلَّ الْبِلَادِ	فَبَإِي
ای قاضی	پر نکرددانی،	امانت	آن	مرد	جز	بعد از اینکه	به تو بخشیدیم	همه کشور

شِعْبِي»	شَشْرَبِيعَ	الْبِلَادِ	مِلَكًا؟!»	ثُمَّ أَمْرِمَزَلَهُ.
چیزی	پس بگیریم،	کشور را	از تو	سپس امر کرد به برکناری‌اش

«ای قاضی، امانت آن مرد را پر نکرددانی مگر پس از اینکه همه کشور را به تو بخشیدیم، پس با چه چیزی کشور را از تو پس بگیریم.» سپس دستور به برکناری‌اش داد.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): رسول اکرم (ص) فرمود:

لَا تَنْظُرُوا	إِلَى كَثْرَةِ	صَلَاتِهِمْ	وَصَوْمِهِمْ	وَكثْرَةِ	الْحَجِّ	وَلَكِنْ	إِلَى	صِدْقِ	الْحَدِيثِ	و	أَدَاءِ	الْأَمَانَةِ.
نگاه نکنید	به زیادی	نمازشان	و روزه‌شان	و زیاده	حج	ولی	نگاه کنید	به	راستی	سخن	و	امانتداری

به زیادی نمازشان و روزه‌شان و زیاده حج نگاه نکنید بلکه به راستی گفتار و امانت‌داری نگاه کنید.

سؤال متن

۱۰۴

با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

نادرست	درست
--------	------

☐	☒
--------------------------	-------------------------------------

۱- كَانَ الْقَاضِي يُكَذِّبُ.

قاضی دروغ می‌گفت.

☐	☒
--------------------------	-------------------------------------

۲- أَمَرَ الْحَاكِمُ بِعَزْلِ الْقَاضِي.

حاکم دستور به برکناری قاضی داد.

☒	☐
-------------------------------------	--------------------------

۳- وَضَعَ الْمَسَافِرُ نُقُودَهُ عِنْدَ الْحَاكِمِ.

مسافر پول‌هایش را نزد حاکم گذاشت.

☐	☒
--------------------------	-------------------------------------

۴- قَدَّرَ الْحَاكِمُ عَلَى اشْتِرَاجِ الْأَمَانَةِ.

حاکم توانست امانت را برگرداند.

☒	☐
-------------------------------------	--------------------------

۵- تَمَعَ أَسْبُوعَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ.

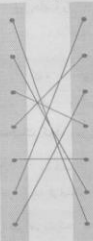
قاضی پس از دو هفته نزد حاکم رفت.

التمرين الأول

۱۰۴

سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

عاقبت، جوینده یابنده بود
 نو که آمد به بازار کهنه شود دل‌آزار
 چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
 عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل
 تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد
 دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود
 در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب و ز مذهب



عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

اَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

اَشْرَءُ ذَمِّكَ وَ ذَمِّكَ وَ مَذْهَبِكَ.

مَنْ غَفَرَ يَغْفِرْ لَخَفِيهِ وَقَعَ فِيهَا.

اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ.

مَنْ طَلَبَ شَيْنًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ.

لَا تَحِلَّ جَدِيدُ لَذَّةٍ.

التمرين الثاني

۱۰۵

ضرب المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

یک گنجشک در دست بهتر از ده تا روی درخت است.
 آنچه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی (برداشت می‌کنی).
 کسی که برادر یا دوست بی‌عیب طلب کند بدون دوست و برادر می‌ماند.
 این اسب (گوی) و این میدان.
 یک روز با ما و روزی علیه ماست.

۱- غُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةٍ عَلَى الشَّجَرَةِ.

۲- مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

۳- مَنْ طَلَبَ أَخًا يَلَا عَيْبَ بَقِي يَلَا أَخ.

۴- هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ.

۵- يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا.

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ

۱۰۵

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

- ۱- (الشَّحَاب) ☒ اَلْمَطَرُ ☐ اَلصَّحِيفَةُ ☐ اَلضُّوْزَةُ ☐ اَلْعَرَبَةُ
- ابر باران روزنامه عکس واگن
- ۲- (خَلْفَةُ الزَّوْجِ) ☐ اَلزَّوْجُ ☐ اَلْأُجْحَاثُ ☒ اَلْعُرُوسُ ☐ اَلضُّوْمُ
- چشم عروسی بستری پووهش‌ها عروس عروس روزه
- ۳- (عَصْفَتْ) ☐ اَلْأَسَدُ ☐ اَلزَّائِبُ ☐ اَلْجُورُ ☒ اَلزَّيْبُ
- وزید شیر مردود پل‌ها الخسور اکراب
- ۴- (اَلْكَهْرِبَاءُ) ☐ اَلْكَبَابُ ☒ اَلْبَقَارَةُ ☐ اَلْمُضْبَانُ ☐ اَلزَّجَاجَةُ
- برق گیاه باتری خشمگین اکراب
- ۵- (اَلدُّخَانُ) ☐ اَلظَّرِيقُ ☐ اَلْعَمِيقُ ☐ اَلْخَرِيقُ ☒ اَلظَّرِيقُ
- دود راه ژرف آتش اکراب

۱۰۶

۹۹

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ

۱۰۶

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

اجْعَلْ / اَلْقَاعَدُ / فَرِيضَةُ / مَمُوتُ / اَلْأَهْمَاتُ / اَلْمَمَرُ / شَقَاوَةُ / اَنْفَقَهُمُ

- ۱- اِغْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعْمَلُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.
در دنیا چنان عمل کن گویی تو تا ابد زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان عمل کن گویی که فردا می‌میری.
- ۲- مِنْ سَعَادَةِ أَنْ أَدَمَّ خُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ أَنْ أَدَمَّ سُوءَ الْخُلُقِ.
از خوشبختی و سعادت آدمیزاد اخلاق نیکو و از بدبختی آدمیزاد اخلاق بد است.
- ۳- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.
اگر بر دشمنت برتری یافتی پس به خاطر شکر برتری بر او ببخش.
- ۴- اَنْظُرُوا اِلَيْكُمْ وَلِوَالِدَيْكُمْ فَإِنَّ طَلِبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.
علم و دانش را طلب کنید اگرچه در چین باشد همانا طلب علم یک فریضه است.
- ۵- أَفْضَلُ النَّاسِ اَلَّذِينَ اَلْفَقَهُمُ لِلنَّاسِ.
بهترین مردم سودمندترین آن‌ها نسبت به مردم است.
- ۶- اَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَهْمَاتِ.
بهشت زیر پای مادران است.

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ

۱۰۶

در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی

۱- واحد	۲- اِثْنَانِ	۳- ثَلَاثُ	۴- اَرْبَعُ
۵- خَمْسَةُ	۶- سِتَّةُ	۷- سَبْعَةُ	۸- ثَمَانِيَةُ
۹- تِسْعَةُ	۱۰- عَشْرَةُ	۱۱- أَحَدُ عَشَرَ	۱۲- اِثْنَا عَشَرَ

۱۰۶

۷۹

عدهای ترکیبی

۱- الأول	۲- الثاني	۳- الثالث	۴- الرابع
۵- الخامس	۶- السادس	۷- السابع	۸- الثامن
۹- التاسع	۱۰- العاشر	۱۱- الحادي عشر	۱۲- الثاني عشر

۱۰۷

تیم (دوره اول متوسطه)

التمرین السادس

هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

۱- جریان قطرات الدفوع من الحزن أو الوجع.
جریان قطرات اشک از روی اندوه یا درد۲- طعام محبوب في محافظتين بسمال إيران.
غذای محبوب دو استان شمالی ایران۳- مركز للتعليم العالي يتخرج منه الطلاب.
مرکز تحصیلات عالی که از آن دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند.۴- قیاب یذرسون في الجامعات.
جوانانی که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند.۵- فصل يأتي بعد الصيف.
فصلی که بعد از تابستان می‌آید.

۱۰۷

☐ الشخيرة

ریشخند

☒ الكاء

گریه

☐ الشاي الحار

چای داغ

☒ الكوز مع السمك

برنج و ماهی

☒ الجامعة

دانشگاه

☐ المستشفى

بیمارستان

☒ الطلاب

دانشجویان

☐ الشرطة

پلیس

☒ الخريف

پاییز

☐ الربيع

بهار

۱۰۸

التمرین السابع

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

خدادون / شرطیان / نافذتین / سیدات / اطعمة / فطنة

فطنة	مفرد مؤنث
شرطیان	مثنای مذکر
نافذتین	مثنای مؤنث
خدادون	جمع مذکر سالم
سیدات	جمع مؤنث سالم
اطعمة	جمع مفسر

۱۰۸

التمرین الثامن

ترجمه کنید و انواع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱- یا ولدي، لا تباين في حياتك. أنت تقدر، اطلب و اجتهد.

فعل نهی فعل مضارع فعل امر فعل امر

ای فرزندم در زندگی‌ات ناامید نشو. تو می‌توانی. بخواه و تلاش کن.

۸۰

۲- یا یَتِي، اِتَّسَمِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ قَرِيبًا.

فعل امر فعل نهی مضارع مستقبل

ای دخترم به زندگی لبخند بزن. اندوهگین نباش. تو پیروز هستی. به زودی موفق خواهی شد.
۳- أَنْصُرُوا أَصْدِقَاءَكُمْ وَلَا تَنْكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ أَيْضًا.

فعل امر فعل نهی مستقبل

دوستانتان را یاری کنید و آن‌ها را در مشکلات رها نکنید. پس آن‌ها نیز به شما کمک خواهند کرد.

۱۰۸

التَّحْرِيرُ التَّاسِعُ

با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةِ مِنَ الْعُمُرِ.

حامد پسری باهوش است و او در سن پانزده سالگی عمرش است.

هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ سَاءً.

او تکالیف مدرسه‌اش را عصر می‌نویسد.

يَنْهَشُ صَبَاحًا فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا زَمْعًا.

صبح ساعت یک ربع به شش بلند می‌شود.

وَبَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فُطُورَهُ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَالتَّصَبُّعِ.

و بعد از نماز ساعت شش و نیم صبحانه می‌خورد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْخَمْسَةِ وَاللَّذَّةَ حَاسِبِيًّا لَهُ.

در روزی از روزها پدرش برای او رایانه‌ای خرید.

وَسَمَّيْهُ بِالْمَدَّخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ.

و به او اجازه داد که در اوقات فراغت وارد اینترنت شود.

فَرَحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْمَهْدِيَّةِ.

حامد با این هدیه خوشحال شد.

يَمْدُ ثَمْدًا سَافِرًا وَاللَّذَّةَ وَاللَّذَّةَ لِمَهْدِيَّةٍ إداريَّةٍ لِمَدَّةٍ يَوْمَيْنِ.

پس از مدتی پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو روز سفر کردند.

قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ نَحْطًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ.»

حامد به پدر و مادرش گفت: «یک تحقیق علمی در اینترنت جست‌وجو خواهم کرد.»

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ

حامد پشت رایانه نشست.

و لَمِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَفِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَشَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا زَمْعًا.

و ساعات زیادی بازی کرد و در روز بعد ساعت یک ربع به هفت بیدار شد.

مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَمَا غَسَلَ وَبَهْطَهُ

صبحانه نخورد و صورتش را نشست.

و خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَرَكِبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

و از خانه خارج شد و سوار اتوبوس مدرسه شد.

كَانَ حَامِدٌ يَشْفُرُ بِاللُّوْمِ فِي الْمَشْطَبِ.

حامد در کلاس احساس خواب‌آلودگی می‌کرد.

فَجَاءَتْ صَوْتُ الْمُعَلِّمِ: «أَرَيْتُمْ مُسَاعِدَةً وَاجِبَاتِكُمْ.»

ناگهان صدای معلم را شنید: «می‌خواهم تکالیفتان را ببینم.»

فَتَحَ حَامِدٌ خَفِيَّةً وَفَهَّمَ بِأَنَّ الْمُدْفَتْرِلِسَ لَهُ نَبْلٌ لِأَخِيهِ.

حامد کیفش را باز کرد و فهمید که همانا دفتر برای او نیست بلکه برای خواهرش است.

نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ بِالْيَتِي كُنْتُ مُنْظَمًا!

حامد پشیمان شد و با خودش گفت: «ای کاش من منظم بودم.»

تلفن (دوره اول متوسطه)

۱- اِشْتَرَى وَالِدُ حَامِدٍ حَاسُوياً لَهُ.
پدر حامد برای او رایانه‌ای خرید.

۲- حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.
حامد در سن ۱۲ سالگی است.

۳- هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ ظَهراً.
او تکالیف مدرسه‌اش را ظاهر می‌نویسد.

۴- يَحْكُ حَامِدٌ عَنْ مَوْضُوعٍ رِيَاضِيٍّ فِي الْإِنْتَرْنِتِ.
حامد در اینترنت مسئله‌ای ریاضی را جست‌وجو می‌کرد.

۵- سَافَرَ وَالِدُهُ وَوَالِدَتُهُ مُهِمَّةً إِدَارِيَّةً مُدَّةَ شَهْرَيْنِ.
پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو ماه سفر کردند.

درست ☒ نادرست ☐

درست ☐ نادرست ☒

درست ☐ نادرست ☒

درست ☐ نادرست ☒

درست ☐ نادرست ☒

درست ☐ نادرست ☒

ارژشیاپی مستمّر

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید. (۱/۵ نمره)
الف) اِشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسُوياً.
ب) حَامِدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ.
ج) الْأَسَدُ سُلْطَانُ الْعَابَةِ.
۲- ترجمه‌های ناقص را کامل کنید. (۱/۵)
الف) يَوْمٌ لِنَاوِيَوْمٍ عَلَيْنَا.
ب) الْمَالِمْ بِلَاعْمِلِ كَالْقَجَرِ بِلَاثْمِ.
ج) يَغْدُ أَسْبُوعَيْنِ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید. (۱)
الف) إِنْنَانِ:
ب) الثَّامِنِ:
ج) هَشْتَمِ:
د) دَوْمِ:
۴- جمله‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. (۲)
الف) كَانَ حَامِدٌ يَشْفُرُ بِالْوَمِ فِي الشَّعْبِ.
ب) الْخَرِيفُ فَضْلٌ يَأْتِي بَعْدَ الشَّيْفِ.
ج) إِشْتَلِمَ نَقُودَكَ.
د) إِنِّي سَوْفَ أَسَافِرُ إِلَى الْخَجِ.
۵- نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید و آن‌ها را ترجمه کنید. (۲)
الف) لَا تَبْأَسْ فِي حَيَاتِكَ.
ب) إِنْتَقَسِي لِلْحَيَاةِ.
ج) هُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ.
د) أَنْتَ تَقْدِرُ.

روزی با ما و روزی است.
عالم بی عمل مانند بدون میوه است.
بعد از به مدرسه رفت.

دو ☐ دوم ☐
هشتم ☐ هشت ☐

۸۲

۶- هر کلمه را در جای مناسب خود در جدول قرار دهید (یک کلمه اضافی است). (۱)

مُحَافِظَتَيْنِ - الجامعات - الضيف - شباب - شُرطِيَان

مفرد	مثنی مذکر	جمع سالم	جمع مکثر
------	-----------	----------	----------

۷- گزینه مناسب را انتخاب کنید. (۱)

- الف) الْجَنَّةُ تَحْتَ أَتْدَام
 ب) تَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. التَّلَاطِ التَّقَاعُدُ الشَّرَطِيُّ

پایانخ آوزشیاپی مستمر

۱ الف) رایانه ب) باهوش ج) شیر (هر مورد ۵/۵) ۲ الف) علیه ما ب) درخت ج) دو هفته (هر مورد ۵/۵) ۳ الف) دو هشتم (هر مورد ۵/۵) ۴ الف) حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می کرد. (۵/۵) ب) پاییز فصلی است که بعد از تابستان می آید. (۵/۵) ج) پول هایت را بردار. (۵/۵) د) همانا من به حج سفر خواهیم کرد. (۵/۵) ۵ الف) فعل نهی = نا امید نشو ب) فعل امر = لیکن بزن ج) فعل مستقبل و کمک خواهند کرد. د) مضارع = می توانی (هر مورد ۵/۲۵) ۶ (هر مورد ۵/۲۵)

مفرد	مثنی مذکر	جمع سالم	جمع مکثر
الضيف	شُرطِيَان	الجامعات	شباب

۶ الف) الْأَهْهَات ب) التَّلَاطِ (هر مورد ۵/۵)

سوالات امتحانی

آزمون وی ماه (نوبت اول) وقت تاریخ / /

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید.

الف) رَقَدَ حَسْبُ فِی الْمَسْتَشْفَى.
ب) صَنَعَ التَّجَارُ جِبراً عَلَى النَّهْرِ.
ج) رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ يَمِينِهِ.
د) هُمْ يَخِيلُونَ خُفَاتِهِمْ.

۲- ترجمه جمله‌های زیر را کامل کنید.

الف) اَخْتَرْتُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِی لِسَانِهِ.
ب) رِبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی.
ج) اَبَشْرُ الْكَافِرِ كَالْخَيْلِ.
د) اَلْغَرِيبُ مِنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید.

الف) الغریب من لیس له حبیب.
ب) لا عتیل کائناتین.
ج) هیچ کاری همچون تحقیق کردن نیست.
د) غریب آن کسی است که دوستی ندارد.

۴- در هر مجموعه کلمه ناهمگون را مشخص کنید.

الف) ۱- تَوَقَّلْتُ ۲- ظَلَمْتُ ۳- طَيَّعْتُ ۴- حَقَّقْتُ
ب) ۱- تَسْوَعُ ۲- ذَهَبَ ۳- شَهَرٌ ۴- سَنَةٌ
ج) ۱- شَارَعَ ۲- سَاحَةُ ۳- خَاتَمٌ ۴- رَصِيفٌ
د) ۱- اَتَّخَذَ ۲- رَأَى ۳- شَاهَدَ ۴- نَظَرَ

۵- گزینه مناسب جای خالی را انتخاب کنید.

الف) یا حَلَّالٌ. اِلی نَزَلَ السَّطَرُ.
ب) من فی الارض یتزعجک من فی السماء.
ج) اَنْتَظِرُوا اَنْتَظِرْ اَنْتَظِرْ
د) اَنْتَظِرُوا اَنْتَظِرْ اَنْتَظِرْ

۶- کلمات متضاد و مترادف را به هم وصل کنید (یک کلمه اضافی است).

الف) تَقَارُؤُا * رَحِیْمَةٌ
ب) یَمِید * لَمَّا
ج) کَثِیر * تَعَادَدَ
د) عِنْدَمَا * قَرِیب

۷- جملات عربی را به فارسی روان ترجمه کنید.

الف) اِسْتَحْوُوا کَلَامِی وَاِغْلَوْا بِهِ.
ب) قَتَلَ اَخَاهُ وَاعْتَذَرَ.
ج) کَتَبَ التَّلَاحِیْدُ صَحِیفَةً جِدَارِیَّةً.
د) الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنینِ وَالتَّنَاتِ.

۸- کلمات زیر را در جای مناسب خود در جدول قرار دهید (یک کلمه اضافی است).

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر

۹- حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

الف) كاتب، مکتوب؛	ب) خالق، مخلوق؛
-------------------	-----------------

۱۰- برای فعل‌های زیر ضمیر مناسب انتخاب کنید سپس هر جمله را ترجمه کنید.

الف) أَنْتُمْ	هم	ب) نَحْنُ	أنا
---------------	----	-----------	-----

۱۱- برای جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید (یک کلمه اضافی است).

الف) جازنا يَتَمَلَّ في	الكراسى.	ب) مكانٌ للتعليم العالى بعد المدرسة.
ج) المَلْمُ في الصِّغَرِ كالنَّقْشِ في		د) جاريةٌ على وَجْهِ الظُّفْلَةِ.

۱۲- در جملات زیر فعل‌های امر را پیدا کنید و سپس آن‌ها را ترجمه کنید.

الف) أَطْلُبُوا العِلْمَ وَلَوْ بِالضَّيْنِ.	ب) يا طالبان، اِئْتِحا عَنْ مَوَازٍ غَدَاتِيَّةٍ.
--	---

پایخ سوالات امتحانی

۱- الف) بیمارستان ب) پل ج) دودی د) کیف‌ها (هر مورد ۰/۲۵)	۸- (هر مورد ۰/۲۵)
۲- الف) در زبان اوست. ب) ظلم کردم (هر مورد ۰/۵)	۹- الف) ک ت ب: نویسنده - نوشته شده (هر مورد ۰/۲۵)
۳- الف) گزینه ۱ ب) گزینه ۱ (هر مورد ۰/۵)	۱۰- الف) هـ، ا ن هـ ا بیروز می‌شوند. (هر مورد ۰/۵ نمره)
۴- الف) حقیقه ب) ذقب	۱۱- الف) مَصْنَع (ب) الجامعة
۵- الف) خانم د) آکل (هر مورد ۰/۲۵)	۱۲- الف) أَطْلُبُوا=فعل امر ← طلب کنید. (هر مورد ۰/۲۵)
۶- الف) آنظرُوا ب) اِرْحَمْ (هر مورد ۰/۵)	۱۳- الف) اِئْتِحا=فعل امر ← جست‌وجو کنید. (هر مورد ۰/۲۵)
۷- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	
۸- الف) سختم را گوش کنید و به آن عمل کنید. (۰/۵)	
۹- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	
۱۰- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	
۱۱- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	
۱۲- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	
۱۳- الف) سقاوت = سعادة بعيد = قریب	

سوالات امتحانی

آزمون خردادماه (نوبت دوم) فرمت: تاریخ:/...../.....

نوع (دوره اول متوسطه)

۱- فقط واژه‌های مشخص شده را ترجمه کنید.

الف) أَنْتَ تَقْدِيرِينَ لَاتِيَّاسِينَ.
ب) صَنَعَ إِدِيسُونُ مُخْتَبِرًا صَغِيرًا.
ج) اِسْتَلْقَمْتُ الْمُدْرَسَةَ رِسَالَةً.
د) الْبَطَارِيَّةُ مَخْزُنُ الْكَهْرِبَالِيِّ السَّيَّارَةِ.

۲- ترجمه جمله‌های زیر را کامل کنید.

الف) مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ.
ب) أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.
کسی که سخنش زیاد شود
محبوب‌ترین کارها نزد خداوند

۳- ترجمه صحیح را انتخاب کنید.

الف) كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ.
ب) هُوَ يَمْتَلُ بِوُجَاهِيهِ الْمُدْرَسَةِ.
۱) آن دو غذا می‌خورند.
۲) آن دو غذا می‌خوردند.
۱) او تکالیف مدرسه‌اش را انجام می‌دهد.
۲) او تکالیفش را در مدرسه انجام می‌دهد.

۴- جملات عربی را به فارسی روان ترجمه کنید.

الف) سَيَأْتِي الْقَاضِي إِلَى غَدَا.
ب) يُمَكِّنُ مُعَالِجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ.
ج) كُنْتُ أَشْتَغِلُ فِي الْمَزْرَعَةِ.
د) دَرَسَ إِدِيسُونُ بِمُسَاعَدَةِ أَبِيهِ.

۵- در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید (دو کلمه اضافی است).

الف) حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى _____ السَّفَرِ. ب) كَتَبَ الْقَلِيبُ لِلْمَرِيضِ حَبِيبًا _____ لِمُعَالِجَةِ صُدَاعِهِ.
ج) إِنَّ _____ مَفِيدٌ لِقَوِيَةِ الْيُونِ. د) يَجْلِبُ التَّاجِرُ _____ جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.

۶- کلمات مترادف و متضاد را با (=, ≠) مشخص کنید.

سَفَرٌ □ كَتَمَ □ نَفَقَةٌ □ فَجَاءَ □ قَوْتُ □ حَيَاةٌ □ حَزَبٌ □ صُلَحَ □

۷- در هر مجموعه کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

الف) ۱- جامعه □ ۲- مَلَمَبَ □ ۳- ناکه □ ۴- مَكْنَبَةٌ □
ب) ۱- ریح □ ۲- مَطَرٌ □ ۳- سحاب □ ۴- أَخَذَ □
ج) ۱- أَرْزَقَ □ ۲- أَحْمَرُ □ ۳- اِنْفَحَ □ ۴- أَخْضَرَ □
د) ۱- رَمَانٌ □ ۲- ثَقَّاحٌ □ ۳- جَذَ □ ۴- عَثَبٌ □

۸۶

۲

۸- فعل های زیر را در جدول قرار دهید و معانی شان را بنویسید.

لَا يَذُرُّس - لَا تَقْطَعُ - مَارَسْنَا - يَنْفَعُ

ماضي منفى	مضارع مثبت	مضارع منفى	نهى

۱

۹- زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید.

الزَّاهِمَةُ أَلَا زُهْمًا - الثَّامِنَةُ وَالنِّصْفُ - السَّادِسَةُ تَمَامًا - الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ



۱/۵

۱۰- با توجه به نمونه ترجمه کنید.

الف) واحد- یک	إِثْنَان - دو	تِسْعَةٌ -
ب) السادس - ششم	السَّابِع - هفتم	الْحَادِي عَشْرَ -
ج) مَاشِرُوا - نوشیدند	لَا يَشْرَبُونَ -	

۱/۵

۱۱- نوع فعل های مشخص شده را بنویسید پس آن ها را ترجمه کنید.

الف) يَا زُهْلَتَانِ رَجَاءً لَا تَنْزِلُوا، اِضْعَدُوا.
ب) سَأَلْتُكَ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ.

۱

۱۲- متن زیر را بخوانید سپس درستی یا نادرستی جملات داده شده را مشخص کنید.

حامدٌ وَلَدٌ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْقَمَرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَأَجْبَانِهِ الْمَدْرَسِيَّةُ مَسَاءً. اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسُوبًا لَهُ. يَبْحَثُ حَامِدٌ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ وَكُتِبَ سَاعَاتٌ كَثِيرَةٌ. وَ فِي الْيَوْمِ الْتَالِي كَانَ حَامِدٌ يَشْتَغِلُ بِالنُّومِ فِي الْمَسَاءِ.

نادرست	درست
☐	☐
☐	☐

۱- اشترى والد حامد حاسوباً له.

۲- بحث حامد عن موضوع رياضي في الانترنت.

۸۷

پانچ سوالات امتحانی

۱ الف) ناامید نشو (ب) آزمایشگاه	۸ (هر مورد ۰/۲۵)	ماضی منفی	مضارع مثبت	مضارع منفی	نهی
ج) دریافت کرد (د) برق (هر مورد ۰/۲۵)		مازَستَمَنّا	يُفْعَلُ	لَا يُفْعَلُ	لَا تَقْطَعُ
۲ الف) خطایش زیاد می‌شود.		نکشدیم	سود می‌رساند	درس نمی‌خواند	قطع نکن
ب) حفظ زبان است. (هر مورد ۰/۵)		۹ الواحدَةُ والرَّيْعُ - الزَّايْعَةُ الرَّيْعُ - السادسةُ تماماً - الثامنةُ	والنَّصَبُ (هر مورد ۰/۲۵)		
۳ الف) گزینه ۲ ب) گزینه ۱ (هر مورد ۰/۵)		۱۰ الف) نه	ب) یازدهم		
۴ الف) قاضی فردا نزد من خواهد آمد.		ج) نمی‌نوشتند (هر مورد ۰/۵)			
ب) معالجه بیماری‌ها با رنگ‌ها ممکن می‌شود.		۱۱ الف) لائزلوا = فعل نهی ← پیاده نشوید، إصعدوا = فعل امر ← سوار شوید.			
ج) در مزرعه کار می‌کردم.		ب) سَابَحْتُ = فعل مستقبل ← جست‌وجو خواهیم کرد (هر مورد ۰/۲۵)			
د) ادیسون با کمک مادرش درس خواند. (هر مورد ۰/۵)		۱۲ الف) درست	ب) نادرست (هر مورد ۰/۵)		
۵ الف) دلیل					
ج) الجزیر					
۶ شَرُّ = کُتْم					
مَوْتُ ≠ حیاة					
۷ الف) فاکهة					
ج) إفتح					

نهم (دوره اول متوسطه)

درجۀ نهم